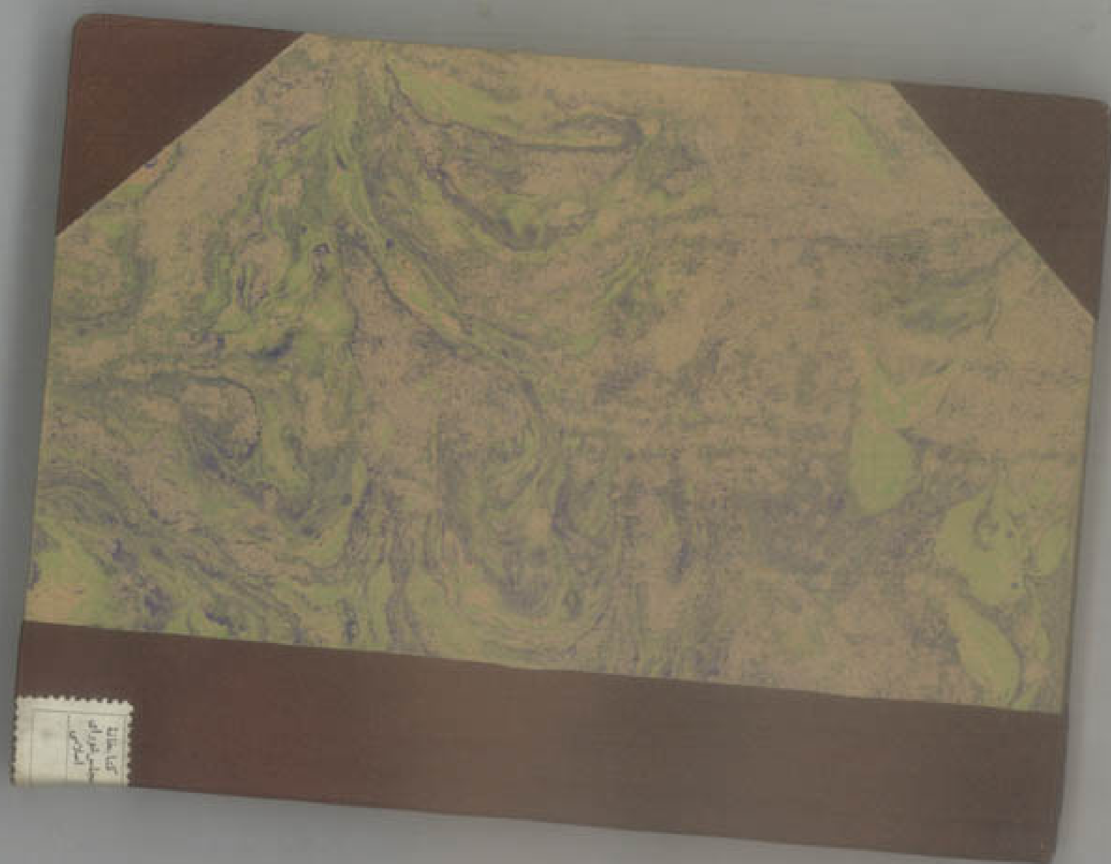




ب و منزلت او نزد حضرت عزت پس باید که نظر کند نظر کننده بعقل خود که ایا گرامی داشت
ی تعالی محمد را صلعم بسبب ترک دنیا خوار کرد پس او را اگر گوید اهانت کرد او را دروغ
گفته بحق خداوند بزرگ و اگر گوید گرامی داشت او را پس باید بداند بدرستی که خدای تعالی
خوار کرد غیر او را جائی که گسترانید دنیا را از برای آن غیر و دفع کرده دنیا را از نزدیکتر
مردمان از وجهت ارادهٔ خیر پس باید که اقتدا نماید اقتدا کننده به پیغمبر خود صلعم و پیروی
اثر او کند و در آید بجای در آمدن و اگر ایمن نمیشود از هلاکت پس بدرستی که خدای تعالی
محمد را صلی الله علیه و آله نشانهٔ قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمان است و بشارت دهنده اهل
طاعت بجنت و بیم کننده ارباب معصیت بعقوبت بیرون رفت از دنیا شکم تهی از قبل اکل
و روزه داری و فرود آمد با آخرت سالم از معایب ... نهاد سنگی را بسنگی تا آنکه گذ
پیراه خود یعنی تا نشان رفت بدار القرار و اجابت کرد خواننده بدرگاه پروردگار پس چه بزرگ است
و نعمت خدا نزد ما وقتی که انعام کرد بما آن حضرت پس پیش آمده که پیروی کنیم او را و در طریق
دین و کشند که در نوردیم راه در عقب او تا برسیم [illegible] سوگند بخدای تعالی که هر آینه
رقعه دوختم دراعهٔ خود را که اینست چندانکه شرم داشتم از رقعه دوزندهٔ او و هر آینه گفت
مرا گوینده که آیا نمی اندازی آن را گفتم دور شو از من که نزد صباح ستایش میکنند گروه
شب رونده عاقبت آن شب گیر را که بجهت نزدیک شدن ... فرحت تعب شب گیر



بسم الله خیرالاسماء فی مکارم الاخلاق قال

قال مفضل فیه احادیث اعز الامور ... خذ من الدنیا ما صفی ودع الاغوار ... العیش ما کفر ودع الظلم البغی
قال العرب ... الله بصیر والیه المرجع والمصیر ... در تفسیر ملا فتح الله کاشانی در سوره بقره در ذیل تفسیر
ظلموا انفسهم ... احادیث ... از آنجمله ... آنحضرت ... که ...
از امت که ... ایمان میکنند و حال آنکه ایمان ندارند تارک الصلوة و مانع الزکوة و خورنده ربا و کسانی که
و اشامنده خمر و خورنده ... نباشد سخن چین و فتنه انداز در میان مردمان و غیبت کنند و آزار رسانند
همسایه خود و ... کننده در میان اهل ظلم و ستم که ... شخص با ایشان نامد و از آنجمله فرموده که روز
که روز قیامت ... از عقربهای جهنم بعوارض قیامت ... در ... خود و ... بسیار
باشد ... و دیگر ... که ... کس ... اول تارک الصلوة اگرچه
بهشت رفت باشد دوم مانع زکوة اگرچه ... باشد سیم ... اگرچه ... باشد چهارم خورنده ربا
اگرچه ... باشد پنجم عاق والدین اگرچه ... باشد ششم ... در مسجد باهم ... مشغول شوند
و سخن دنیا گویند بعد از آن ... هرچند ... که ... دو
دروغ نهند

بب و منزلت او نزد حضرت عزت پس باید که نظر کند تفکر کننده بعقل خود که ابا گرامی داشت
ی الله محمد را صلعم بسبب ترک دنیا خوار کرد پس او را اگر گوید اهانت کرد او را دروغ
ت بحق خداوند بزرگ و اگر گوید گرامی داشت او را پس باید بداند بدرستی که خدای تعالی
خوار کرد غیر او را جائی که گسترانید دنیا را از برای آن غیر و دفع کرد دنیا را از نزد بهترین
مردمان از جهة اراده خیر پس باید که اقتدا نماید اقتدا کننده به پیغمبر خود صلعم و بردی
اثر او کند و در آید بجای در آمدن و اگر این نمیشود از هلاکت پس بدرستی که خدای تعالی
محمد را صلی الله علیه وآله ... زیرا که پیغمبر آخر الزمانست و بشارت دهنده اهل
طاعت بجنت و بیم کننده ارباب معصیت بعقوبت بیرون رفت از دنیا شکم تهی از قوت اکل
و روزه داری و در ورود آمد با آخرت سالم از معایب ... تنها و ... تا آنکه
براه خود ... رفت بدار القرار و اجابت کرد خواننده بدرگاه پروردگار پس چه بزرگ
و نعمت خدا از نزد ما وقتی که انعام کرد بما آن حضرت پس پیش آمد که پیروی کنیم او را و در طریق
دین و کشنده که در نوردیم راه در عقب او تا برسیم ... سوگند بخدای تعالی که ... این
رقعه دوختم در اعه خود را که اینست چندانکه شرم داشتم از رقعه دوزنده او ... گفت
مرا گوینده که آیا نمی اندازی آنرا گفتم دور شو از من که نزد صباح ستایش میکنند کرده
شب روندگان عاقبت آن شکر را که بجهة نزدیک شدن بمنزل ... تعب شبگیر

برخود نهاد و پاسی از شب زنده داشت راه برید و صباح بمنزل رسید ستایش میکند آن شب
برید تا همچنانست حال مومن در وقت رحلت چون دید سلامت را از عقوبت ستایش
میکند تعب دنیا و آن مشقت را و این مثلیست که مردم میزنند از برای تحمل مشقت با امید راحت
پس این خطبهٔ بلیغه کافیست و مقصود ما بر طریق اجمال و ما ذکر میکنیم تفصیل مکارم اخلاق آنحضرت را
در جمیع احوال و تفرقات و نشستن و برخواستن و سفر کردن و در حضر بودن و خوردن و آشامیدن
بخصوص آنحضرت و جمیع آنچه مرویست از آنحضرت و ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نسبت با حوال عموم
و مردمان درین باب و از حق جل و علا توفیق میخواهم و در اتمام این کتاب چه او جل ذکره بر هرچه میخواهد
تواناست و دشواری هر کار بر او آسانست و بهیه پناه و تواناست و این کتاب را [illegible] بر

مقدمه تا

دوازده باب **باب اول در خلق** در خلق حضرت رسالت پناه صلعم و در خلق او و بسیاری از احوالش
مشتمل بر پنج فصل **فصل اول** در خلقت و صورت و سیرت آنحضرت و همنشینان او و دامن همت آن
فصل دوم در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت از کتاب شرف النبی وغیر آن از کتب که او
تواضع و حیای آنحضرت و ... **فصل سیم** در اخلاق آنحضرت صلعم **فصل چهارم** در صفت
آنحضرت از آشامیدن آنحضرت **فصل پنجم** در ذکر عجیبی از معاید احوال آنحضرت
در آداب پاکی و خوشبویی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن **باب سیم**
و مسواک کردن مشتمل بر سه فصل **فصل اول** در پاکی خوشبویی و آنچه در حکم آنست

باب چهارم در سرمه کشیدن بچشم و دیگر روغن مالیدن ببدن **باب پنجم**
مسواک کردن بدهن **باب ششم** در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است
مشتمل بر شش فصل **باب هفتم** در کیفیت حمام رفتن **باب هشتم** در پوشیدن عورت
باب نهم در مالیدن سفال و روغن زیت و کسبوس وغیر آن **باب دهم**
در تراشیدن موی سر و ازاله کردن موی از باقی اعضا از عانه و بغل **باب یازدهم**
در شستن سر بآب خطمی و برگ کنار **باب دوازدهم** در روزه نهادن **باب سیزدهم** در آداب
ناخن گرفتن و بر دست چیدن و شانه کردن و اصلاح محاسن نمودن و در آینه نگریستن
و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل **باب چهاردهم** در ناخن چیدن **باب پانزدهم** در بروت
گرفتن و آنچه بدان متعلق است **باب شانزدهم** در شانه کردن موی سر و آنچه بدان متعلق است
باب هفدهم در حجامت کردن والله اعلم **باب هجدهم** در آداب رنگ کردن موی
و زینت و انگشتری و آنچه متعلق است بدان مشتمل بر شش فصل **فصل اول**
اول در رنگ کردن موی و ترغیب آن و ذکر منافع آن **فصل دوم** در رنگ
کردن محاسن بسیاهی **فصل ثالث** در رنگ کردن بحنا وغیر آن و حنا نهادن
بر دست برای زنان **فصل چهارم** در کراهیت حنا نهادن جنب و حائض و پیوند
کردن موی **فصل پنجم** در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بدان وغیر آن

فصل ششم در آرایش و زیور زنان بانگشتری و دست و رنجن و غیر آن باب سیم
در آداب لباس پوشیدن و ترتیب تمام و سکنی دادن و آنچه بدان تعلق دارد
مشتمل است بر ده فصل فصل اول در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن
آن فصل ثانی در نیکو کردن جامه و پاک داشتن آن فصل ثالث در پوشیدن انواع
لباسها و اختلاف رنگها فصل رابع در پوشیدن جامه خز و حله و غیر آن
و فصل خامس در تجرد پوشیدن جامه و تواضع و افتادگی در آن فصل سادس
در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در آن فصل سابع در بیان ستار ردا ...
فصل ثامن در پوشیدن موزه و کفش فصل تاسع در باب سکنی و آبادی و جای بیت
ازار و متعلقات آن سرا فصل دهم در جامه خواب و فراش و متاع خانه و تواضع آن والله اعلم

باب چهارم در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است بهر دو
مشتمل است بر سیزده فصل فصل اول در فضیلت طعام دادن و نیکویی کردن در روزه حسنه سنت
داشتن فصل دوم در آداب دست شستن و غیر آن فصل سیم در آداب خوردن و آنچه متعلق است
بآن فصل چهارم در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است بدان فصل پنجم در آداب خلال کردن
دندان فصل ششم در فضیلت نان و سایر ماکولات فصل هفتم در منافع آبها فصل هشتم
در منافع گوشتها و متعلقات آن فصل نهم در ذکر شیرینیها فصل دهم در ذکر میوه‌ها

و کسی که باطل کند حق صاحب حقی را با آنکه تواند گرفت او را در هر روزی مقدار گناه عشاری
باشد و فرمود که حق تعالی میفرماید که من حرام کرده ام بهشت را بر بخیل و سخن چین و مست
و فرمود کسی که صدقه کند بهر یک درم مقدار کوه احد از نعمت بهشت بوی دهند و کسی که سعی کند در رسیدن
صدقه بمحتاجی ثواب او بقدر ثواب صدقه باشد و کسی که نماز گذارد در زمینی بر و نماز گذارد از نمازها
ملک او را ازکی یاد کرده آمرزیده شود و اگر با ایستد تا او را نماز کنند بهر یکی کلام قرآن ثواب بوی دهند
و قرائت مقدار احد است و کسی که آنکه بنزد شود چشمانش از ترس خدا او را باشد بهر قطره قصری در بهشت
بنا کرده پیچ چیزی او را بهره باشد و فرمود که کسی که بمسجد رود بطلب جماعت نماز او را بهر گامی
هفتاد هزار درجه بلند گردانند و اگر در آن بمیرد او را ثواب هفتاد هزار شهید و صدیق باشد و در شفاعت
او داخل باشد و مؤذن چون بگوید اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلّا الله هفتاد هزار ملک آمرزش
برای او کنند و در روز قیامت در سایه عرش باشد تا حق تعالی از حساب خلق فارغ شود هفتاد
هزار ملک ثواب اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ الله حقاً مینویسند و کسی که در حضور در صف اول
در یافتن تکبیر اول از نماز جماعت رعایت کند او را ثواب حج ادنی باشد در دنیا و آخرت و کسی که
پیشوای جماعت کند در تقسیم اوقات و تعیین حالات ایشان در روز قیامت دستهای او
بر غل بسته باشد بر گردن پس اگر راستی و سویت میان ایشان نگه نموده باشد حق تعالی او را خلاص
کند و اگر در آن ظلم نموده باشد با آتش دوزخ گرفتار شود و آنحضرت فرموده که کسی در اخیره انید

واگر از ان توبه میکنند از ترک بهشت و منقولست از امام جعفر الصادق که این حدیث منقولست از خط حضرت
امیر المومنین و امام المتقین علی المرتضی علیه التحیة والثنا باملاء رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم

فصل سیم

در وصیت کردن پیغمبر صلعم و آله بحضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام
حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که حضرت رسالت پناه صلعم و آله مرا گفت یا علی وصیت چند میکنم ترا یاد
گیر و فراموش مکن یا علی آنکه فرو خورد خشم خود را و قادر باشد بر آنکس که خشم برو کند و نکند او حق سبحانه و تعالی
او را در قیامت ایمنی و ایمانی کرامت فرماید که لذت او از همه لذتها نیکوتر باشد یا علی آنکس که
وصیت نکند در وقت ناقص باشد در مروت محروم باشد از شفاعت من افضل آنست که حاج
در آید و قصد نکرده باشد ظلم و جور و بدی پس یا علی بدترین آنکس که مردم از زبان و بد گفتن او آزار کشند
اهل آتش است یا علی بدترین مردم آنکس است که بفروشد آخرت خود را برای دنیای دیگران
یا علی آنکس که قبول نکند عذر آنکس را که عذر گوید اظهار عجز کند خواه صادق باشد و خواه نه محروم ماند
از شفاعت من یا علی براستی که حق تعالی دوست دارد دروغی را که بجهت صلاح مومنان گفته شود
و دشمن دارد راستی که فساد مومنان کند یا علی آنکس که ترک کند خمر خوردن از جهت غیر خدای تعالی
آب دهد او را از شراب خالص پاک صبر کرده حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمود با وجود آنکه برای غیر
خدا ترک کرده باشد پیغمبر صلعم و آله فرمود بلی اگر چه از جهت آن ترک کرده باشد که نفس او را مضرت
نرسد که خدای تعالی او را ازین جزا میدهد یا علی شارب خمر همچون بت پرست است یا علی قبول نمیکند

حق تعالی

حق تعالی نماز شارب خمر را تا چهل روز پس اگر درین چهل روز بمیرد کافر مرده باشد یا علی هر مست کننده
حرام است و آن خمر که مست کند بسیار او و کم او هم حرامست اگر چه یکمثقال باشد یا علی همه
گناهان در یک خانه ایست و کلید آن خانه شراب خوردنست یا علی بر شارب خمر ساعتی
می آید که نمی شناسد در ان ساعت خدای خود را یا علی براستی که خراب کردن کوههای
بلند آسان ترست از خراب کردن پادشاهی شخصی که سلطنت او منقضی نشده باشد یا علی
آنکس که نفع نگیرد و نبیند خود پس هیچ چیز نیست از برای تو در نشستن با او و آنکس که ترا
مرحبا نگوید و امام ندانند و دوست ندارند تو آنرا مرحبا مگو و دوست مدار او را و اگر از بهشت
نیست یا علی سزاوارست آنکه باشد در مرد مومن هشت خصلت وقار و تمکین نزد اضطراب
و صبر نزد بلا و عذاب و شکر نزد آسانی و نعمت قانع شدن باانچه روزی داد او را حضرت
عزت ظلم نکند بر دشمنان منفعت خود را ایثار نکند بر دوستان بدن او از ایشان در تعب باشد
و محنت مردم از او در آسایش باشند و راحت یا علی چهار طایفه اند که دعای ایشان
رد نمیشود امام عادل پدری که از برای فرزند دعا کند مومنی که دعا کند از برای برادر مومن خود
غایبانه مظلومی که برو ستم رفته باشد یا علی هشت کس اند اگر اهانت کنند ایشان را ملامت
نمیکنند ایشان را اول نفس خود و کسی که ناخوانده بر مائده و طعام کسی رود و کسی که کدخدائی خانه
کسی کند بی گفته او و کسی که از دشمنان خیر طلبد و کسی که عطیه خواهد از لئیمان و کسی که ... اصل

۸ خصلت مومن

۴ مستجاب الدعا

۸ طایفه اگر اهانت یابند ملامت کنند خود را

شو و میان دو کس در سری و رازی که آن را واخفی کرده داشته‌اند راز کنی که بسبکی کنند
با پادشاهان و سخنان مجلس بهنسند و چیزی گویند که لایق حال ایشان نباشد کسی که بنشیند
در جایی که لایق او نباشد کسی که سخنی گوید با کسی که گوش نکند بسخن او یا علی حرام شده است
جنت بهر بدکاری که شعار خود ساخته باشد خواهش او پاک نداشته باشد از آنچه
میگوید و آنچه از برای او گویند یا علی خوشا کسی دراز باشد عمر او و نیکو باشد عمل او یا علی
مزاح میبرد حشمت تو را و دروغ مگو که میبرد روی تو را و بر تو باد که احتراز کنی از دو خصلت
از تنجیل و اضطراب و کاهلی و درستی که اگر تنجیل کنی چیز مشکلی را و احمقی کنی و اگر کاهلی کنی
او مشکلی حق کسی را یا علی جمله گناهان تو را تو رهست مگر بدخلقی را و درستی که بدو اورد
هر چند بیرون میرود از گناهان و داخل میشود در گناه دیگر یا علی چهار چیز است که نوبت
او زود می آید یکی مردی که نیکی با تو باشی با بدی بجای نیکی کردن تو بدی کند دویم کسی که جور و ستم
روکرده باشی و او بر تو جور و ستم کند مردی که تو عهد نکرده باشی با او وفا کرده باشی عهد
و او عذر آرد و بتو کسی که قطع صلهٔ رحم کند یا علی آنکس که اضطراب برو مسلط شد میرود از
راحت یا علی دوازده خصلت در طعام خوردن که سزاوار است مرد مسلمان را دانستن
آن چهار فرض است و چهار سنت و چهار ادب اما فرض بدان اول آن چیز را که میخورد حلال است
با وام و بسم الله گفتن و شکر کردن و راضی بودن بآن طعام اما سنت نشستن بر پای چپ

و خوردن

دارد و آنجا که بگریزد کسی از شیر و مکروه است جماع کردن با زن خود در حالتی که محتلم شده باشد
و غسل نکرده زیرا که فرزندی که پیدا شود دیوانه باشد و ملامت نکند مگر نفس خود را زیرا که
این کار خود کرده است و مکروه است بول کردن در کنار آب جاری و مکروه است حدث کردن
در زیر درخت میوه دار و مکروه است رفتن در خانهٔ تاریک بی چراغ یا علی آن است حسب افتخار
سرور [illegible] گردنت که من چنینم یا علی آنکس که بترسد از خدا بترسند از وی همه چیز و آنکس که نترسد
بترساند خدا او را از همه چیز یا علی هشت کس اند که نماز ایشان مقبول نیست یکی غلامی که از خواجه
بگریزد تا باز گردد بسوی خواجهٔ خود دویم زنی که با شوهر خود ناسازگاری کند و شوهر از فعل
او در غضب باشد سیم کسی که زکوة ندهد چهارم ترک کنند وضو پنجم کنیزی که پیش
مردمان نماز گزارد بی مقنعه ششم امام قومی که او را مکروه دانند هفتم کسی که مست باشد
هشتم کسی که بول و غایط بر وی غلبه کرده باشد یا علی چهار کس اند که بنا کرده است
خدای تعالی از برای ایشان خانه در بهشت اول کسی که جا دهد یتیمی را دویم کسی که رحم کند
ضعیفی را سیم کسی که شفقت کند بر مادر و پدر چهارم آنکس که مدارا کند با غلام خود یا علی
سه چیز است که هر که آن را بجای آورد افضل مردمان باشد اول آنکس که بجای آورد فرضهای
خدای تعالی را پس عابدترین مردمان است دویم آنکس که پرهیز کند از محرمات پس آن پرهیز
کارترین مردمان است سیم آنکس که قانع شود بآنچه خدای تعالی باو داده است پس غنی

از خدا

۸ طایفه که نماز ایشان مقبول نیست

۴ طایفه [illegible] خانه در بهشت

۱۳ افضل مردم

بر ایشان تاوان است یا علی سه چیز است که طاقت ندارد این امت یکی مدارا و مواسا
و یاری کردن با برادران مؤمن در مال دوم انصاف دادن مردمان از نفس خود سیم ذکر
خدای تعالی در همه حال و ذکر خدای تعالی آن نیست که کسی سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
و الله اکبر بگوید بلکه ذکر خدای تعالی آنست که چون گرفتار شود بر تو حرامی از خدا بترسد
و ترک آن کند یا علی سه کس اند که اگر انصاف کنی با ایشان ظلم کنند تو را یکی مردمان دنی
و اراذل دوم از اهل تو سیم خادم تو یا علی انصاف بگیرند سه کس از سه کس از او و از
بنده عالم از جاهل قوی از ضعیف یا علی هفت چیز است که هر کس را در وی باشد این
هفت چیز تحقیق که تمام کرده است حقیقت ایمان او و درهای جنت گشاده است از
برای او اول تمام ساختن وضو دوم نیکو کردن نماز سیم دادن زکوة مال چهارم منع
کردن غضب خود از مردمان پنجم زبان خود را از بد گفتن نگاه داشتن ششم استغفار
از برای گناهان خود کردن هفتم نصیحت کردن اهل بیت خود یا علی حق سبحانه و تعالی
لعنت کرده سه کس را اول کسی که توشه خود را تنها خورد دوم کسی که در بیابان تنها
رود و او را رفیقی نباشد سیم کسی که در خانه تنها خواب کند یا علی سه کس اند که میترسم از
دیو یکی ایشان اول کسی که نجاست کند در میان گورستان دوم کسی که در راه رود یکی
پای او کفش نداشته باشد و در دیگری نه سیم کسی که خواب کند در خانه تنها و کسی پیش او

۷ صفت کمال حقیقت ایمان

سه ملعون

سه خوف جنون از دیو

باشد یا علی سه چیز است که نیکوست در دروغ گفتن در آن اول کید کردن با دشمنان در حرب
دوم وعده دادن با زنان از جهت اصلاح ایشان سیم از جهت اصلاح میان دو کسی
در میان ایشان عداوت باشد یا علی سه کس اند که مصاحبت ایشان دل را سیاه
کند اول نشستن با مردم اراذل دوم نشستن با مردم توانگر سیم سخن بسیار گفتن
با زنان یا علی سه چیز است که از حقایق ایمان است اول انعام کردن با درویشان دوم
انصاف دادن با مردمان از نفس خود سیم علم به مردم تعلیم کردن یا علی سه چیز است
که در هر کس که نباشد تمام نیست عمل او یکی پرهیزکاری که منع کند آنکس را از عصیان
دوم خلق نیکو که مدارا کند با مردمان بسبب آن سیم علم که اجتناب کند با آن
از جاهلان یا علی سه چیز است که راحت مؤمن است در دنیا یکی ملاقات کردن با
برادر مؤمن دوم روزه گشودن با روزه‌دار سیم نماز تهجد گزاردن در آخر شب
یا علی نهی میکنم تو را از سه صفت حسد و حرص و کبر یا علی سه چیز است که سبب
درجات اینکس است و سه چیز است که سبب هلاک اینکس است و سه چیز است
که نجات اینکس است اما آن سه چیز که سبب درجات است اول تمام کردن وضو است
در سرما دوم انتظار صلوات است سیم رفتن بشب و روز بجماعت اما آن سه چیز که
کفارات گناهان است یکی افشای سلام بر خاص و عام دوم اطعام طعام

سیم نماز تهجد گزاردن در وقتی که مردمان در خواب باشند چهارم تمام اما آن سه چیز
که موجب لعنت یکی بخیل دوم هوای نفس سیم عجب اما آن سه چیز که نجات است اول
ترسیدن از [illegible] آشکار دوم میانه بودن در توانگری و درویشی در
جمیع امور سیم [illegible] و غضب یا شیرخوارگی بیت بود از شیر مادر رفتن
و یتیمی [illegible] کسی [illegible] احتلام رسد یا علی بر دو ساله راه رفتن جهت نیکو
کردن برادر و پدر و [illegible] از جهت پرسش خویشان و بر [illegible] یک فرسنگ
راه رفتن جهت پرسش بیماران و بر دوستان دو میل جهت متابعت جنازه و بر
سه میل جهت اجابت کردن کسی که ترا طلبد و بر چهار میل جهت زیارت برادر مومن
و بر پنج میل جهت کارسازی متحیر درمانده و بر شش میل برای یاری کردن مظلوم
و بر هفت آمرزش خواسته اند از حضرت آمرزیدگار یا علی مومن را سه علامت است
اول نماز گزاردن دوم زکوة دادن سیم روزه داشتن و منافق را سه علامت است
گاهی که حاضر است تملق میکند و گاهی که غایب است غیبت مینماید و گاهی که بمومنی
مصیبتی میرسد شاد میشود و ظالم را سه علامت است اول آنکه قهر میکند بر زیردستان
دوم کناره میکند با بزرگان سیم آنکه میکند ظلم ظاهر بعداوت و اهل ریا را سه
علامت است اول آنکه نشاط میکند در طاعت نزد مردمان دوم کاهلی میکند در نماز

وقتی که

وقتی که تنها باشد سیم دوست میدارند که ایشان را مدح گویند در جمیع امور یا علی منافق را
سه خصلت است یکی آنکه هر گاه که سخنی کند دروغ گوید دوم آنکه وعده که دهد خلاف کند
سیم آنکه امانت که بدو سپرند خیانت کند یا علی نه چیز است که فراموشی می آورد یکی خوردن
سیب ترش دوم خوردن گشنیز سیم پنیر خوردن چهارم نیم خورد موش خوردن پنجم خواندن
کتابها که بر سنگهای قبور نوشته اند ششم از میان دو زن گذشتن هفتم شپش زنده
انداختن هشتم حجامت کردن از قفای سر نهم بول کردن در آب ایستاده یا علی خوشی
مردمان در سه چیز است اول خانهٔ فراخ دوم کنیزک خوش شکل سیم آب گوارا یا علی
بخدا سوگند که اگر مردمان بزرگ دون مرتبه در یک جایی باشند هر آینه حق سبحانه و تعالی
برانگیزد بادی که بادی ایشان را از آن قعر چاه بیرون آورد و مسلط گرداند بر مردمان بزرگ
عالی مرتبه در وقتی که دولت سلطنت و پادشاهی بر مردمان شریف افتد یا علی
آنکس که نسبت دهد خود را بغیر دانای خود بر روی لعنت حق و آنکه منع کند مزد مزدور را
بر او حبسی بر روی لعنت خدا و آنکه مسلمانی را بکشد بناحق یا جماعت کند کشنده مومن
را بر روی لعنت حق یا علی مومن کیست که ایمن باشند از و مسلمانان و بر مال خود و بر
خان خود و مسلمان آنکس است که سلامت باشند مردم از دست و زبان ایشان و مهاجر آن
کسیست که دور شود از گناهان خود یا علی محکم ترین ایمان کسی راست که دوست دارد

هرچه دوست داشتنیست از برای خدا و دشمن او را و هرچه دشمن داشتنیست از برای خدا یا علی
هر که مطیع زن باشد حق سبحانه و تعالی او را بروی که ... در دوزخ اندازد و امیرالمؤمنین علیه السلام
پرسید که یا رسول الله چه چیز است علامت زن ... که اجازت دادن ایشان بحمامات
و عروسیها و تعزیتها و پوشیدن جامهای تنک نازک بهشتی که اندامش تمام نماید یا علی
بپرستی که حق سبحانه و تعالی بر داشت بسبب اسلام تکبری که در میان مردمان بود
در زمان جاهلیت و تفاخر ایشان بپدران خود بدان و آگاه باش که مردمان از نسل
آدم اند و آدمی از خاکست و گرامی ترین ایشان متقیان اند یا علی ده است ...
مرده و سگ و شراب و مهر زن زانیه و رشوت گرفتن در حکم و اجرت کاهن یا علی
هر که امور و علم اگر تفاخر کند بر سفیهان یا جدل کند بر عالمان یا دعوت کند خلق را بسوی
خود تا مستقصا شوند و او را التعظیم کنند پس او از اهل دوزخ است یا علی هر که دانسته دوستی
کرد مردمان گویند چه چیز است که گذاشته و فرشتگان گویند آنچه پیش فرستاده است
عمل صالح یا علی دنیا زندان مؤمنان است و جنت کافران یا علی مردن ناگاه راحت است
از برای مؤمن و حسرت است از برای کافر یا علی وحی فرمود حق سبحانه و تعالی بسوی
دنیا که ای دنیا خدمت کن آنکس را که مرا خدمت کند و محنت بنه آنکس که تو را
خدمت میکند یا علی اگر دنیا را اقدر ... می بود پیش حق سبحانه و تعالی مقدار پر مگسی

نخورد

نمیخورد و هیچ کافر یکدم آب از دنیا بهیچ باب یا علی هیچکس نیست از اولین و آخرین الا آنکه تمنا کند در
روز قیامت که ای کاش غیر از قوت قدر و کفایت هیچ زیادتی نمی بود مرا یا علی بدترین مردمان
آنکسست که راضی نباشد بقضای الهی یا علی نام مؤمن تسبیحست و تهلیل او تهلیلست و
و خواب او بهتر عبادت و گردیدن او پهلو بپهلوی دیگر جهادست در راه رب العباد یا علی
اگر مرا پرسش کنی بپای گوسفندی هر آینه قبول کنم و اگر طلب کنند مرا برای پاچه اجابت کنم
یا علی بر زنان نماز جمعه نیست و جماعت نیست و بانگ اقامت نیست و پرسش مریض
داری و رفتن جنازه نیست و دویدن میان صفا و مروه نیست و بوسیدن حجرالاسود
و سر تراشیدن نیست و نه تولیه قضا و نه مشورت کردن با آنها و نه ذبح کردن مگر نزد ضرورت
و نه بلند گفتن لبیک در حج و نه اقامت کردن نزد قبور و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن
از برای نکاح و نه بیرون رفتن از خانه مگر برخصت شوهر پس اگر بیرون رود زنی بی رخصت
لعنت میکنند او را خدای عزوجل و جبرئیل و میکائیل و باید که ندهد از خانه شوهر چیزی را
بکسی مگر برخصت او و باید که شب نگذارد زن شوهر را غمگین یا وی بغضب شد اگرچه شوهر بر وی
ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زینت او وفا است
و مروت او عمل صالح است و ستون او ورع است هر چیز را اساسی و بنیادیست بنیاد
اسلام دوستی اهل بیت مصطفی است صلی الله علیه و آله یا علی بدخلقی شومست و اطاعت

کردن زن پیشانی خود را مذمت است یا علی شوم اگر صفت از زبان زنانست یا علی نجات یافته اند
رستگاران از خدا و بلا کسی شده اند باز کشان کنند. از پی باکی یا علی هر که دروغ بندد بر من
پس مهیا سازد جای خود را در دوزخ یا علی سه چیز است که زیاده میکند حفظ و میبرد بلغم را
جاییدن کندر و مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت است آن پاک کنندهٔ
دهان است و روشن سازندهٔ دیدگان است و راضی کنندهٔ رحمانست و سفید کنندهٔ دندانست
و میبرد زردی روی را و محکم میسازد بیخ دندان او اشتهای آورد برای طعام خوردن و میبرد
بلغم را و در حفظ می افزاید و حسنات را مضاعف میسازد و فرشتگان را شاد میکرداند یا علی
خواب بر چهار نوع است اول خواب انبیا علیهم السلام که ایشان بر قفا خواب برده اند
دویم خواب مومنان که ایشان بر پهلوی راست خواب کنند سیم خواب کافران و منافقان
که ایشان بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم خواب شیاطین که بر روی افتند و خواب کنند یا علی
نفرستاد خدای تعالی هیچ پیغمبر را مگر اینکه گردانید فرزند و ذریت او را از پشت او و گردانید
فرزندان مرا از پشت تو و اگر نه بودی تو هیچ فرزندی نبودی یا علی چهار چیز است که شکنندهٔ
پشت است اول پیشوای که عاصی شده باشند خدا را و مردم مطیع او باشند دویم زنی که شوهر او را
محافظت کند و با شوهر خود خیانت کند سیم درویشی که کسی مدارای او کند چهارم
بو یا علی بزرگی که عبدالمطلب در حالت جاهلیت چهار چیز را شعار خود ساخته بود که خداوند

عالم آیه قرآن فرستاد بر طبق و ثابت ماند اول آنکه حرام کرده بود زن پدر را بر پسر واجب او
خود را نکاح در آورد و این آیه بر طبق آن نازل شد که وَلَا تَنكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُم مِّنَ النِّسَاءِ
دویم آنکه گنجی یافت و بیرون کرد از خمس و این آیه بر طبق آن آمد که وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم
مِّن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ تا آخر آیه سیم چون چاه زمزم را کند نام او نهاد سقایة
الحاج و بر طبق آن این آیت آمد أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ چهارم که در دیت انسان
که بناحق کشته شده صد شتر نذر کرده بود و حق سبحانه و تعالی او را جاری کردانید و تغیر نکرد
در اسلام پنجم از برای طواف عددی مقرر نبود نزد قریش او مقرر نمود که هفت بار طواف کنند
و خدای تعالی آن را جاری داشت در اسلام و تغیر نکرد یا علی بدرستی که عبدالمطلب قمار نباخت
و بت نپرستید و گوشت حیوانی نخورد که نام بتان گفته باشند و میگفت من بر دین پدر خود
ابراهیم علیه السلام یا علی عجب ترین مردمان از روی ایمان و عظیم ترین ایشان از روی
یقین قومی اند که می آیند در آخر الزمان پیغمبر را ندیده اند و حجت از ایشان پوشیده پس ایمان
آورده اند بانچه پیغمبر با آن آمده است یا علی سه چیز است که سخت می کند دل را یکی کلام ملاهی
شنیدن دویم طلب صید کردن سیم به خانهٔ سلطان رفتن یا علی نماز مکن در پوست
چیزی که شیر او را نخورند و مخور گوشت آن چیز را و نماز مکن در آن زمین که در او خسف
کرده باشند و در زمینی که قوم ثمود و قوم عاد هلاک شده باشند یا علی بجز از تخم

آنچه در طرفش متعلق باشد و بجوز از آنکه او را پوستی باشد و ناخن داشته باشد و بجوز از مرغ
آنچه در پریدن جنبانند و نخورد آن مرغی را که در پریدن بال جوزا کم جنباند و بجوز از مرغ آبی
آنچه باشد او را سنگدان و غلغلدان یا علی هرچه حاجت پیش باشد از درندها چنگ
چنگ باشد از پرندها پس حرامست اکل او یا علی کشنده پدر را که پر جوزا کشته باشد یا علی
قبول نمیکند خدای تعالی دعای دلی را که فراموش کار باشد یا علی خواب عالم فاضلتر است از عبادت جاهل
عابد غیر عالم یا علی دو رکعت نماز عالم بهتر است از هزار رکعت نماز غیر عابد یا علی درست
نیست روزه آنکه بر او واجب قضا باشد و از روی رنج و بخشش بود مگر باذن شوهرش و نیز
درست نیست روزه غلام و کنیزک مگر باذن مالکان ایشان و درست نیست روزه مهمان که بر او
واجب باشد و سنت روزه نماید مگر باذن آنکه مهمانی از نزد او یا علی روزه عید رمضان و روزه عید قربان
حرام است و دو روز و مکیف روزه داشتن و افطار کردن حرام است و روزه داشتن از برای
وقوع معصیت و کاری که در وی گناه باشد حرام است و روزه تمامی ماه و سال حرام است یا علی در
زنا کردن شش خصلت است سه از آن خصلتها در دنیا واقع می شود و سه در آخرت پس آن خصلتها
در دنیاست یکی آنست که حسن و عزت زنا کننده را میبرد دوم فنای او را زود می آورد سیم
قطع روزی او می شود و آن که در آخرت است یکی آنست که حسنات او را می برد دوم آنکه
معتوب خدای تعالی می گردد سیم دایما در دوزخ باشد یا علی بنود حرص و گرفتن منفعت دیگر

در دیگه کمترین و کوچکترین آن مانند که شخصی با مادر خود در کعبه زنا کند یا علی یک درم سود آن
عظیم تر است نزد حق جل و علا از گناه هفتاد بار با مادر خود و خواهر خود زنا کرده باشد در مکه
یا علی هرکه از زکوة مال خود مستحق بدهد او را امانت و مسلمان نیست و او معزز و مکرم نباشد
نزد خالق و خلایق یا علی کسی که زکوة مال خود نداده باشد در آخرت طلب کند که مراجعت باید
بدنیا و آن را ادا کند برین معنی ناطق است قول الله تعالی حتی اذا جاء احدهم الموت
قال رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت یا علی ترک کنند حج که استطاعت داشته باشد
کافر است چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده که ولله علی الناس حج البیت من ا
ستطاع الیه سبیلا و من کفر فان الله غنی عن العالمین یا علی کسی که
استطاعت حج رفتن داشته باشد و کاهلی نماید خدای تعالی او را بر انگیزاند با یهودی یا نصرانی یا علی صدقه دادن
رد میکند قضا را اگر چه محکم باشد یا علی بخشش کردن بخویشان و خاطر جوی کردن ایشان سبب درازی
عمر باقی است یا علی کسی که ابتدا نماید نمک خوردن و ختم کند بخوردن آن از هفتاد و دو مرض شفا
یابد یا علی اگر من در جنت بمقام اعلی رسم شفاعت کنم پدر و مادر و برادر و عم خود را که با من بوده اند در
زمان نبوت یا علی من پسر دو کسم که قربان شده ام یکی عبد الله و یکی اسمعیل و من دعا کرده جد خودم که
ابراهیم است علیه السلام که در مکه دعا کرده که از نسل من یکی نبی و پیغمبر باشد یا علی عقل چیزیست که بسبب آن
حاصل میشود جنت و طلب رضای حق جل و علا یا علی بتحقیق اول چیزی که خدای تعالی آفریده و فرموده او را

که بیاید و فرمود که برو رفت بعد از آن حق سبحانه و تعالی فرمود که بعزت و جلال قدر من که بیافرینم چیزی که
عزیزتر باشد در پیش من از تو و من بسبب تو میگیرم و بسبب تو می دهم و می بخشم و بسبب تو می آمرزم
و بسبب تو می آمرزم و بسبب تو عقوبت میکنم یا علی صدقه دادن به درویشان در بهشت هرگاه
که ایشان محتاج باشند یا علی یکدرهم صرف کردن در حج ثواب فاضلتر است از هزار دینار در بدل
و صدقه دادن در راه حق جل و علا و در ثواب کردن چهارده فضیلت است یکی آنکه باد و بوی اشتها آورد
دوم روشنی چشم را می افزاید سیم دماغ را تری می آرد چهارم بوی بد دهان را خشک می کند
پنجم پیچ و خم دهان را محکم می سازد ششم بوی بغل را زایل می گرداند هفتم وسوسه شیطان
از وی کم می شود هشتم فرشتگان از وی خوشنود و فرحناک می گردند نهم موسیان بسبب آن عمل
طلب ثواب می کنند دهم کلام قرآن از وی آشنا می شوند یازدهم آنکه زینت در دولت دوازدهم
پاکیست سیزدهم منکر و نکیر از وی حیایی کنند چهاردهم او در قبر بسلامت و ایمن می باشد
یا علی چیزی نیست در گفتن مگر آنکه او را بفضل آرند و چیزی نیست در چشم دیدن مگر آنکه از حال
او صاحب وقوف باشند و چیزی نیست در مال مگر آنکه عطیه و بخشش نماید و چیزی نیست در
دوست مگر آنکه وفادار باشد و چیزی نیست در عفت مگر او پرهیزکار باشد و چیزی نیست در
صدقه دادن مگر که نیت کند و چیزی نیست در وطن مگر آنکه در راحت و خوش دل باشند یا علی
در [illegible] هفت چیز است یکی خون دویم مخل و کرش سیم آتش چهارم

که درمیان زیبایست پنجم آن ماده می باشد ششم پیه [که در گوشت] هفتم زهره یا علی در نه دیدن چهار
چیز زایل و باطل نمی یکی در دیدن حیوان از جهت قربانی در دیدن کعبه سیم دیدن علما
و نیک چهارم در گدایی راه مکه یا علی چیزی را که در کرده ام تا از آن کسی که مشاهده است بجز اکرام دوم
گفت بلی یا رسول الله بعد از آن حضرت رسالت پناه فرمودند که او کیست که خلق او بیشتر باشد
از خلق مردم و حلم او بیشتر باشد از حلم مردم و احسان و کرم او بیشتر باشد چون خویشان از مردم
و الطاف او بیشتر باشد از الطاف مردم یا علی هرگاه امت من در کشتی بنشینند و میخواهند
که غرق نشوند این دعا بکنند بسم الله الرحمن الرحیم و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا
قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها
ان ربی لغفور رحیم یا علی هرگاه امت من خواهند که بسلامت باشند این آیه بخوانند
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا فله الاسماء الحسنی تا آخر سوره یا علی هرگاه که امت
من خواهند که بسلامت باشند از فرود آمدن خانه از دیوار این آیه بخوانند ان الله
یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما
غفورا یا علی هرگاه امت خواهند که از غم خلاص باشند این کلمات بخوانند لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم و لا ملجا و لا منجا من الله الا الیه یا علی هرگاه امت من خواهند
که بسلامت باشند از سوختن این آیه بخوانند ان ولی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین

وما قدروا الله حق قدره والارض جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات بيمينه
سبحانه وتعالى عما يشركون يا علي هر كس از امت من ترسيده باشد اين آيه بخواند
لقد جاءكم رسول من انفسكم تا آخر ترس از آن كس برطرف شود يا علي كسي كه چهارپاي كه
رام او نشود اين آيت را در گوش راست او بخوانند او رام شود وله اسلم من في السموات
والارض طوعا وكرها واليه ترجعون يا علي كسي كه در شكم زن درد ابتدا باشد نوشيده در شكم
او آية الكرسي را بعد از آن بشويند و بخورد او دهند از آن خلاص گردد باذن الله تعالى يا علي كسي كه
از ساحر و شيطان ترسد اين آيت بخوانند ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض
تا آخر ترس از او برطرف شود يا علي حق پدر بر پسر آن است كه با هيچش نام نبرد و او را بهلوي خود ننشاند
و پيش او ننشيند و با او در حمام نرود يا علي سه چيز است كه وسوسه مي آورد يكي خوردن گل خاك
دوم پاره كردن ناخنها بدندان سيم خوردن ازيش يا علي لعنت خداي بر پدر و مادريست كه مسامحه
كرده باشد با فرزند كه او برايشان عاق و نافرمان بردار باشد يا علي آن چيزي كه از
عقوبت و بدي لازم آن فرزند ميشود بسبب عاق شدن بر پدر و مادر همان لازم پدر و مادر است
بسبب عدم تعليم و ادب دادن او و يا علي رحمت خداي بر مادر و پدريست كه فرزند ايشان
با ايشان با ادب و نيكوي باشد اگر ايشان مساهله نموده باشند در تعليم ادب او يا علي
كسي كه سلوك كرد اند پدر و مادر خود را بتحقيق كه عاق شده است ايشان را يا علي كسي كه غيبت

كند مسلماني را

كند مسلماني را پيش مسلماني و او استطاعت منع كردن داشته باشد و منع نكند او نيز و الله تعالى
مخذول است در دنيا و آخرت يا علي كسي كه كباب كند در نفقه يتيم مال او تا آنكه او غني شود از اهل
بهشت است البته يا علي كسي كه دست بر سر يتيمي مالد از روي رحم الله تعالى او را اعطا ميكند بعدد
هر موي در روز قيامت يا علي فقيري سخت تر از جهل نيست و مالي بهتر از عقل نيست و وحدتي
بدتر از عجب و تكبر نيست و ورعي مثل منع كردن نفس خود از چيزهاي بد نيست و حسني مثل حسن خلق نيست
و عبادتي در تفكر مثل امور نيست يا علي آفت سخن گفتن دروغست فطرة است و آفت جهل
عجب و تكبر است و آفت جهل است يا علي چهار چيز ضايع است يكي طعام خوردن گاهي كه سير
باشد دوم چراغ بر كردن مهتاب سيم زراعت كردن در شوره چهارم كاري كردن در پيش كسي
كه اهل آن كار باشد يا علي كسي كه فراموش كند صلواة را برمن بتحقيق كه گم كرده راه بهشت را
يا علي دست تا بازنج در دهان اژدها كردن مرا خوشتر است از لئيمي كه منعم شده باشد
يا علي انگشتري در دست راست كن كه فضيلت است از الله تعالى و حضرت امير المومنين سوال نمود
از حضرت پيغمبر صلى الله عليه و آله وسلم كه چه انگشتري در دست كنم حضرت فرمود كه عقيق سرخ بدرستي
كه اول عقيق كوهيست كه اقرار كرده بوحدانيت خدا و بنبوت من و با مامت تو
و فرزندان تو و به بهشت رفتن شيعه تو و بدوزخ رفتن اعداي تو يا علي
حق تعالى مشرف شد بر دنيا پس از آن برگزيد مرا بر عالم پس نوبت ديگر مطلع شد و برگزيد

الکه را از فرزندان تو برخلق عالم پس نوبت دیگر مطلع شد برگزید فاطمه علیها برزنان عالم یا علی
یافتم من ترا نزدیک نام خود در چهارم محل یافتم در نظر کردن و از اشیائی که وا با آسمان
می بردند چون بحجب بیت المقدس رسیدم دیدم که بر حجره نوشته اند لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته
بوزیره و نصرته بوزیره پس از جبرئیل علیه السلام پرسیدم که وزیر من کیست گفت
علی ابن ابی طالب علیه السلام چون بسدرة المنتهی رسیدم دیدم که نوشته اند که انی انا الله انا
لا اله الا انا وحدی خلقی محمد صفوتی من خلقی ایدته بوزیره و نصرته بوزیره
پس از جبرئیل ع سوال کردم که وزیر من کیست گفت علی ابن ابی طالب علیه السلام چون بعرش
رسیدم دیدم که نوشته اند در ستونها او انی انا الله لا اله الا انا وحدی حبیبی ایدته
بوزیره و نصرته بوزیره یا علی بدرستی که فضل و رحمت کرد مرا صفت خصلت که ترا است
بدرستی که تویی اول کسی که با من نشستی در خیمهای بهشت و تویی که با من شراب
طهور چو زبی ولی در ظرفهای سر مهر از مشک بعد از ان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به سلمان فارسی
رضی الله عنه گفت چون حریص میشوی ترا خصلت بهشت ای دنیا دنیا تو می کند و دعای تو
قبول میشود باید و حرم کنند ترا [illegible] خدا رحمت بر تو کرامت می کند تا وقت اجل بعد از ان
وفود با بی ذر رضی الله عنه که از اجتناب چیزی کن اهر خواستی از خود ماند جنت و در دنیا
خوار است و در قیامت موجب حسابست شمار ای ابی ذر خواهی زیستن و خواهر دل تنها

که ایشان را دوست دارد و با ایشان همنشین باشند و با ایشان مشورت کنند
بدترین خلق و خدا اند میگویند که بر دین منند و بر سنت و طریقت شریعت
من لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از من بری ای پسر مسعود با ایشان
منشین و خرید و فروخت مکن و آب با ایشان مده سوگند بخدای که مرا بحق فرستاده
بر خلق که خدا ایشان را بمیمون و خوک گرداند و در زمین فرو برد ای پسر
مسعود کسی که علم بیاموزد بجهت دنیا و طالب شود بر دوستی دنیا و زینت
المستحق عقاب خدا شود و در درک الاسفل با یهودان و نصرانیان
در رود ای پسر مسعود هر کس که قرآن جهت دنیا بخواند بهشت بر وی حرام شود
ای پسر مسعود کسی که علم بیاموزد و بآن عمل نکند در روز قیامت کور باشد
و کسی که علم بیاموزد بریا جهت دنیا الله تعالی برکت از او بر دارد و معاش بر وی تنگ
گرداند و خدا او را بخود واگذارد پس هلاک شود ای پسر مسعود باید که
همنشینان متقیان و زاهدان باشی ای پسر مسعود این جماعت منکر را نیکو
میدانند و نیکو را منکر پس حق را نمی پسندد ای پسر مسعود بر تو باد
که از خدا بترسی و واجبات بجای آری ای پسر مسعود ترک آنچه
ترا نمی بکار آید و صفت کن آنچه ترا بکار می آید ای پسر مسعود پرهیز از آنکه

ترک طاعت کنی و قصد معصیت ای پسر مسعود پرهیزکاری کن از لذتها و شهوتها
و زینتهای آن در خوردن حرام و طلا و نقره و مرکوبها و زنان و تسر زندان و فرزندان
طلا و نقره و گاو و گوسفندان و شتر و زراعت بدرستی که اینها متاع
دنیاست و آنچه نزد حق سبحانه و تعالی از ثواب و بازگشت نیکوتر از این است
ای پسر مسعود چون قرآن خوانی و بآیتی برسی که در وامر و نهی باشد
مکرر بخوان و ملاحظه معنی آن بکن و از این پند و اعتبار بگیر و غافل مشو
از آن ای پسر مسعود بخدای که مرا بحق بخلق فرستاده که زمانی
در آید بر مردمان که شراب را حلال دانند و نام آنرا پند نهند لعنت
خدا و ملایکه و جمیع خلایق بر ایشان باد و ایشان از من دورند
و من از ایشان بری و بیزار ای پسر مسعود زنا با مادر سهلتر است
نزد حق سبحانه و تعالی از خوردن ربا زیرا که کلید همه شرهاست
ای پسر مسعود این جماعت عیب کنند کسی را که بر دست سنت
و فرض خدای تعالی ای پسر مسعود بپرهیز از مستی چه گناه را
مستی است مثل مستی شراب بلکه بیش از آن ای پسر مسعود
دنیا ملعونست و ملعونست آنچه که در دنیاست و هر کس که از آن

مجم

کری از آنحضرت بعمل آمد و آنچه بخواستی تحمل فرمودی و موالات آن نداشتی دیگر را از خود
محروم نگذاشتی و سه چیز را نسبت بترک انگاشتی جدل نکردی و اکثار در کلام ننمودی و بالا یعنی
نکشتی و سه چیز را روا نداشتی کسی را مذمت ننمودی و سرزنش نمودی و عیب کسی نفرمودی
مگر که در ضمن آن امید ثوابی بودی و چون تکلم نمودی حضار مجلس سر در پیش انداختندی مستمع بودندی
و کسی را یارای گفتار نبودی و چون خاموش شدی حضار مجلس متکلم شدندی و در حالت سخن کردن آنحضرت
یارای منازعه نداشتندی و هرگاه که سخن کردی همه گوش داشته خاموش میشدند و در هر چیزی که
همنشینان خنده کردندی آنحضرت تبسم فرمودی و موافقت ایشان کردی و از آنچه ایشان
تعجب داشتندی آنحضرت نیز تعجب داشتی و اگر غریبی در مجلس وی سخن زشتی گفتی یا چیزی خواستی
آنحضرت بران صبر و تحمل فرمودی و حاجتش بر آوردی و امر کردی اصحاب را که چون حاجتمندی
حاجتی پیش شما آورد و در روا کردن حاجتش سعی نمایید و از هیچکس حرفی قبول ننمودی تا مکافات
عوض آن فایده کلی بوی نرسانیدی و سخن کسی را در میان سخن نبریدی و چندان گوش بسخن او دادی بیشتر
که او سخن را تمام کردی و دیگر امام حسین ع فرمود که از پدر بزرگوار خود پرسیدم که سکوت آنحضرت
بچه کیفیت بودی فرمود که سکوت و خاموشی آنحضرت بچهار چیز مبتنی بودی بر حلم و بر حذر و بر تقدیر
و بر تفکر اما حلم و بیکثری آنحضرت را تیغزی و مغاضه عارض نگشتی و بر مکروهات غضب ننمودی
و صبر بران نمودی ۲ در امور خیر و نیکی را ظاهر کردن تا راست بوی اقتدا کنند و از بطالت

را حذر در چهار صورت بیان نمودی

و ترک عبادت دور باشند و دیگر در مرکب فتایح و به بها امر فرمودی تا از سرو نقصان محفوظ
و مصون باشند و دیگر در اجتهاد و تدبیرها در چیزی که صلاح کافه امت بودی در آن و دیگر
در ایستادگی مهمات و قیام نمودن با موری که خیر دینی و دنیوی امت در آن بودی و کفایت
امت را شامل بودی و نیز تقدیر نمودی بعضی تسویه نیز در میان مردم و استماع کلام ایشان
کردی و همچنین تفکر در امور زمانی و دینی داشتی

فصل دویم

در بعضی از احوال و اخلاق آنحضرت صلعم از کتاب شرف النبی و غیر از کتب که در تواضع و حیای آنحضرت وارد شده
روایت از انس بن مالک که رسول صلعم به پرسش بیماران امت رفتی و پیروی جنازها
کردی و ترحم بر ایشان و هر که او را بخواندی اجابت نمودی اگرچه غلامی بودی و
بر دراز گوش سوار شدی و در روز غزای خیبر و بنی قریظه بر دراز گوش سوار بود
که پالان وی افسار او از لیف خرما بود و دوست نداشتی که از برای او قیام نمایند
و هر کسی را از اصحاب که تو دوست داشتی قیام نکردی که قیام موجب کراهت خاطر
مبارک آنحضرت شدی و نیز مرویست از انس که آنحضرت بر زمین نشستی و طعام تناول
کردی و گوسفند را دوشیدی و نیز مرویست که آنحضرت بر کودکان سلام کردی
و بر عورات نیز سلام کردی به روایت اسمای بنت یزید و ابن مسعود روایت کرده که
شخصی بخدمت آنحضرت صلعم آمد چون آغاز سخن کرد لرزه بر اندام آن شخص افتاد آنحضرت

باقی امور دینی

احکام رسول صلعم

کراهت قیام بجهت احترام

از وی

از وی مرحمت و مهربانی فرموده که خوش باش و باک مدار که من از ملوک نیستم بلکه پسر زنی
عورتی هستم که گوشت قدید خوردی روایت از ابی ذر که حضرت رسول صلعم در میان اصحاب
چنان نشستی که اگر غریبی آمدی ندانستی که پیغمبر کدام است ما درخواست کردیم که محلی از برای آنحضرت
معین سازیم تا ممتاز باشد صفه ساختیم از گل که آنحضرت بر آنجا نشستی و یاران در حوالی
وی نشستندی تا اگر غریبی بیامدی راه بردی چون بخانه رفتی جامه پاره خود را دوختی
و نعلین خود را پینه کردی و کارهای درویشانه نسبت با اهل خود بعمل آوردی و بهترین صفتهای
وی خاطی بودی و از امام جعفر علیه السلام مرویست در کتاب المشبویه که زنی بد زبانی بود روزی نزد
آنحضرت آمدی صلعم و آنحضرت طعام تناول میفرمود آن زن گفت یا محمد خوردن دست چون
خوردن غلامانت و نشستت چون نشست ایشان فرمود وای بر تو کدام بنده از من بنده
تر است و کدام غلام از من غلام تر آن زن گفت از ان طعام که میخوری لقمه بمن ده لقمه برداشت
که بوی دهد زن گفت لا والله آن لقمه میخواهم که در دهان است آنحضرت لقمه از دهن بیرون کرد
و بوی داد امام جعفر ع فرمود که تا آن زن زنده بود دیگر زبان بفحش و بدی نگشود دیگر
از وی بدی نشنود تا از دنیا مفارقت نمود و دیگر انس روایه کرده که نه سال در خدمت
آنحضرت صلعم بودم ندانستم که هرگز بمن گفته باشد که چرا چنین کردی و چنان نکردی
و هرگز چیزی را بر من عیب ننمود دیگر روایت کرده که دو سال در صحبت آنحضرت گذرانیدم

لطیف

اخلاق رسول صلعم

همه بویهای خوش بوی کردم هیچ بوئی خوشتر و نیکوتر از بوی آنحضرت بمشام من نرسید
و هرگاه که کسی پیش آنحضرت نشستی تا آنکس برنخاستی آنحضرت برنخاستی اگر کسی دست
مبارک وی را بدست گرفتی آنحضرت دست نکشیدی و هم انس روایت کرده که روزی آنحضرت
در راهی میگذشت اعرابی بوی رسید و ردای مبارک وی را بجذب تمام کشید که اثر
گوشه ردا بر گردن مبارکش ظاهر شد و گفت یا محمد امر فرما که از مال خدای که نزد تست
بمن بدهند آنحضرت روی بوی کرده تبسم فرمود و گفت تا چیزی بوی دادند و از ابو سعید
خدری روایت که کسی از آنحضرت صلعم چیزی طلب نکردی الا بدادی و دیگر روایت کرده
که حیای آنحضرت صلعم زیاده بود از حیای دختران دوشیزه هرگاه که آن حضرت را
که چیزی خوش نیامدی آن را از ایشان شناختیمی و دریافتیمی در روی مبارک آنحضرت و ابن مسعود روایت
کند که رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرمود که هیچکس از اصحاب باید که در پیش من غیبت یکدیگر نکنید
و بیکدیگر نگویند که من چنان دوست میدارم که چون شما ام سلیم القلب باشم و خاطرم با همه صاف باشد
و از امیر المومنین علی علیه الصلوة والسلام روایت که رسول صلعم از همه کس دست کشاده تر
بودی و جوانمردتر بودی و جرأتش از همه بیشتر بودی و در راستی گفتار از همه بیشتر بودی
و با خلق بحسن زیست میفرمود و با عامه خلایق بلطف و مرحمت بودی و کسی که بروی نگاه کردی
هیبتی و دهشتی بروی کار کردی و چون با او بسخن در آمدی الفتی و موانستی در دل خود یافتی و هر که

شمردن اگر نشینی کوی مقدار و دور از قضای حاجت بول از مردم دور شو و چون بجائی رسی دو رکعت نماز بگذار
بگذار و بعد از آن آن زمین را وداع کن و بر اهل آن سلام کن و چون در هر منزل و
زمینی جماعتی از فرشتگان موکل اند و اگر توانی طعام نخوری تا ابتدا بصدقه کنی
و برنشست بتلاوت قرآن مادام که سوار باشی و تسبیح گوئی بهر کار که مشغول باشی
و دعا از دست مگذار مادام که نشسته باشی و در اول شب براه مرو و در شب سخن بلند
مکن روایت که رسول الله صلعم فرمود که در هر منزل از زاد و همه وقت آر در سفر
از شرف مروت که چون بیرون رود بسفر توشه نیکو بردارد و امام زین العابدین
چون بسفر بیرون میفرمود توشه بر میداشت که پاکیزه ترین بادام و شکر و سویق
و غیر آن نیز نیکوست روایت که ابوذر غفاری رحمة الله علیه نزد خانه کعبه
برپای خواست گفت منم جندب مسکین مردی گرد او در آمدند فرمود که ای مردمان
هرگاه یکی از شما خواهد که بسفری رود او را از توشه ناچار است که بصلاح آرد کار
خود را حال آنکه سفر قیامت درازست از توشه که برداشته که صلاح حال شما
بشود مردی در آن میان گفت که ما را بر آن راه نما گفت روزه بدار در گرمای گرم
روز نشود و حج و عمره بگذار بجهة مخرج و بزرگی امور و دو رکعت نماز بگذار در تاریکی
شب برای وحشت قبور از کلمه خیر لب فرو مبند و از شر فرو بند و صدقه کن بر مسکین

نماید وسیله نجات تو شود در روز سخت واپسین و دینار را درهم گردان درهم را
انفاق گردان بر عیالی که داری و درهم دیگر را پیش فرست برای آخرت بجهة
رضای باری و در این سیم اگر بدست آری ضرر دارد و فایده ندارد و باز گردان
آنرا که وبال است بر تو اگر از دست نگذاری و دیگر فرموده دینار را دو کلمه گردان
کلمه صرف کردن در طلب حلال و کلمه دیگر بجهة رضای ذو الجلال و کلمه سیم اگر خواهی
ضرر یابی و فایده نیابی باز گردان و از و رو بگردان باز گفت که مرا امیکشته عمر زودی
که دریافته ام آن را لقمان حکیم گفت مر پسر خود را که ای پسرک من بدان که دنیا
دریای بی پایانست و بسیاری در و غرق گشته اند پس تو در آن خدا را کشتی خود
گردان و بادبان آنرا که توکل ساز بر خدای تعالی و بگردان زاد خود در ادر و تقوی
اگر نجات یافتی پس آن برحمت آلهیست و اگر هلاک شدی پس آن بگناهان تست
و بناهی دی پسرک من سفر کن با شمشیر و موزه و عمامه و خیمه و مشک آب و سوزن
در میان و انگشتری توانی از ادویه فایده مند بجهة خود و رفیقانت و با رفقا
موافقت مگر در معصیت الهی امام جعفر الصادق علیه السلام فرموده که مردمان کامل
میگفتند که قوت با زاید دانسته از فتح و مجد و حال اکثر اعظم قوت طعام است

لی ارکز

انگشتر ایمن باشد از سوختن و دیگر از غرق شدن و دیگر از دزدان و در حال دستار بستن
این دعا بخواند اللهم سومني بسيماء الايمان وتوجني بتاج الكرامة
وقلدني حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الايمان من عنقي و باید که ایستاده دستار بندد
و با تحت الحنک محمد بن علی گوید دیدم علی بن الحسین را که طاقیه قوی بر سر داشت و استر آن
سمور بود و ابو عبد الله علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله علیه طاقیه سفید مصری بر سر میگذاشت
در حال جنگ طاقیه بر سر که دو گوشه داشت و از امام رضا علیه السلام پرسیدند از مردی
که پوشیده بود طاقیه درازی که بر پس سر می انداختند فرمود که ابو عبد الله علیه السلام
آنرا میداشت بجهة آنکه مانع آفتاب می بود اما در غیر آن منع میفرمود و میگفت از
پوشش یهود است حسن بن نجیبار گوید که امام موسی علیه السلام فرمود که مرا بفرمای تا چند
طاقیه بسازند که با خز در دو چینها نسازند که مثل من کسیدی را لایق نباشد که کاسه
با خز در دو چینها ساخته باشند بپوشد

فصل هشتم در پوشیدن موزه و کفش

روایتست که حضرت پیغمبر و امیر المومنین علیهما السلام موزه پوشیدندی ابو صباح نقل
میکند از ابی عبد الله علیه السلام که امیر المومنین علیه السلام در سفر موزه شباقی بودی که سوار شدی بجنبی
چون اختیار سفر افتادی موزه پوشیده خواست که موزه دیگر بپوشد ناگاه مرغی از آسمان فرود
آمد و آن موزه را بر داشته بالا گرفت چون رو بر آن موزه را از هوا انداخت

طاقیه

او باری بیرون آمد و روایتست که موزه سیاه پوشیدن سنت است و موزه سرخ
شعار جباران است و سفید طریق پادشاهان و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام
که در سفر موزه سرخ پوشیدن منع نیست اما در حضر نه و ابی عبد الله علیه السلام
در راه مکه پوشیده بود و از ائمه انام علیهم السلام مرویست که موزه پوشیدن بجهة
حفظ نور چشم بسیار نیکوست منقولست از ابی عبد الله ع که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله
برخواست شخصی کفش پیش پای آنحضرت نهاد آنحضرت دعا فرمود که اللهم ان
عبدک هذا الیک فقربه و ادنه آورده اند که روزی آنحضرت مضمضه فرمود
آن آبرا در ظرفی ریخت شخصی برجست و آن آبرا خورد حضرت دعا کرد که اللهم
ان عبدک یحبب الیک فاحبه و امیر المومنین علی علیه السلام فرمود
که کفش پوشیدن بدن را نگاه میدارد و مدد است در نماز پاکی و سنت است که
اول کفش را پای راست پوشند و در وقت بیرون کردن از پای چپ بیرون کنند
و دعایی که مرویست که در وقت کفش و موزه پوشیدن بخوانند اینست
بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و وطی قدمی فی الدنیا
والآخرة و ثبتهما علی صراط مستقیم یوم تزل فیه الاقدام
و چون از پای بیرون کند این دعا بخواند که بسم الله الحمد لله الذی

رزقنی

رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی صراطک السوی
و ابو عبد الله علیه السلام فرموده که هر که رقعه بر جامه دوزد و کفش پینه [illegible] دوزد
و از کبر بریست یا بار خود را بردارد امام محمد باقر ع روایت میکند که پیغمبر صلعم
فرمود که هر که آب بیاشامد در حال ایستادن یا تکیه کند بر قبری از قبور یا رغم
خواب کند یا بریک کفش راه رود و عارض گردد او را شیطان و از و مفارقت
نجوید مگر آنچه خدای تعالی خواهد و روایت کند امام جعفر صادق ع که حضرت رسول صلعم
فرمود که بیرون کنید کفشها را از پای خود که آن سنت است و حسنه نیکوست و پای
قدمها را راحت ابو عبد الله ع فرموده که هر که کفش زرد پوشد آن کهنه نشود تا
از مال فایده و خوشحالی بیابد بعد از آن این آیه کریمه را تلاوت نماید که صفراء
فاقع لونها تسر الناظرین و دیگر فرمود که هر که کفش زرد پوشد در شادی باشد
تا آن کهنه شود سفیان بن سعید گوید که من بخدمت ابی عبد الله علیه السلام رفتم و
کفش سیاه پوشیده بودم فرمود چیست که تو کفش سیاه پوشیده ایا ندانسته که
در آن سه خصلت بد است گفتم کدام است فرمود که بینایی چشم را ضعیف میکند و آلت
تناسل را سست میکند و غم می آورد و آن از پوشش جباران است بر تو است از پوشش
کفش زرد که آن بر خلاف اینست بینایی را تیز میکند و آلت را محکم میکند

غم را میبرد و با این از پوشش ابیات علیهم السلم و فرمود که سنت است که موزه
سیاه باشد و کفش زرد و امام علی نقی ع فرموده که اگر موزه و کفش پای کسی را
جراحت کند خاک گیرد از دیواری و آنرا بر سنگی با آب دهن نرم کند در آنجا
بهتر کرده باذن الله تعالی **فصل نهم** در باب مسکن و ماوا در آنچه جایز است
از آن و متعلقست بآن سر امام جعفر صادق ع فرموده که از سعادتست وسعت
منزل و دیگر فرموده که مومن را راحتست وسعت و گشادگی منزل و امام موسی علیه السلام
فرموده که بهترین عیش بنا گشادگی منزل است و بسیاری دوستان یحیی ابی
سکونی روایت کند از ابی عبد الله ع که رسول صلعم گفت از سعادت این جهان
مرد را زن صالحه است و مسکن گشاده و مرکب خوب و فرزند شایسته مرغوب
و ابو عبد الله ع از امیر المومنین ع صلواة الله علیهما روایت کند که خانه را شرفی
میباشد و شرف آن پیشگاه گشاده و همنشینان پسندیده و شایسته است و مر انرا
برکتی میباشد و برکتش خوبی موضع است و گشادگی و نیکویی همسایگان
و در روایتست از پیغمبر صلعم که سعادت مرد چهار چیزست و شقاوت او چهار چیز
اما سعادت آن زن صالحه است و مسکن گشاده و همسایه نیکو و مرکب پسندیده
اما شقاوت آن زن بدکردارست و مسکن بد ناهموارست و همسایه ناشایسته

تا قل بگوید که چنین کردم خدای تعالی ما را از آن درد خلاصی داد و نیز از آنحضرت منقو
که دست بنهد بر جای که درد میکند و بگوید که بسم الله و بالله محمد رسول الله لا حول و لا قوة الا
بالله اللهم امسح عنی ما اجد و سه بار دست بر آن بمالد و نیز منقولست از آنحضرت
که فرمود که دست بر سر بیمار بنهد و بعد از آن بگوید بسم الله و بالله و من الله و الی الله
و ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله ابراهیم خلیل الله موسی کلیم الله
نوح نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله صلی الله علیه و علیهم اجمعین
من الارواح و الاوجاع بسم الله و بالله و عزایم من الله لفلان ابن
فلانة لا یعرضه الاکل منتم و اعیذه بکلمات الله التامات کلها التی
سال بها آدم فتاب علیه انه هو التواب الرحیم الا ترحین ایتها
الارواح و الاوجاع باذن الله تعالی لا اله الا الله له الخلق و الامر تبارک [الله]
رب العالمین بعد از آن آیة الکرسی و فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و
قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و ده آیه از اول یس بخواند بعد از آن بگوید اللهم
اشفه بشفائک او بدوائک و عافه من بلائک بحق محمد و آل محمد
صلوات الله علیه و علیهم اجمعین منقولست از امام جعفر الصادق علیه السلام که رسول
صلی الله علیه و آله و سلم را تب گرفت جبرئیل ع بعیادت آنحضرت آمد و گفت بسم الله

بیت بسم الله خذها فلنشهینك بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم
بمواقع النجوم مرّ باذن الله تعالی نقل کرده سید ناصح الدین ابو البرکات مشهدی
رحمه الله از حضرت ابی عبد الله ع شنیدم که فرمود که گل قبر امام حسین صلوات الله علیه
شفاست از هر زهری هر گاه کسی خورد بگوید بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا
وعلما نافعا وشفاء من کل داء انك علی کل شیء قدیر و نیز فرمود که هر کرا
علتی پیدا شود در ابتدا بگل قبر امام حسین ع نماید حق جل و علا او را شفا کرامت فرماید
از آن علت مگر آنکه علت مرگ باشد و منقولست از امام محمد باقر ع که از اهل بیمار کسی که متقی
باشد بر کف دست بر دهن خود نهد و بگوید بسم الله و سه بار بجلال الله سه بار بکلمات الله
سه بار بعد از آن دست بر سر دردی بیمار بمالد ببرکت آن شفا یابد و از امام محمد
باقر ع فرموده که هر گاه یکی از شما بسر بیماری رود هفت نوبت بگوید اعیذك بالله
العلیم رب العرش العظیم من کل عرق نعار ومن شر حر النار و نقل میکند حسن بن ابی
نعیم از ابی عبد الله ع که بعضی از اولاد آنحضرت را بیماری پیدا شد فرمود که بگو ای پسر
اللهم اشفنی بشفائك وداونی بدوائك وعافنی من بلائك وانی عبدك بن
عبدك مرویست از حضرت رسول صلعم یکی از اصحاب خود تعلیم فرموده که دست راست خود را
بر محلی که درد میکند بنهد و بگوید اللهم اشف عبدك ینکأ لك عدوا ویمشی لك

بسم الله اعوذ بعزة الله وقدرته
و نیز فرموده علیه السلام

الصلوة

الصلوة و همچنین منقولست از آنحضرت هر گاه بر سر بیماری میرفت میفرمود که اذهب البأس رب
الناس بیدك الشفاء لا کاشف البلاء الا انت و همچنین اذهب البأس
رب الناس واشف انت الشافی لا شفاء الا شفاؤك شفاء لا یغادر سقما
اللهم اصلح القلب والجسم واکشف السقم واجب الدعوة همچنین فرموده که هر که نزد
بیماری رود و بگوید اسأل الله العظیم رب العرش العظیم ان یشفیك اگر اجلش نرسیده
باشد شفا یابد و همچنین فرموده که بعضی از اصحاب پیغمبر ص بیمار شده بودند آنحضرت افسونی
که جبرئیل ع آنحضرت را تعلیم فرموده بود بدیشان تعلیم فرمود و آن افسون اینست بسم الله ارقیك
بسم الله اشفیك من کل داء یؤذیك ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر
حاسد اذا حسد و همچنین فرموده که دست خود بر دهن نهد و سه بار بگوید بسم الله بجلال الله
بعظمة الله بکلمات الله التامات باسماء الحسنی بعد از آن بر جایی نهد که درد میکند و بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم و بعد از آن سه بار بگوید اللهم [illegible] شفا یابد و چون شفا یابد
بگوید الحمد لله الذی خلقنی فهدانی واطعمنی وصح جسمی وشفانی لك الحمد ولك الشکر
دعا جهت درد چشم
روایت کند محمد جعفی از پدرش که گفت که درد چشم بسیار رسید شکایت بحضرت
ابی عبد الله ع کردم فرمود که آیا دعایی بتو تعلیم کنم که در دنیا و در آخرت را نافع باشد و دفع درد چشم
تو باین بشود گفتم بلی فرمود در عقب نماز صبح و شام بگو اللهم انی اسئلك بحق محمد وآل محمد

اِنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالْیَقِیْنَ فِیْ
قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَکَ اَبَدًا
مَا اَبْقَیْتَنِیْ و در روایت دیگر هست بار این دعا بخواند بعد از نماز صبح قبل از آنکه بر خیزد
از مقام خود منقولست از امام رضا علیه السلام که گفت کی داشتم خنازیر از گردن او پس در آن
شخصی نزد من آمد و گفت یا علی بگو با او که بسیار بگوید یا رؤف یا رحیم یا سیدی و آن گرگ
آن گفت خدای تعالی برکت آن او را شفا داد و **دعا جهت دفع خنازیر** این دعا بر کوزه آب
سه بار بخواند و آن زن آن آب را بخورد بعضی بریان و بعضی بر پستان نشانه و بعضی بر پیان
پستانهای او افتاده و زاییدن او بر آسان کرد باذن الله تعالی و دعا اینست که
بسم الله الرحمن الرحیم بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَکِیْمُ الْکَرِیْمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ
رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ
مَا یُوْعَدُوْنَ لَمْ یَلْبَثُوْا اِلَّا عَشِیَّةً اَوْ ضُحٰهَا کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَ مَا یُوْعَدُوْنَ
لَمْ یَلْبَثُوْا اِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ **دعا دفع درد اعضاء** رَبُّنَا اللّٰهُ الَّذِیْ تَقَدَّسَ فِی
السَّمَاءِ اَللّٰهُمَّ اِسْمُکَ فِی السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ کَمَا رَحْمَتُکَ فِی السَّمَاءِ وَاجْعَلْ
رَحْمَتَکَ فِی الْاَرْضِ اغْفِرْ لَنَا حُوْبَنَا وَخَطَایَانَا اَنْتَ رَبُّ الْعٰلَمِیْنَ اَنْزِلْ رَحْمَةً
مِنْ رَحْمَتِکَ وَشِفَاءً مِنْ شِفَائِکَ عَلٰی هٰذَا الْوَجَعِ لِلْمَیْسَرَةِ **دفع درد زانو**

ابو حمزه

ابو حمزه روایت کند که مرا درد دو زانو پدید شد شکایت بردم به امام محمد باقر علیه السلام فرمود که چون نماز
بگذاری بگو که یَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰی وَیَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِیْ وَقِلَّةَ حِیْلَتِیْ
وَاَعْفِنِیْ مِنْ وَجَعِیْ گفت چنین کردم صحت یافتم **برای شفاء علتها** سه روز روزه بدارد و در روز پنجم
غسل کند و در وقت زوال آفتاب بر پاره کرباس پاک با جو دو در او و چهار رکعت نماز بگزارد و در آن بخواند
تواند قرآن در آن چهار رکعت بخواند بتضرع و چون از نماز فارغ شود جامه خود را بکشد و در
دو جانب راست روی خود را بر زمین نهد و بعد از آن بگوید یَا وَاحِدُ یَا مَاجِدُ یَا کَرِیْمُ یَا حَنَّانُ
یَا قَرِیْبُ یَا مُجِیْبُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاکْشِفْ مَا بِیْ مِنْ ضُرٍّ
وَمَعَرَّةٍ وَالْبِسْنِی الْعَافِیَةَ فِی الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَیَّ بِتَمَامِ النِّعْمَةِ وَاذْهِبْ مَا بِیْ
فَاِنَّهُ قَدْ اٰذَانِیْ وَغَمَّنِیْ امام جعفر صادق علیه السلام گفت که این دعا هیچکس نیست که از برای کسی که یقین کند که نفع میدهد
برکت آن از آن زحمت خلاص شود **دفع بیماریها** روایت کرده اند از ابو امامه و او از حضرت
که فرموده که بنویسید دعا و آیات چند را که بعد از این نوشته میشود به زعفران بنویسید بر ظرف پاک
و بعد از آن بشوید سه بار و وضو سازد و بسیج و صبری که برای نماز بگیرد دو سه مثقال از آن آب
بردارد و بر روی و بر بدن خود مالد بعد از آن دو رکعت نماز بگزارد و از خدای تعالی طلب شفا کند
و سه روز بدین طریق عمل کند شفا یابد انشاء الله تعالی که تجربه کردیم نافع بود دعا و آیات اینست
اَعُوْذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ وَاَسْمَاءِ اللّٰهِ الْحُسْنٰی کُلِّهَا عَامَّةً مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ

والعامة ومن شر عين اللامة ومن شر حاسد اذا حسد بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين تا آخر سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق
و سه آیت از سوره البقره از والهکم اله واحد تا یعقلون و آیة الکرسی و آمن الرسول تا آخر
سوره و ده آیت از اول آل عمران و ده آیه از آخر آن ان فی خلق السموات
والارض و اول آیه از سوره ن والقلم و اول آیه از سوره مایده و آیت اول از انعام از سوره
اعراف و ان ربکم الله الذی تا رب العالمین قال موسی ما جئتم به السحر
ان الله سیبطله تا آخر آیه والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا تا حیث اتی
و ده آیه از اول والصافات **نماز بیمار** نقل میکند اسمعیل بن محمد از عبد الله بن علی بن
حسین علیهم السلام که گفت بیمار شدم بمرتبه که از من نومید شدند حضرت ابی عبد الله علیه السلام
آمد و جزع و فزع مادرم را دید فرمود بمادر من که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگزارد و در سجود بگوید
اللهم انت وهبته لی و لم یک شیئا فهبه لی هبة جدیدة تا درم چنین کرد صباح
شد بیماری در من نمانده بود بمرتبه که اهل بیت بخشیده بودند من با دیگر ایشان رفتم **نماز دفع تب**
محمد بن حسن صفار گوید نزد حضرت ابی عبد الله علیه السلام رفتم و مرا تب گرفته بود از من پرسید
چیست ترا که ملول گشتم جان من فدای تو باد تب دارم فرمود که از شما هر که تب دار شود بخانه
تنها رود و دو رکعت نماز بگزارد و طرف خود را بر زمین نهد و بگوید یا فاطمه بنت محمد صلعم

ده بار بگوید اشفع بک الی الله فیما نزل بی بدرستی که شفای بیماران دائم قبول و همچنین دو رکعت
نماز بگزارد و در هر رکعتی سوره فاتحه یکبار و آیة الا له الخلق والامر تبارک الله رب
العالمین بسم الله الرحمن الرحیم اللهم نبیک محمد صلی الله علیه و آله
یا محمد استشفع بک علی ربی فی قضاء حاجتی و هو شفاء هذا المریض یا الله یا الله
یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذوالجلال والاکرام برحمتک استغیث الآن
خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف عنکم ذلک تخفیف من ربکم
و رحمة بنویسند و بشویند و بخورد تب دارد هر آینه نافع باشد **نماز دفع اکوه** دو رکعت در هر رکعتی
یکبار فاتحه و سه بار قل هو الله احد و آیة رب انی وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا
ولم اکن بدعائک رب شقیا **نماز دفع درد چشم** دو رکعت در هر رکعتی فاتحه الکتاب یکبار
و قل یا ایها الکافرون یکبار و آیة وعنده مفاتح الغیب تا آخر آیه **نماز دفع کوری** ابو حمزه ثمالی
نقل کرده از حضرت امام جعفر علیه السلام که گفت که کوری پیش حضرت رسول صلعم آمد فرمود که میخواهی
که خدای تو چشم ترا باز دهد گفت بلی آنحضرت فرمود که وضوی تمام بکن و دو رکعت نماز بگزار
و بگو که اللهم انی اسألک وارغب الیک واتوجه بنبیک نبی الرحمة یا محمد انی
اتوجه الی الله ربی و ربک ان یرد علی بصری هنوز حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته
بود که آن کور عود کرد و حضرت حق سبحانه و تعالی بینایی او را باد و حضرت رسول صلعم فرمود

الله

فرمود که سلمان شکست دارد در خرقه و نماز بگزارد که در نماز شفاست دفع درد گردن دو رکعت و در هر رکعتی

یکبار الحمد و سه بار اذا زلزلت بخواند دفع درد سینه چهار رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و بعد از

الحمد در رکعت اول الم نشرح بخواند و در رکعت دوم قل هو الله احد سه بار بخواند و در رکعت سیم

والضحی یکبار و در رکعت چهارم یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ دفع قولنج دو رکعت

در هر رکعتی الحمد یکبار و آیه انا فتحنا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ نماز از برای باز آمدن گریخته

دو رکعت در هر رکعتی بعد از الحمد از اول سوره حدید چهار آیه و آخر سوره حشر از لو انزلنا تا آخر

سوره بخواند و بگوید یا من هکذا الا هو کذا غیره اجعل الدنیا علی فلان اضیق من جلد

جمل حتی ترده علی دفع درد پا دو رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و امن الرسول تا آخر سوره بقره بخواند

دفع رنج دو رکعت نماز بگزارد و دست خود را بر روی خود نهد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله را

وسیله شفاعت سازد و بحضرت حق جل و علا سه بار بگوید بسم الله اخرج علیک ایها الوجع

من عین انس او عین جن اخرج علیک و بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا و کلم الله

موسی تکلیما و خلق من روح القدس لما هدئت و طفئت کما طفئت نار

ابراهیم باذن الله نماز پیدا شدن گمشده منقول از حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام که دو رکعت

نماز گزارد و در هر رکعتی سوره یس بخواند چون فارغ شوی دستها برداری بجانب آسمان بگوی

اللهم راد الضالة والهادی من الضلالة صل علی محمد و آل محمد واحفظ علی ضالتی

وازدوها

وازددها الی سالمة یا ارحم الراحمین فانها من فضلک و عطائک یا عباد الله فی

الارض ردوا علی ضالتی فانها من فضل الله و عطائه و همچنین منقول از آن حضرت که بخواند

اللهم لا اله الا انت لک السموات والارض وما بینهما فاجعل الارض علی فلان

اضیق من جلد جمل حتی تمکننی منه انک علی کل شیء قدیر و در روایتی منقول است که امام جعفر

فرمود که هر کسی را که بنده بگریزد و آیة الکرسی مدور بر کاغذ نویسد و در میان آن عبارت نویسد که

اللهم السماء لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما لک اضیق علی فلان من جلد جمل حتی

ترده علی و تظفرنی به این دعا را بخوانند و آن کاغذ را در آنجایی که آن بنده گریخته خواب کرده است

دفن کنند و سنگی را بر بالای آن نهند و همچنین نویسد و بخوانند اللهم انت جبار فی السماء

وجبار فی الارض و ملک فی الارض و اله فی السماء واله فی الارض رد علی فلان

ضالته و احفظ از برای دفع تب بسم الله ذی العز والکبریاء والنور بر سه پاره کاغذ

بقلم باریک چنانچه نتوان خواندن و آن کاغذ را بحبه و صاحب تب هر روز یکی از آن ناشتا

بخورد نافع باشد مجرب و همچنین نویسد بر یک صدقه عقدت باذن الله و بر یکی

سکنت باذن الله و بر یکی دیگر شددت باذن الله و صاحب تب هر روز ناشتا یکی از آن

وصله بخورد و همچنین برای رات صاحب تب بسم الله یا حمی الماضیة المستمضیة

بالذی فی السماء عرشه و بالذی کلم موسی تکلیما واتخذ الله ابراهیم خلیلا

دفع تب

وَبَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا كَمَا خَرَجَتْ مِنَ الْعَظْمِ إِلَى اللَّحْمِ إِلَى الْجِلْدِ وَمِنَ الْجِلْدِ

إِلَى الْأَرْضِ وَلَيْكُنْ فِيهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا وهمچنین نویسد این آیات را برکاغذی و بر ریسمانی بر بندد و بدست

کره ریسمان بران ریسمان بزند بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ

وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا

عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحْمَنُ اسْكُنْ بِقُدْرَةِ الْجَبَّارِ الْعَظِيمِ وَبِقُدْرَةِ النَّارِ الْكَبِيرِ

وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ نیز نویسد و همچنین از امام جعفر الصادق ع

روایتست که رسول صلی الله علیه و آله تب دار شد جبرئیل نزد آنحضرت آمد و گفت بسم الله

أَرْقِيكَ تَا لِغَرَابِ دعا را خواند که پس آنحضرت دور شد و منقولست از امام رضا علیه السلام

کنیزکی که نزد او قدر و منزلتی داشت شکوه کرد بمن از تب من در خواب شخصی دیدم که

آمد و بمن گفت که این بیت برکت که بگوید یا ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا سیداه صلی علی محمد

و اهل بیته واکشف عنی یا احد چون چنین گفت خلاص شد و همچنین روایتست که

سه روز در روز اول نویسد بسم الله الرحمن الرحیم لا تخف انک انت الاعلی

و در روز دویم نویسد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

درد سر

رفع درد سر روایت میکند عمر بن حنظله که شکایت کردم پیش امام محمد باقر ع از درد سر

که مرا میشد و فرمود که در آن حالت بنه دست خود را بر میان سر خود و بگو که لَوْ كَانَ الْهُرَّ

كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

جهت صداع شقیقه منقولست از امام رضا علیه السلام که بسم الله الرحمن الرحیم

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ

الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

بنویسد که اللهم انک لست باله استحدثناه تا آخر و زود باشد که این دعا در فصل چهارم بعد از

مذکور شود انشاء الله تعالی جهت درد سر یا غیر آن پس دست خود را بر آن موضع بنهد بگوید

اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ منقولست

از امام محمد باقر ع که در وقتی که در کسی کاهلی شده باشد یا درد سری یا حمی شده باشد

و سه بار بگیرند و بکشند و سوره فاتحة الکتاب و معوذتین بخوانند پس دست خود را

بروی خود بکشد دردی که در سر وی باشد زایل شود عمر بن ابراهیم گفت شکایت کردم

پیش امام رضا علیه السلام از درد سر بسیار و از آوازی که عارض میشد مرا شنیدم چنین

فرمود که از این بیماری که برگ او بیخ است و اور الباب میگویند بر سر خود بنه و بتوای

کہ بر سر کودکان بہند کہ تا فوات سازن آنہا را لوی کوید کہ چنان کردم و چنان کرد
منقولست کہ درد سر را انجار یک کند از قول شقیقہ بسم اللہ الرحمن الرحیم
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت
الوهاب اگر خوش شد فبها والا بگیرد نخود سعیدی و دیم کن و بکوب چنانچہ نرم
شود و بخوان بران سہ نوبت قل هو اللہ احد و بر پیشانی او بگذارد کہ درو شفا است
حکایت کرد مردی از اہل مرو نزد ابی عبد اللہ ع از درد سر فرمود کہ نزدیک شو
پس دست مبارک را بر سر من نہاد و این آیہ را خواند کہ ان اللہ یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه
کان حلیما غفورا پسر عماد گفت حکایت کردم نزد ابی عبد اللہ ع از درد
شقیقہ فرمود کہ چون از فریضہ فارغ شوی انگشت سبابہ را میان دو چشم خود بنہ و سہ بار
بگوی یا حنان اشفنی پس انگشت را بر روی راست بمال بعد از ان بگوی یا منان اشفنی
و انگشت را بر روی چپ بمال بعد از ان دست راست را بر میان سر خود بنہ و بگو
یا من سکن له اللیل والنهار وما فی السموات والارض صلی اللہ علی محمد وآل
وسکن ما بی درد چشم منقولست از حضرت امیر المومنین ع علیہ السلام کہ ہر کرا درد چشم
باشد باید کہ آیة الکرسی بر چشم خواند و در دل خود بگذراند بدرستی کہ ببرکت آن صحت بیابد

ان ادام

قدره و همچنین بسم اللہ الرحمن الرحیم و ذا النون تا آخر آیہ و فاتحة الکتاب
ہفت نوبت خواندن نافع است و همچنین لئن انجینا من هذه لنکونن
من الشاکرین ان اللہ بالناس لرؤف رحیم و ننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمومنین درد پشت شهد اللہ تا آخر یا سریع الحساب خواند
افسون درد همہ اعضا [illegible] پای خود را ببوید و بر ساق و بر ساق جهت احتباس بول بر پای
چپ خود بنویسد کہ ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا
فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه علی ذات الواح و دسر تجری باعیننا
جزاء لمن کان کفر مجرب نافع است نقلست از جبران کہ نوشتم امام علی النقی ع
کہ جانم فدای تو باد نزد ما شخصی ہست و از دوستان شماست و نام او نفیس
خادم است و حبس بول دارد و التماس دعا میکند از شما کہ ببرکت آن شفا یابد
آنحضرت دعا فرمود کہ خدای تعالی دفع حضرت او بکند و از تو مکروهات دنیا را
بردارد و مبالغہ بسیار فرمود اکنون باید کہ قرآن بسیار بخواند کہ ببرکت
آن شفا یابد اعوذ باللہ الکریم بسم اللہ و باللہ الذی باذنه قامت السموات
والارض قال مریم بنت عمران لم تبرها وجع الارحام اسلم بسم اللہ
الحی القیوم بسم اللہ المستغاث باللہ علی ما هو کائن و علی

کل شيء علماً

ما قد کان اشهد ان الله علی کل شيء قدير وان الله قد احاط

بسم الله الرحمن الرحيم محمد رسول الله والذين
معه اشداء على الكفار رحماء بينهم تراهم ركعا سجدا تا آخر سوره احيوا
عزمت على سامع الكلام وبعزايم الله الشداء التي هي فوق الارواح و
الاجساد ولا يسعني روح ولا فواد الاغنياء بسم الله الذي قال للسموات
والارض ائتيا طوعا او كرها قالتا اتينا طائعين صلى الله عليه وآله الطاهرين
بخوان اینجا میانه تو و تعس تو بانج نماز دیگر جهت دفع ترس آب در خواب
روایت است از ائمه کرام علیهم الصلوة والسلام که بستانند دو قدر از سعود و یک قدر از
زعفران و با عسل صاف خمیر کند و گلوله‌ها از آن بسازد و بر جام آهنی بزعفران
بنویسد که بسم الله الرحمن الرحيم ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا
ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا تمامی
جام را از این آیه بنویسد و سه نوبت و آب سرد بشوید و بریزد بشیشه پاک
ورق آهو بستانند و بنویسد بعد از آن آیت و فاتحة الكتاب و قل هو الله احد

سه بار و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آية الكرسي و آخر سوره حشر
و لقد نجينا بني اسرائيل و دیگر بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک السموات
والارض تا آخر آیه و بنویسد که یا من هو هکذا اغثنا امسک عن فلان بن فلان
ما یجد من غلبة البول و این تعویذ را بر زانوی او ببندد و اگر زن باشد و اگر
مرد به بندد بر زهار او و بر سر ذکر او و در وقت خواب از آن گلوله‌ها از سعد و زعفران
حل کند بقدری از آب که آنها را باید آب بشست و بیاشامد و بگوید من شر الناره
تا اذهب ما يجد من غلبة البول ان شاء الله و تعویذ را از خود کم شاید و
جهت وضع زائیدن
تا بول تر شود و بنویسد در ساق چپ زن حامله بندد که بسم الله الرحمن الرحیم
محمد رسول الله كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحاها اذا السماء
انشقت واذنت لربها وحقت واذا جاء نصر الله والفتح تا آخر
واولات الاحمال اجلهن ان يضعن حملهن اخرج باذن الله وقدرته
اخرج باذن الله من البطن الطيبة منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها
نعيد
نخرجكم تارة اخرى و همچنین بنویسد برق آهو و بر ران زن حامله بندد جهت
زود زاییدن فان مع العسر يسرا و بگوید این آیه یا ایها الناس اتقوا ربکم ان
زلزلة الساعة شيء عظيم يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما ارضعت

وتضع کل ذات حمل حملها همچنین نوبت دیگر کاغذی اولم یر الذین کفروا ان
السموات کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی
والارض
افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ فی
الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا
الا ساعة من نهار و به بند بر میان زن حامله و چنین وضع حمل بود بلکه آیه ورد
که انا انزلناه فی لیلة القدر بنویسند و بشویند و آن آب را بخورد او دهند که خروج
او نیز بیفتد نافع است و نیز گفته که زن در وقت زاییدن او انا انزلناه و
بخوانند زود وضع حمل بود دفع سپرز بخوانند بر کف دستهای صاحب سپرز سوره اذا جاء
نصر الله را سه نوبت که این آیه را ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل
علیهم الملائکة ان لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون
سه نوبت بعد از آن هر دو دست را بر سپرز مالد نافع است و همچنین بنویسند آیه ان الله
یمسک السموات والارض تا آخر آیه و انه من سلیمان و انه بسم الله
الرحمن الرحیم و بر محل سپرز بهند نافع است دفع قولنج روایت کند ابراهیم بن یحیی
از ائمه علیهم السلام که بنویسند از برای این مرض سوره فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و در پایین آن بنویسند که اعوذ بوجه الکریم

وبعزة الله التی لا ترام وبقدرة الله التی لا یمتنع منها من شر هذا الوجع ومن شر
ما اجد منه و انهار از روی یا بر شانه بنویسند و با آب باران بشویند و از آن نفس ما شاء دو نوبت
تمام بیاشامد نافع است دفع قبض شکم این آیات بخواند بر روغن و بر شکم خود افشاند
دفع قبض
و برخود بمالد بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض
عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر وفتحنا علیهم ابواب
کل شیء باسم فلان بن فلان اولم یر الذین کفروا تا آخر آیه و همچنین مرویست
از ابی عبد الله ع که بنویسند جهة دفع پیچ شکم که بسم الله المتعلمون الذین لا یعلمون
والذین یعلمون
قاعدون فوق رایات کلون نورا طربا یسلون ما جهدهم من النور العلوی
کذلک یشفی فلان بن فلانة هفت نوبت افسون کنند بعد از آن روغن بران بریزد
و چون روغن بر جبه رسد بمالد و بخورد آن را از زحمت نافع باشد ان شاء الله تعالی
و همچنین مرویست از ابی عبد الله ع که بخواند بر روغن اذا السماء انشقت تا و حقت
واذ قالت امرأة عمران تا آخر آیه و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین
که نافع است و همچنین مرویست از ائمه علیهم السلام که افسون مذکور را بر آب خوانند
بر روغن و بخورد صاحب زحمت دهند و بعد از آن دست بر شکم و مالد و نوبت و بگوید
یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ثم السبیل یسره ان السموات والارض

كانتا رتقا ففتقناهما فاخاءه المخاض الى جذع النخلة والله اخرجكم
من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا كذلك اخرج ايها الذى باذن الله عز وجل
جهت دفع درد کمر روایت از امام رضا علیه السلم که شخصی با نحضرت از درد کمر شکایت کرد
فرمود که یس را بعسل بنویس و باب بشوی و بخور منقولست که شخصی نزد امام محمد باقر ع آمد
و گفت مراد ختریست و گاهی در بازوی او چیزی میشود و بحری میشود بمرتبه میخواهد که بمیرد انحضرت
فرمود در وقتی که او حایض باشد سه بخته و عسل سه روز بخورد او بدهد که نافع است و
انحضرت فرمود که بر کاغذ و قرطاس دیدا هاکه از زهر حستی نبود فاتحة الكتاب و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الناس بخواند و بعد از ان اعوذ بوجه الله العظيم وعزته التى لا ترام
وقدرته التى لا يمتنع منها شئ من شر هذه الوجع ومن شر ما فيه ومن شر
ما اجد منه بر شانه یا بر لوحی بنویسد باب بشوید و بیاشامد در محل جواب
نافع باشد انشاء الله تعالى جهت درد و قرابا و دست بخوانند که بسم الله الرحمن الرحيم
ومثل كلمة خبيثة تا اخر آيه منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم
تارة اخرى الله اكبر ولا يتبعه الله شئ وانت لا يبتغى والله على كل شئ
قدير کسی را که پیدا شود دردی ساق او یا شقیقی یا زحمتی بنویسد بران ولقد
خلقنا السموات والارض وما بينهما فى ستة ايام وما مسنا من لغوب بر بسته بمحل

دعای دیگر

وجعل النهار نشورا لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين
الحمد لله الذى لا يحجب منه النجوم ولا تكن منه الستور ولا يخفى
عليه ما فى الصدور ابى عبد الله عليه السلام روايت كند كه امير المؤمنين
على عليه السلام فرمود که هر یکی از شما که از خواب بیدار شود که بگوید که لا
اله الا الله الحى القيوم وهو على كل شئ قدير سبحان رب النبيين
واله المرسلين سبحان رب السموات السبع وما فيهن ورب العرش
العظيم والحمد لله رب العالمين پس چون بنشیند بعد از بیداری بگوید
پیش از انکه برخیزد که حسبى الرب من عبادى حسبى الذى هو حسبى
منذ قط حسبى الله ونعم الوكيل الحمد لله الذى احيانى بعد
ما اماتنى واليه النشور الحمد لله الذى رد على روحى لاحمده و
اعبده هرگاه که نظر کنی بجانب آسمان این دعا بخوان که یا نور النور
یا مدبر الامور یا من ملى التدبير ويمضى المقادير امض مقاديرى
فى يومى الى السلامة والعافية بعد از ان این پنج آیت از سوره آل
عمران بخوانند که ان فى خلق السموات والارض ما لا يخلف

المیعاد مرویست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه بشنوید
بانگ خروس را بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح سبقت
برحمتك وغضبك لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین
سبحانك وبحمدك عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه
لا یغفر الذنوب الا انت وفرمود که پنج خصلت از خروس بیاموزید
محافظت بر اوقات نماز و غیرت تمام که نمی گذارد که خروس دیگر با مرغان
او نزدیکی کند و سخاوت که دانه را بمرغان دیگر صرف میکند و جنگ
و شجاعت و کثرت مردی و رجولیت و دیگر فرمود که از کلاغ سه خصلت
بیاموزید پوشیده نزدیکی کردن و صباح زود بطلب روزی رفتن
و از بد حذر کردن و امام زین العابدین علیه السلام چون
شب خوف شدی این دعا را بخواندی که اذا هدأت العیون الهی
غارت النجوم سمائك ونامت عیون انامك وهدأت اصوات عبادك
وانعامك وغلقت الملوك علیها ابوابها وطاف علیها حراسها
واحتجبوا عمن یسألهم حاجة او ینتفع منهم فانك الهی حی

و انت

کردی من امروز سه روزست که اینجا مقام دارم جریر بن عبد الله روایت کند که
روزی آنحضرت با یاران بخانه او فرمود و خانه پر مردم شد جریر در بیرون خانه
نشست که مردم پر بودند آنحضرت او را دید عبای خود را در هم پیچید و نزد جریر انداخت
و فرمود که در بالای آن نشین جریر آنرا برداشته بر روی مالید و بوسید و نزد آنحضرت انداخت
منقولست از سلمان فارسی رضوان الله علیه که روزی نزد آنحضرت رفتم و او بر بالشی تکیه زده
بود چون مرا دید بالش را نزد من انداخت و فرمود که یا سلمان هر مسلمانی که نزد برادر
مسلمانی رود و او از روی تعظیم و تکریم بالش خود را بزیر روی اندازد خدای تعالی او را بیامرزد
در مزاح و تبسم آنحضرت روایتست که میفرموده که من مزاح میکنیم اما غیر حق نمیگویم شخصی
پرسید از ابن عباس که آیا آنحضرت مزاح میفرمود گفت بلی امام حسن ع فرمود که من
پرسیدم از خال خود هند از صفت رسول الله ص گفت هرگاه که غضب کردی روی
مبارک گردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک بر هم نهادی بزرگترین خنده وی
بود که همه دندانهایش نمودی ونیز مرویست که چون سخن گفتی در میان سخن تبسم کردی
مرویست از یونس شیبانی که او گفت که امام جعفر الصادق ع از من پرسید که چگونه است
مزاح و بازی شما با بعضی گفتم که واقع میشود فرمود که چنین مکنید که بازی و مزاح از نیکوئی
اخلاقست و بدرستی که برادر مسلمان را بمزاح شاد میتوان کرد و حضرت رسول صلعم

در تبسم وقتی که دندانهای مبارکش نمودی مانند دانه مروارید وگاهی چنان تبسم نمودی

و در روایت از انس بن مالک که چون ابراهیم پسر آنحضرت وفات یافت آنحضرت
گریه میکرد و میفرمود که چشم اشک میریزد و دل اندوهگین میگردد و لیکن من میگویم آنچه عز
رضای پروردگار ما در آنست و ما برای تو ای ابراهیم اندوهگین و غمگینیم روایتست از
خالد بن سلمه مخزومی که چون زید بن حارثه در غزای موته شهید شد حضرت رسول صلعم بخانه او رفته بود
از برای تعزیه و پرسش دختران زید را چون چشم بر آنحضرت افتاد گریه آغاز کردند آنحضرت
نیز در گریه افتاد و بعضی اصحاب که در خدمت آنحضرت بودند گفتند یا رسول الله این چه گریه بود
فرمود که این شوق دوستست بسوی دوست   در بیان رفتار آنحضرت مرویست از حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام که راه رفتن آنحضرت چنان هموار بود و خوش آینده که گویا نهالی از نسیم
صبا متحرک شده یا آبی که بر روی سبزه روان گشته و من ندیده ام مثل این رفتار هموار که
هیچکس را باشد   و در روایت از جابر که چون آنحضرت براه رفتی اصحاب در پیش میشدندی و عقب را
بجهت فرشتگان میگذاشتندی   ابن عباس رضوان الله علیهما گوید که آنحضرت چنان در راه
رفتن ظاهر شدی که آواز راه رفتن عاقبت و چون نشستی با اصحاب حلقه زدندی و سوار بودی
چون تا کسی همراه شدی او را بر عقب خود سوار کردی و اگر او قبول نمودی فرمودی که پس تو
پیشتر برو در جایی که میخواهی تا مراد یابی و در مدینه روزی شخصی آنحضرت را بمهمانی طلب کرد
و طعامی مهیا ساخته بود و بجهت آنحضرت و پنج تن از اصحاب وی قبول فرموده متوجه

خانه

خانه او شد با یاران در راه یکی دیگر همراه شد که یاران شش تن شدند چون بدر خانه رسیدند
آنحضرت بیار ششمین گفت که اینجا زمانی قرار گیر که ترا نطلبیده اند تا ما از صاحب خانه اجازت طلبیم
و جای ترا معمور سازیم پس بعد از آن در ای در بیان نشستن آنحضرت صلعم و امر فرمودن او اصحاب را
باداب نشستن   مرویست که مادر از طفلان جدا میشدند بخدمت آنحضرت می آوردند تا دعا میکرد و نام
مینهاد و آنحضرت او را در کنار خود می نشاندند بجهت تعظیم مادر و پدرش و گاه بودی که طفل بعابه آنحضرت
آلوده کردی بعضی آن میدیدندی بانگ بر زدندی و اضطراب کردندی و آنحضرت میگفت که
هیچ مگویید و بهمان گذاشتی تا کودک بول تمام کردی و بعد از آن دعا در حق او فرمودی و نام (نهادی)
و اظهار خوشحالی و بهجت و سرور نمودی تا خاطر ایشان ملول نگردد و چون ایشان برفتندی جامه
بشستندی   روزی شخصی بمسجد آنحضرت صلعم در آمد و آنحضرت تنها در آنجا نشسته بود پس آن شخص آمد که در پهلو
او نشیند آنحضرت جای بوی نموده خود را از او دور کشید آن شخص گفت یا رسول الله جای که مرا است
شما آسوده بنشینید آنحضرت فرمود که حق را در مسلمانان بر برادر مسلمان آنست که چون بیند که (جواب)
نزدوی می نشیند خود را از او دور کشیده جای بکنیم او   مرویست که حضرت رسول صلعم فرمود که
هر که دوست میدارد که مردم نزد او بر پای بایستند پس جای او در دوزخست و فرمود با یکدیگر در پیش (و در قوله وسعل ...)
یکدیگر همچنانکه بعضی از اعاجم نزد بعضی می ایستند و بکنید با کی نیست که در میان یکدیگر ور ایستند
و امام جعفر صادق عم فرموده که چون آنحضرت صلعم بمجلس در آمدی در پایین مجلس هر جا خالی یافتی نشستی

و از امام مرویست که نشستن آنحضرت در پیش روی بیشتر بودی فرمودی که از شما کسی که مجلس درآید
باید که بنشیند بجایی که آنجا خالی شده باشد و دیگر فرموده که هر که از شما از مجلس بیرون میرود سلام کند
همچنانکه در اول درآمدن سلام میکرد که آمدن و رفتن تفاوت ندارد در سلام و دیگر فرموده که هر که
از شما از مجلس بیرون رود اول آنست که چون باز آید باز بجای خود بنشیند و مرویست از آنحضرت که بدهید
حق مجالس را گفتند یا رسول حق مجالس چیست فرمود که چشم خود را بپوشانید و هر که سلام کند جواب بدهید
و نابینا را راه نمایید و امر کنید بمعروف و نهی نمایید از منکر و مرویست از آنحضرت صلعم سه نوع بودی یکی
آنکه ساق مبارک را برداشتی و دستها را پیش آن آوردی و دستی بر ساعد نهادی و گاهی بر دو زانو
نشستی و گاهی یکپای پیش سینه نهادی و دیگری بزیر نشستی و هرگز مربع ننشستی فصل در اخلاق حضرت صلعم
از اصناف و انواع خوردن مرویست که رسول صلعم از اصناف و انواع طعام تناول فرمودی و آنچه حضرت
حق سبحانه و تعالی بر وی حلال کرده بود با اهل بیت و خدمتکاران خود یکجا خوردی و هر که از مسلمانان او را
دعوت کردی اجابت فرمودی و در زمین با ایشان تناول فرمودی و آنچه خوردی چنین بیان از بسیار
با مهمان خوردی و طعام را دوست داشتی که دست بسیاری در آن درآمدی از مهمانان روزی از اصحاب
نزد وی بودند فرمود که بار خدایا میخواهم از فضل و رحمت تو که غیر تو مالک این هر دو نیست
و در اثنای این دعا شخصی درآمد و گوسفندی بریان کرده آورد و فرمود که ببین این را از فضل خدا
و ما منتظر رحمت ادیم و چنین خوردنی آنحضرت آوردندی فرمودی که بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة

یصل

یصل بها نعم الجنة و بسیار بودی که چنین نشستی برای طعام خوردن و چون فرمودی هر دو پای مبارک
با زانوها چنانکه برای نماز نشینند الا آنکه پای بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهادی و
فرمودی که بنده ام چنان طعام میخورم که بندگان و غلامان خورند و چنان مینشینم که بندگان مینشینند
مرویست از امام جعفر صادق ع که حضرت رسول صلعم که هرگز تکیه زده طعام نخوردی از آنگاه باز
که خدای تعالی او را به پیغمبری فرستاده تا آن وقت که روی بعالم بقا نهاد و تکیه تواضع و فروتنی
بدرگاه خدای عزوجل و چون دست مبارک بسوی طعام بردی میفرمودی که بسم الله اللهم بارک لنا فیما
ارزقتنا و علیک خلفه و امام جعفر الصادق علیه السلام فرموده که آنحضرت در وقت افطار
میفرمود که اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا ذهب الظماء و ابتلت العروق
و بقی الاجر و نیز فرموده که چون آنحضرت نزد قومی افطار کردی گفتی بر سبیل عذرخواهی که افطار کردند
نزد شما روزه داران و خوردند طعام شما نیکوکاران و فرمودی که مستجاب دعای روزه دار است نزد افطار
و روایت آمده که آنحضرت بخرما افطار فرمودی و اگر شکر یافتی با آن نیز افطار نمودی و از حضرت
امام جعفر الصادق علیه السلام ثابت که آنحضرت بشیرینی افطار میفرمود و فرمودی که آب فاطر جگر و معده را
پاک میسازد و بوی دهان را خوش میکند و دندانها را قوی و چشم را بیگرداند و در صدقه نور دیده بینایی
افزاید و گناهان را میشوید و تشنگی [illegible] رگهای متحرک [illegible] را و صفرا را ساکن
[illegible] را از معده می برد و درد سر را تسکین میدهد و آنحضرت صلعم طعام گرم نخوردی

و دیگران نیفاقی تا بسیم

تا سرد نشدی و فرمودی که حضرت حق سبحانه وتعالی آتش نخورانیده ما را و بدرستی که طعام گرم
بی برکت است سرد کنید آنرا و آنگاه بخورید   و آنحضرت صلعم هیچ طعام خوردی تمام صدای آن
بردی و از پیش خود خوردی و از پیش غیر نخوردی و چون طعام آوردندی پیش از همه شروع کردی
در طعام خوردن بعد از آن ایشان شروع کردندی و به سه انگشت تناول فرمودی با انگشت بزرگ
و پهلوی آن که سبابه گویند و میانه نیز و گاهی بچهار انگشت نیز خوردی و گاهی بتمام کف تناول کردی
و به دو انگشت تناول نکردی چرا که بدو انگشت خوردن عادت شیطان است   روزی اصحاب یک پالوده
نزد آنحضرت صلعم آوردند چون از آن تناول فرمود که از چه چیز ساخته‌اند این را یا اباعبدالله گفتند
پدر و مادرم فدای تو باد روغن و عسل در دیگ یکجا کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید بعد از آن
نشاسته در وی انداختیم و بر هم زدیم تا پخته شد بعد از آن آنحضرت کم می‌چشید فرمود که این طعام نیکو
و گاهی بودی که آرد نابیخته نان کردندی آنحضرت تناول فرمودی و گاهی بر سبیل عوض می‌خوردی
در روضة الواعظین نقل میکند از عیص بن قاسم که گفتم به حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام که حدیثی روایت
میکنند از پدر بزرگوار تو که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم هرگز از نان گندم سیر نخوردی آیا این خبر
راست است یا نه آنحضرت فرمودند هرگز از نان گندم نخورد و از نان جو هرگز سیر نخوردی
و عایشه گوید که آنحضرت صلعم هرگز از نان جو دو روز در یک سیر نخورد تا از دنیا مفارقت فرمود
و انس روایت کرده که آنحضرت از خوان طعام نخورد تا از دنیا مفارقت نمود و نان تنک نیز هرگز

نخورد

وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو الحي القيوم
لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الأرض من ذا الذي يشفع
عنده إلا بإذنه يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا
بما شاء وسع كرسيه السموات والأرض ولا يؤده حفظهما وهو العلي
العظيم هو الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو
العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام وما اختلف الذين أوتوا
الكتاب إلا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بآيات الله فإن الله
سريع الحساب وإذا حييتم بتحية فحيوا بأحسن منها أو ردوها إن الله
على كل شيء حسيبا الله لا إله إلا هو ليجمعنكم إلى يوم القيامة
لا ريب فيه ومن أصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو
خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل واتبع ما أوحي
من ربك لا إله إلا هو وأعرض عن المشركين يا أيها الناس إني رسول الله
إليكم جميعا الذي له ملك السموات والأرض لا إله إلا هو يحيي
ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته
واتبعوه لعلكم تهتدون وما أمروا إلا ليعبدوا الله إلها واحدا

شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم

لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق
قال امنت انه لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم
يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون
قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل الملائكة
بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون وان تجهر
بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى انك بالواد
المقدس طوى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا
انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري ان الساعة اتية اكاد اخفيها
لتجزى كل نفس بما تسعى انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع
كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا
انا فاعبدون ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك
الحق لا اله الا هو رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد
في الاولى والاخرة وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا
نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء
والارض لا اله الا هو فانى تؤفكون انا كذلك نفعل بالمجرمين

انهم

انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ويقولون ائنا
لتاركوا الهتنا لشاعر مجنون بل جاء بالحق وصدق المرسلين غافر الذنب و
قابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير
ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون
هو الحي لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين
رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا هو
يحيي ويميت ربكم ورب اباءكم الاولين فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات
والله يعلم متقلبكم ومثويكم لو انزلنا هذا القران على جبل لرأيته
خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
انما على رسولنا البلاغ المبين الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل
المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا

جهت دفع تب و درد سر منقولست از ابی عبد الله ع كه اين بنويسد و بر بازوی او
بندد كه بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين تا آخر
و معوذتين و قل هو الله تمام بعد از ان رب الناس اذهب البأس رب الناس

اذهب البأس واشفه یا شافی فانه لا شفاء الا شفاؤک لا یغادر سقما
بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر وننزل من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر
و دیگر معوذتین و قل هو الله احد تا آخر و دیگر بسم الله الرحمن الرحیم
قلنا یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم کذلک کتابی هذا برحمتک
یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل
والنهار وهو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع والالم بعزة الله اسکن بقدرة
الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن لا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما

دفع تب و غیر آن نقلست که یکی از اصحاب ابی عبد الله عم را تبی طاری شد آنحضرت
فرمود که بکش ای یکه جامه ات را و سر خود بگریبان فرو بر و بانگ نماز و قامت
بگو و هفت مرتبه بانگ نماز و قامت بگو الحمد بخوان گفت چنین کردم از آن مرض خلاص شدم
و نیز دفع تب روایتست که ابی عبد الله فرمود شخصی که فرو برد سر خود در جیب
خود و بانگ نماز و قامت بگوی و فاتحة الکتاب بخوان و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس یکی قل هو الله احد را سه بار بخوان

ویها

که خواستی بیرون آمدی و جامه را پوشیدی و عطر از او گرفتی و از وی مشک بیرون آوردی
و در اعضا مالیدی و مرویست از امام رضا علیه السلام که بعود هندی بسیار بخور کردی و
بعد از آن گلاب بر جسد افشاندی و مشک بکار بردی و تمام این اخبار از مجموعات
سید ناصح الدین ابی البرکات و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که حضرت رسول الله
فرمود که بر شما باد این عود هندی که درو هفتاد منفعت است و خوشبوی ترین بویها
بوی مشک است و هم او فرموده که رسول صلعم بوی خوش بیشتر از طعام کردی رسول صلعم
فرموده حضرت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه را که بر تو باد ای علی بوی خوش در روز جمعه
که از سنتهای منست و میتو لیسند تو اب آن را مداوم که آن بوی خاص از تو می آید و دیگر فرمود
که سزاوار آنست که مرد بکار برد بوی خوش هر روز یکبار و اگر قادر نباشد هر دو روز یکبار
و اگر نتواند پس در هر روز جمعه یکبار و دیگر حضرت رسول صلعم فرمود که حلال نیست زن را که بوی خوش
بکار برد و از خانه بیرون آید لعنت باشد تا باز بخانه رود و مرویست از امام ابی ابراهیم
که من بحمام رفتم پس چنین بحمام کن بیرون آمد مجمر طلب فرمود و بخور کرد و فرمود که از مجمر
نصیب بگیرید و مرویست از امام جعفر صادق علیه السلام که گفت سزاوار است که مرد بخور کند
جامهای خود را و اگر بر آن قادر نباشد و مرویست که پسر زبیر امام حسن را بولیمه طلبید که طعام خورد
عروسی است آنحضرت ع ابا فرمود از اجابت که روزه داشت پسر زبیر گفت تحفه

برای تو بیارم که لایق دروزه دار باشد آنحضرت قبول فرمود او بوی خوش و روغن آورد آنحضرت
روغن را بمحاسن مالید و جامه را بخور کرد امام حسن ع فرمود که تحفهٔ زن آنست که موی را شانه
کند و بخور بکار برد و از حضرت امام جعفر صادق ع مرویست که حضرت رسول الله صلعم فرمود که
بوی خوش زنان آنست که رنگش ظاهر باشد و بویش مخفی و بوی خوش مرد آنست که بویش
ظاهر باشد و رنگش مخفی

در بیان گلاب

در کتاب طب ائمه علیهم السلم روایت کرده حسن
بن منذر که چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بمعراج فرمود زمین از رفتن آنحضرت غمگین و خرد شد
دیگر بار آورد و چون باز آمد خوشحال و شادمان گشت پس گل بار آورد هر که خواهد بوی پیغمبر
بمشامش رسد گل بوید و در حدیث دیگر وارد یافته که چون آنحضرت بمعراج فرمود عرق
مبارکش بزمین چکید گل سرخ از آن رویید پس آنحضرت فرمود که هر که خواهد که بوی من بشنود
گل سرخ بوید انس روایت کرده که رسول الله صلعم فرموده که در شب معراج گل سفید از عرق من خلق شد
و گل سرخ از عرق جبرئیل ع و گل زرد از عرق براق و دیگر مرویست از حضرت که گلاب
آبروی را می افزاید و در روی مرد و شمالی از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که
گلاب را بر روی مالد آنرا در آن روز بدی و درویشی نرسد هر که خواهد که گلاب بکار برد بر روی
و دستها مالد و بر پیغمبر ع صلوات فرستد روایت از امام حسن ع که پیغمبر صلعم گل بهر دو دست
پیش من بیرون ریخت و میفرمود که تو این سید ریاحین است در دنیا و در آخرت

در بیان نرگس

گزیده روایت از امام جعفر صادق ع که هر که ده بار بگوید پیش از طلوع آفتاب و پیش از
غروب که لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
آن کفارهٔ گناهان او میشود و دیگر فرمود که نوح علیه السلام در هر صبح و شام این دعا را ده بار
بخواند که اللهم انی اشهدک انه ما اصبح وامسی لی من نعمة وعافیة فی
دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک الحمد ولک الشکر بها علی
حتی ترضی وبعد الرضا و ازینجهت عبد الشکور نام کرد محمد بن ذکر الدین گفت
من با امام جعفر الصادق ع چهل صباح نماز گزاردم چون از نماز سنت صبح فارغ میشد
دست مبارک بجانب آسمان بر میداشت و میگفت که اصبحنا واصبح الملک لله اللهم
انا عبدک وابن عبدک اللهم انا عبدک وابن عبدیک اللهم احفظنا
من حیث نحتفظ ومن حیث لا نحتفظ اللهم احرسنا من حیث نحترس
ومن حیث لا نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر ومن حیث لا نستتر
اللهم استرنا بالغنی والعافیة اللهم ارزقنا العافیة والشکر علی
العافیة بسیاری از ثقات روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق ع

که فرمود که شیعه ما را پناه و دوستی ماست که نگاه میدارد ایشان را اگرچه در دریا باشد
یا در صحرای خالی یا در میان شیران و گرگان درنده و دشمنان جن و انس پس باید که
دست اعتصام بعروة الوثقی ما زنند و اعتصام در زنند در دوستی ما که مطلوب حاصل است
و هر که خواهد که در حصار امن و امان درآید و از مخوف و مکروه باو نرسد دعای ذیل را
در صبح و شام سه بار بخواند در هر یکی از آن صبح و شام اگر صباح خواند بگوید
اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول
من شر كل غاشم وطارق من سائر من خلقت وما خلقت من
خلقك الصامت والناطق في جنة من كل مخوف بلباس
سابغة ولاء اهل بيت نبيك محمد صلى الله عليه وآله عليهم
اجمعين محتجبا من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين الاخلاص
في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق
لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واعادي من عادوا
واجانب من جانبوا فصل على محمد وآل محمد واعذني اللهم بهم
من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات

والارض

والارض انا جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون   و دیگر در عشا خوانی بجای اصبحت امسیت گویی و دیگر
فرمود که چون خواهی که بهر توجه نمایی در روزی که حذر از آن روز باید کرد
پیش از توجه فاتحه بخواند و معوذتین و سوره اخلاص و آیة الکرسی و سوره قدر و پنج آیه
از آخر آل عمران ان في خلق السموات تا انك لا تخلف الميعاد و بعد از آن این دعا
بخواند اللهم بك يصول صائل وبقدرتك يطول طائل ولا حول لكل ذي
حول الا بك ولا قوة يمتازها ذو قوة الا منك بصفوتك من خلقك
وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم السلام
واكفني شر هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه واقض لي بحسن
العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية الطاغية الغوية
وكل ذي قدرة لي على اذية حتى اكون في جنة وعصمة من كل بلاء
ونقمة وابدلني من المخاوف فيه امنا ومن العوائق يسرا حتى لا يصدني
صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل
شيء قدير والامور اليك تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع

البصیر دعائی که امام صادق علیه السلام صبح و شام میخواند اینست بسم الله
وبالله والی الله ومن الله وفی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی
الله علیه وآله وسلم اللهم الیک اسلمت نفسی والیک فوضت
امری والیک وجهت وجهی وعلیک توکلت یا رب العالمین
اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی
وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی لا اله الا انت لا قوة الا بالله اسالک
العفو والعافیة من کل سوء فی الدنیا والآخرة انی اعوذ بک
من عذاب القبر ومن ضغطة القبر واعوذ بک من سطوات
اللیل والنهار اللهم رب الشهر الحرام ورب البیت الحرام ورب
البلد الحرام ورب الحل والحرام ورب الرکن والمقام وابلغ محمدا
وآله عنی السلام اللهم انی اعوذ بدرعک الحصینة واعوذ بجمیعک
ان تمیتنی غرقا او حرقا او شرقا او هدما او تردیا فی البئر او اکیل السبع
او موت الفجاءة او بشیء من میتة السوء ولکن علی فراشی فی طاعتک و
طاعة رسولک صلواتک علیه مصیبا للحق غیر مخطئ او فی الصف

الذی نعت

الذی نعت اهله فی کتابک کانهم بنیان مرصوص مصیبا للحق غیر
مخطئ واعید نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی ربی بالله
الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد واعید
نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی ربی برب الفلق
من شر ما خلق ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد
واعید نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی ربی برب الناس
ملک الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی
صدور الناس من الجنة والناس والحمد لله عدد ما خلق الله والحمد
لله مثل ما خلق الله والحمد لله مداد کلماته والحمد لله زنة عرشه
والحمد لله رضا نفسه لا اله الا الله الحلیم الحکیم لا اله الا الله
العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین
السبع وما بینهما ورب العرش العظیم اللهم انی اعوذ بک من درک
الشقاء وشماتة الاعداء واعوذ بک من الفقر والوقر واعوذ بک
من سوء المنظر فی الاهل والمال والولد وصلی الله علی النبی وآله

در ادعیه مخصوصه تعقیب فرایض آورده که بعد مستحبست که هر کس تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در پس فریضه
بگوید پیش از آنکه بر خیزد حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد و مرویست که حضرت امیر المومنین علیه السلام
فرمود مردی را از بنی سعد که آیا حکایتی نگویم ترا از خود و از فاطمه علیها السلام گفت بگو فرمود که فاطمه
علیها السلام تمام کارهای خانه بدست خود میکرد تا آنکه آب میکشید و گندم آسیا میکرد و خانه میروفت
و طعام میپخت و از این سبب حالش سخت متغیر شد آنحضرت فرمود که خوبی کنیم که اگر این حال را بحضرت
رسالت پناه صلعم عرضه داری و خدمتکاری از آنحضرت طلب نمایی دور نیست پس آمد بخدمت پدر
بزرگوار و در خدمت آنحضرت جماعتی بودند باز گشت آنحضرت صلعم فرمود که برای حاجتی
آمده بود روز دیگر فرستاد و ویرا طلب فرمود گفت دیروز بچه حاجت آمده بودی و در روایت
آنست که آنحضرت فرمود بخانه وی و از وی سؤال کرد و او را شرم آمد که عرض نماید دیگری که اطلاع داشت
برین احوال و گوینده آنحضرت امیر المومنین علی علیه السلام بود فرمود که یا رسول الله او را
شرم میآید تا عرض کند تفصیل آن احوال را عرض نمود فرمود که من شما را چیزی تعلیم کنم
که بهتر از خدمتکار باشد در هر صبح سی و چهار بار بگو الله اکبر و سی و سه بار الحمد لله و سی و
سه بار سبحان الله پس حضرت فاطمه سر سوی آسمان کرد و گفت راضی شدم از خدا و رسول
او سه بار این را فرمود روایت کرده سید تاج الدین ابو البرکات که مرویست

ازعلی

که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که میخواهد که بیرون رود از دنیا خالص و پاک گردد از گناهان
همچنانکه طلای خالص که در وی غش نباشد و برو مظلمه از کس نبود باید که در عقب هر نماز
از پنج نماز دوازده بار قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دستها بردارد و بگوید که اللهم
انی اسئلک باسمک المکنون المخزون الطاهر الطهر المبارک واسئلک
باسمک العظیم وسلطانک القدیم ان تصلی علی محمد وآل محمد یا واهب
العطایا یا مطلق الاساری یا فکاک الرقاب من النار سئلک ان
تصلی علی محمد وآل محمد وان تعتق رقبتی من النار وتخرجنی من الدنیا سالما
وتدخلنی الجنة آمنا وان تجعل دعائی اوله فلاحا واوسطه نجاحا
واخره صلاحا انک انت علام الغیوب و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرموده که این
از دعاهای آنحضرت است که تعلیم فرموده مرا رسول الله و امر کرده که تعلیم امام حسن و امام حسین علیهما السلام
کنم دعایی روایت که رسول الله صلعم فرموده که هر که در عقب هر نماز فرض این دعا بخواند مغفور
باشد گناهان او و فرزندان او و از هر بدی او و دعا اینست اللهم اغفر لی ما قدمت
وما اخرت وما اعلنت وما اسررت واسرافی علی نفسی وما انت اعلم
به منی اللهم انت المقدم وانت المؤخر لا اله الا انت بعلمک الغیب
وبقدرتک علی الخلق اجمعین ما علمت الحیوة خیرا لی فاحینی وتوفنی اذا

علمتَ الوفاةَ خيراً لي اللّهمّ انّي اسألك خشيتك في السرّ والعلانية
وكلمة الحقّ في الغضب والرضا والقصد في الفقر والغنى واسألك
نعيماً لا ينفد وقرّة عينٍ لا تنقطع والرضا بالقضاء وبرد العيش
بعد الموت ولذّة النظر الى وجهك وشوقاً الى لقائك من غير ضرّاء
مضرّة ولا فتنة مضلّة اللّهمّ زيّنا بزينة الايمان واجعلنا
هداةً مهتدين اللّهمّ اهدنا فيمن هديت وعافنا فيمن عافيت و
تولّنا فيمن تولّيت وقنا شرّ ما قضيت انّك تقضي ولا يقضى عليك
اللّهمّ انّي اسألك عزيمة الرشاد والثبات في الامر والرشد واسألك
شكر نعمتك وحسن عافيتك واداء حقّك واسألك يا ربّ قلباً و
سليماً ولساناً صادقاً واستغفرك لما تعلم واسألك خير ما تعلم
واعوذ بك من شرّ ما تعلم فانّك تعلم ولا نعلم وانت علّام الغيوب
دعای دیگر که امام صادق علیه فرموده که بعد از هر نمازی یکنوبت بخواند از جمیع
آفتها محفوظ ماند و کلمات اینست که اجير نفسي ومالي وولدي واهلي
وداري وكلّ ما هو منّي بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد
ولم يولد ولم يكن له كفواً احد واجير نفسي ومالي وولدي وكلّ ما هو منّي

برا

که بر پیش محتاجان بیارند و آنچه دست رس باشد به بینوایان صرف کنند و ابتدا
بر ومان نرسانند باز فرمود که مروت چه چیز است گفتند نمیدانیم فرمود
بخدا مروت آن است که خوان طعام بنهید بدر خانه خود و مروت دو است یکی
در حضر و یکی در سفر اما آنچه در حضر است آن تلاوت قرآنست و لزوم مساجد
و رعایت برادران در حوایج و احسان کردن با ملازم و خادم و دوستان را
شاد کردانیدن و دشمنان را دهان بستن و اما آنچه در سفر است توشه پاک
بسیار برداشتن و با رفیقان صرف کردن و امر ایشان را بر قوم پوشانیدن بعد از
مفارقت ایشان و بسیاری مزاح در غیر چیزی که مرضی حق نباشد بعد از آن
فرمود بآن خدایی که جد بزرگوار مرا بحق بخلق فرستاده که بنده روزی می‌یابد
بر قدر مروت و معونت فرود می‌آید و بدرستی که صبر نازل میشود بر قدر بلا و شدت
فصل ششم در نماز و ادعیه متنوع و احوال استخاره کردن در طلب حاجات از حق جل و علا
روایت از حضرت صادق ع که هر که آیة الکرسی بخواند در سفر در هر شبی سلامت ماند
و هر چه با اوست و بگوید بعد از آیت الکرسی که اللّهمّ اجعل مسيري عبراً
وصمتي تفكّراً وكلامي ذكراً روایتست که شخصی از رای امام رضا علیه السلام

چند بقچه رخت فرستاد و در میان آن قدری گل بود تحفگی گفت پرسیدم که این چه گلست
فرمود که این گل قبر مطهر امام حسین است ع و صاحب رخت هر چیز که بهر جا بفرستد این
گل در آن میان می‌نهد و میگوید که آن امان حضرت منالست در روایتست از امام صادق ع
که دو برادر بخدمت حضرت رسالت پناه صلعم آمدند و گفتند میخواهیم که بتجارت رویم
بجایی تعلیم فرما که در راه چه دعا بخوانیم آنحضرت فرمود که هرگاه که در منزل خواهید
که خواب کنید و نماز خفتن گزارده باشید در وقتی که پهلو بجامه خواب نهید
تسبیح فاطمه زهرا بگوئید و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید که در امان حق سبحانه و تعالی
باشید پس ایشان بسفر رفتند اتفاقا جماعت دزدان در عقب ایشان روان
شدند تا وقتی که فرود آمدند ایشان غلام خود را فرستادند که خبر گیرد که ایشان در خواب
یا بیدار اند آن شخص آمد دید که یکی از ایشان تسبیح زهرا گفت و آیة الکرسی خواند و خواب
کرد جاسوس دزدان حصاری دید بر گرد ایشان هر چند در گرد آن حصار میگشت
باندرون نتوانست رفت به پیش یاران خود آن حکایت باز گفت مصاحبان
دشنام دادند و گفتند دروغ میگوئی بلکه سست شده و ترسیده تمام برخواستند
و آمدند دیدند هم آنچه او دیده بود چاره نتوانستند کرد پس صباح شده پیش آن

دو جوان

دو جوان آمدند و گفتند که دوشینه کی بودید گفتند هم اینجا جایی دیگر نرفتیم گفتند ما آمدیم
و شما را ندیدیم و چهار دیوار مضبوط دیدیم درین چه سر بود گفتند ما بخدمت
حضرت رسالت پناه صلعم رفتیم ما را تعلیم فرموده تسبیح زهرا و آیة الکرسی پس بیجان کردیم
دزدان گفتند بروید بخدا که هیچکس شما را کاری ندارد استخاره عبدالرحمن بن سنان گوید
که بیرون رفتم بکمال بجانب مکة الله و پاره قماش همراه داشتم و کسی نخرید بعضی همراهان
گفتند که بمصر فرست یا بیمن و دیگر پاره بکوفه فرست القصه هر کس چیزی گفتند
آنگاه بخدمت امام ابی عبدالله ع رفتم و این احوال را عرض کردم فرمود که
چند از میانه مصر و یمن و توکل برضای عزوجل کن قرعه بنام این هر دو شهر هر کدام برآید
بآنجا فرست گفتم فدای تو گردم چگونه قرعه زنم فرمود بنویس بر کاغذ که بسم
الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت عالم الغیب والشهادة
انت العالم وانا المتعلم فانظر لی فی الامرین خیرهما حتی توکل علیک فیه
واعمل به بعد از آن نام مصر را بنویس و دیگر ان شاء الله تعالی و باز رقعه دیگر بنویس مثل رقعه
اولی بعد از آن نام یمن را در آن بنویس بعد از آن رقعه دیگر بنویس مثل آنچه در آن دو رقعه
نوشته بودی پس از آن هیچ متاع را بنویس و نام شهری که بفرستی بعد از آن رقعه‌ها را

جمع کن و پنجشنبه بده از اصحاب حوذت کرد در زیر جای پنهان کند بعد از آن بر دارد و بر کاغذ
که اول بیرون آید بدان عمل کن الخدای عزوجل و دیگر فرمود که هر گاه که خواهی عصری
روی و آفتاب بر آمده باشد و سرخی او رفته پس دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی
الحمد و قل یا ایها الکافرون بخوان و چون سلام دهی بگو که اللهم انی غدوت
التمس من فضلك كما امرتني فارزقني من فضلك رزقا حسنا واسعا
حلالا طيبا واعطني فيما رزقتني العافية غدوت بحول الله وقوته
بغير حول مني ولا قوة ولكن بحولك وقوتك وابرأ اليك من الحول
والقوة اللهم اني اسألك بركة هذا اليوم وبارك لي في جميع
اموری یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین و چون بازار
در آمدی بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك
وله الحمد يحيي ويميت ويميت ويحيي وهو حي لا يموت بيده الخير وهو
على كل شيء قدير واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم اني اعوذ بك
اسألك خيرها وخير اهلها واعوذ بك من شرها وشر اهلها اللهم اني
اعوذ بك ان ابغي او يبغى علي او اظلم او اظلم او اعتدي او يعتدى

علی

مر او را گویند که بهشت تو دیگر فرماید مر او را چه باشد گویند ای پروردگار ما
دیگر علم ما با آن بنده که حق سبحانه و تعالی فرماید که فرای شکر او بدهم چنانکه او
مرا شکر کرده روا دارم تو بی فضل و رحمت خود و او در مقام قرب بنشانم و امام
زین العابدین ع در سجده شکر این دعا منقول است اللهم ان کنت
قد عصيتك فاني قد اطعتك في احب الاشياء اليك وهو الايمان
بك منا منك علي لا منا مني عليك وتركت معصيتك في ابغض
الاشياء اليك وهو ان ادعو لك ولدا او ادعو لك شريكا منا
منك علي لا منا مني عليك وعصيتك في اشياء لا على وجه مكابرة
ولا على معاندة ولا استكبار عن عبادتك ولا الجحود لربوبيتك
ولكن اتبعت هواي واستزلني الشيطان بعد الحجة والبرهان
فان تعذبني فبذنوبي غير ظالم وان تغفر لي وترحمني فبجودك
یا ارحم الراحمین و در روایت عبد الحمید آمده که حضرت صادق ع
فرمود و دوی را که هر گاه غم بتو رسد پس مسح کن دست خود را بر موضع سجود
پس بکش دست خود را بر روی خود از جانب چپ روی خود از طرف

بطرف راست و سه بار بگوید بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
الرحمن الرحیم اذهب عنی الغم والحزن و روایت که هر که در سجده یا رباه یا
سیداه چندان بگوید که نفس او بریده گردد جواب داده شود که حاجت خود را
بخواه که روا است و بعضی از ائمه انام علیهم السلام در سجده شکر میفرموده اند
که سجد لک طالب من ثوابک سجد لک یا رب یا رب من عقابک سجد لک
یا رب خائف من سخطک بعد از ان میگفتند یا الله یا رباه تا بریده شدی
نفس ایشان بعد از ان دعا میفرموده اند و روایت که امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که گذشت یکروزی رسول صلعم بمردی و او در سجده بود میگفت یا رب
ماذا علیک ان ترضی کل من کان له عندی تبعة وان
تغفر لی ذنوبی وان تدخلنی الجنة برحمتک فانی ما عفوک عن الظالم
وانا من الظالمین فلتسعنی رحمتک یا ارحم الراحمین آنحضرت
فرمود سر از سجده بردار که دعای تو مستجاب شد چرا که دعا کردی بدعای پیغمبری
که در عهد عاد بود و دیگر دعای چند که متعلق است بحالت خواب و بیداری
... است بحالت خواب روایت از امام صادق علیه السلام

علیه

منه ... حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم دعای دیگر
مروی است که هر که این دعا بخواند در عقب هر نماز فریضه و مداومت نماید بران چندانکه بمیرد
که از فرزنده کی ملالتش نگیرد دعا اینست اللهم صل علی محمد وآل محمد ان عبدک
ورسولک الصادق المصدق صلواتک علیه وآله قال انک قلت ما ترددت
فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت واکره
مسائته فصل علی محمد وآل محمد وعجل لولیک الفرج والنصر والعافیة
ولا تسؤنی فلانا وبعد از ان هرچه خواهد بخواهد دعای دیگر مروی است که سه بار باید
خواند وقتی که بدست راست محاسن خود را گرفته باشد و دست چپ را بجانب
آسمان گسترده دعا اینست که یا ذا الجلال والاکرام وصل علی محمد وآل
محمد واجرنی من النار بعد از ان بردارد دست خود را بسوی آسمان
وسه بار بگوید که یا عزیز یا کریم یا رحیم یا غفور پس بگرداند پشت هر دو دست را باسمان بگرداند و بگوید
وسه بار بگوید که صل علی محمد وآل محمد واجرنی من العذاب الالیم
صل علی محمد وآل محمد وتوفنی فی الدین واجعلنی من المسلمین
واجعل لی لسان صدق فی الآخرین وارزقنی هیبة المتقین

یا الله یا الله یا الله أسألك بحق من خلقه عليك عظيم أن تصلي
على محمد وآل محمد وأن تشغلني بما عرفتني من حقك وأن تبسط
علي من حلال رزقك دعای دیگر بسم الله الرحمن الرحيم
حسبي الله لديني وحسبي الله لدنياي وحسبي الله لآخرتي
وحسبي الله لما أهمني وحسبي الله لمن بغى علي وحسبي الله عند الموت
وحسبي الله عند مسائلة القبر وحسبي الله عند الميزان وحسبي الله
عند الصراط وحسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم دعای دیگر مرویست که حق سبحانه و تعالی فرمود که ای محمد
هر که از امت تو که بمن نماز اورا دوچندان بالا برم پس باید که بگوید در عقب
هر نمازی که بر وی فرض کرده ام در وقتی که دستها بر دارد نزد سر یا مبدئ الأبرار
یا مبين الكتاب یا شارع الأحكام یا بارئ الأنعام ویا خالق الكلام یا
فارض الطاعة ویا ملزم الدين ویا موجب العبد أسألك
بحق زكية كل صلوات زكيتها له وبحق من زكيتها به أن
[illegible] صلواتي هذه زكية متقبلة تتقبلها وتصيرني بها زكيا

والله

حدیث بر در آمدن از خانه

صباح از خانه بیرون رود و بگوید بسم الله لا حول ولا قوة إلا بالله توكلت
على الله در آن هنگام دو فرشته ندا کنند که ای بنده مهمات تو جمیع ساخته شد
و ایمن شدی از هر بدی و راه راست یافتی درین حالت شیطان گوید که من چه
توانم کرد که کفایت شده مهمات او و از هر بدی ایمن گشته و راه راست یافته روایت
از ابی عبد الله ع که هر که ده بار بگوید یا الله حق سبحانه و تعالی جواب فرماید اورا
که لبیک لبیک مهم و حاجت تو چیست و دیگر فرمود که هر که بگوید ما شاء الله
لا قوة إلا بالله هفتاد بار حق سبحانه و تعالی بگرداند از و هفتاد نوع از انواع
بلا که آسان ترین کشته شود بجنون و دیگر فرمود که هر که سی بار بگوید هر روز که
لا إله إلا الله الملك الحق المبين غنی روی باو آورد و فقر از و بگردد و در بهشت
برو گشاده شود و حضرت رسول صلعم فرموده که خانه که در وی ذکر خدای تعالی
میکنند مثل شخصیست که زنده باشد و خانه که در وی ذکر نمیکنند مانند کسیست که مرده
باشد و هم آنحضرت فرموده که هیچ جماعتی نیستند که بذکر خدا مشغولی میکنند که فرشتگان
گرد ایشان را فرو نگیرند و خدای تعالی ایشان را پرده رحمت می پوشاند و سکون و آرام
درمیان ایشان نمیفرستد و یاد نکرده ملائکه ایشان را یاد میکند شخصی از آنحضرت
سوال کرد که از نشها چه امر مشغول شویم فرمود که می باید بذکر خدای تعالی

۳۰ لا اله الا الله الملك الحق المبين بجهت رزق

دیگر

باب نهم روایت در باب صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم وآل او
علیهم السلام فرموده که هرگاه که حضرت رسالت پناه صلعم را نام بشنوید صلوات
بسیار فرستید که هرکه یکبار صلوات بر آنحضرت فرستد حق سبحانه وتعالی بر او ده رحمت کند
و هزار صف فرشتگان بجهت او طلب آمرزش خواهند از حضرت عزت و جمیع مخلوقات
بر او صلوات فرستند پس تقصیر مکنید در صلوات بر آنحضرت وآل او علیهم السلام که
جاهل مغروری و حق سبحانه وتعالی و رسول او از وی بیزاری جویند وامام جعفر الصادق علیه السلام
فرموده که حضرت پیغمبر صلعم فرموده که من در روز قیامت در پیش میزان خواهم بود
هرکه گناهان او بر نیکوییهای او زیادتی کند صلوات که بر ما فرستاده باشد بر بالای
نیکوییهای او نهیم تا آنقدر که آن نیکوییها بر بدیها زیادت شود حارث احمد گوید که امیر
المؤمنین علی علیه السلام فرمود که هیچ دعایی بی صلوات بر پیغمبر وآل او باسمان نمیرسد
وامام جعفر صادق علیه السلام فرموده که هرکه بر حضرت رسول صلعم صلوات فرستد خدای تعالی
ده حسنه بجهت وی بنویسد وآنحضرت فرمود که نزدیکترین مردم در روز قیامت بما
کسیست که بر من صلوات بسیار فرستاده باشد و دیگر فرمود که بخیل کسیست که نام من
بشنود و صلوات بر من وآل من نفرستد و دیگر فرمود که هرکه از امت من یا جماعت
بر من صلوات فرستد حق سبحانه وتعالی بر وی ده صلوات فرستد و ده درجه او را بلند

کرداند

کرداند و ده حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسند و ده سیئه از آن محو کنند وامام جعفر الصادق علیه السلام
فرموده که حضرت رسول صلعم فرموده که هرکه صلوات فرستد بر من آواز خود بلند
گرداند که آن نفاق را ببرد وامام جعفر صادق ع فرموده که هرکه دردی دارد بدرستی
دوای این گناهان استغفار است وامیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده که عجیبست از کسی
که بدی کند و با او نجات باشد گفتند که آن کدام است فرمود که استغفار بعد از گناه
و حضرت رسول صلعم فرموده که حق سبحانه وتعالی فرموده آواز سه کس دوست میدارد آواز
خروس در سحرگاه و آواز قرآن و آواز استغفار کنندگان در وقت سحر وابو عبد الله علیه السلام
فرموده که هرکه در محل خواب صد بار استغفر الله بگوید همچنانکه برگ از درخت میریزد گناهان
از وی میریزد و پاک از گناه خواب کند و صبح پاک برخیزد اسمعیل بن سهل گوید که نوشتم
بامام محمد التقی علیه السلام که تعلیم کن مرا چیزی که هرگاه بآن قیام نمایم در دنیا و آخرت با شما باشم
آنحضرت بخط مبارک خود نوشت که انا انزلناه بخوان و استغفر الله بگو وابو عبد الله
فرموده که رسول صلی الله علیه وآله فرموده که خوشحال آنکس که در روز قیامت
در نامهٔ اعمال خود در پایین هر گناهی استغفر الله نوشته اند و دیگر فرموده که هرکه
استغفار بسیار کند نامهٔ اعمال او در روز قیامت درخشان باشد و حضرت رسول ص
از هیچ مجلسی بر نمیخواست تا بیست و پنج بار استغفار میفرمود و دیگر فرموده که گریه

شروط استغفار

مومن هر یک گناه شود اگرچه آن گناه بزرگ باشد از صباح تا شبانگاه پس اگر استغفار کرد
مر آن را نمی نویسند و دیگر فرموده که بنده مومن هرگاه گناه را یاد کند بعد از چندین سال
و از آن استغفار کند آمرزیده شود و دیگر فرموده که رسول الله صلی الله علیه و آله
و سلم فرموده که استغفار و کلمه طیبه لا اله الا الله بهترین عبادت است و حضرت
علیم در کتاب لازم التکبیر خود فرموده که فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر
لذنبک و امیر المومنین علی علیه السلام فرموده در جواب شخصی که در حضور
آن حضرت گفت استغفر الله که مادرت بعزایت بنشیند آیا میدانی که استغفار
چه چیز است بدرستی که استغفار درجه مقربان عالی رتبه است و آن اسمیست
که واقع میشود بر شش معنی اول آنکه پشیمانی به گناهان گذشته دویم عزم جزم
کردن که آن گناهان باز نکردی سیوم ادا کردن حقوق مردم تا پاک بخدای تعالی
ملاقی شوی و بر تو وبال نماند چهارم آنکه ترک کرده ای از عبادات ادا کنی پنجم
آن گوشتی که بر بدن تو روییده از حرام بگذاری بغم و اندوه تا چسبان گردد پوست
با استخوانت و گوشت تازه از حلال بروید ششم بچشانی جسم را مشقت
طاعت همچنانکه چشانیده حلاوت معصیت پس بگو بعد از این حال که استغفر الله
امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

هر روز

آداب استغفار

هر روز هفتاد استغفار میفرمود گفتند بچه کیفیت بود گفت هفتاد بار میفرمود که
استغفر الله ربی و اتوب الیه روایتست هم از او که هر که بعد از نماز فرض پیشین
پیش از آنکه روی از قبله بتابد بگوید سه بار استغفر الله الذی لا اله الا
هو الحی القیوم ذو الجلال [illegible] اتوب الیه حق سبحانه و تعالی
گناهان او را بیامرزد اگرچه برابر کف دریا باشد و در خبر دیگر وارد است که
هر که این کلمات هر روز بگوید خدای تعالی چهل گناه کبیره او را بیامرزد و حضرت
امیر المومنین علیه السلام فرموده که دل ترسناک و چشم اشکبار از رحمت الهیست هرگاه
شما این دو صفت را در خود یافتید دعا کنید و دیگر فرموده که اگر در میان جماعت
بسیار یک شخص را دیده گریان باشد خدای تعالی بحیثیت او بر همه رحمت میفرماید
که اگر شما را گریه نیاید خود را بصورت مردم گریان برآرید پس اگر بمقدار سر
مگس اشک در دیده ظاهر شود نیکوست محمد بن مسلم گوید شنیدم از امام محمد باقر علیه السلام
که میفرمود که هیچ چیز نیست که بوزن و کیل در نیاید مگر اشک چشم که خدای تعالی
چشم گریان را از آتش دوزخ نگاه میدارد و چون آب از دیده بر روی فرو ریزد
دیگر گرد پی آبرویی نبیند نه در دنیا نه در آخرت که قطره از آن چشم دریاهای

آتش را فرو می‌نشانند و اگر مردی بگرید در میان امتی همه مرحوم میشوند
روایتست که ابراهیم خلیل علی نبینا و علیه السلام میفرماید بار خدایا اگر
که روی خود با آب چشم تر کند از ترس تو جزای او چه باشد فرمود که مغفرت
در خوان من و امام محمد باقر ع فرموده که طلب کنید اجابة را در وقت حرکت
کردن پوست بدن و در وقت روان شدن آب از چشم و نزد باریدن
باران و هرگاه که آفتاب رسد بمیان آسمان و میل کرد بجانب مغرب
چه آن ساعتیست که درهای آسمان گشوده است و امیدوارست بعد و تشنگان
و قبول شدن دعا از جانب حضرت منان دیگر فرمود که تضرع و نیاز و نماز را
نزد خدای تعالی تمامت چه هرگاه بنده بجود کرد خدا را پس اگر روان شد
آب از چشمش فرو می‌آید رحمت الهی پس غنیمت دانید آن ساعت را که آن ساعت
مسئله است و طلب حاجت و بزرگ مدانید چیزیرا که از حق جل و علا طلب
میکنند چه آن چیز نزد خدای تعالی است بزرگتر نیست از آنچه تمام قدرت
بران دارید و بحقیر مکنید کوچک را از خواهجهای خود چه دوسترین
مومنان بسوی خدای تعالی سوال کننده ترین ایشانست روایتست که امام محمد

عبادت امام زین العابدین ع مشابه بعلی بوده

باقر محمد پیش پدر بزرگوارش امام زین العابدین ع آمد آنحضرت را در عبادت
بمرتبه یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده پس دید که رنگ مبارکش زرد گشته
از بیخوابی و از گریه کنارهای چشمش مجروح گشته و پیشانی نورانیش مانند سینه
شتر پینه بسته و بجهة بسیار ایستادن در نماز ساقها و قدمش ورم کرده امام ع
میفرماید که چون پدر بزرگوار را باین حال دیدم خود را از گریه نتوانستم نگاه داشت
مرا رحم آمد بر حال آنحضرت بسیار گریستم و او در من نگاه میکرد و متفکر بود در حال
من بعد از لحظه ملتفت شد و فرمود ای فرزند من بعضی از کتابها که در احوال عبادت
امیر المومنین ع در آنجاست جهة من بیار یک کتاب بجهة آنحضرت آوردم در آنجا
اندکی نگاه کرد و دعایی خواند و بنهاد و غمناک گشته فرمود گاه گاه میتواند بود که
مثل امیر المومنین علی علیه السلام عبادت کند و امام زین العابدین علیه السلام هرگاه
وضو میساخت رنگش متغیر میشدی پرسیدند که سبب تغیر این چیست فرمود
هیچ میدانید که بخدمت که قیام خواهم نمود روایتست که امام موسی علیه السلام
از ترس خدای تعالی چندان میگریست که محاسن مبارکش تر میشد

فصل چهارم

در نمازها جهة حصول مهمات گزارند امام جعفر الصادق علیه السلام فرموده که هرگاه قصد
کاری داشته باشید با هیچکس مشورت مکنید تا با خدای تعالی مشورت نکنید بحضرت

با امام چون با خدای تعالی مشورت کنم فرمود صد بار استخیر الله بعد از آن با مردمان
مشورت کن که خدای تعالی خیر ترا بر زبان یکی از دوستان جاری میگرداند یحیی بن
عمران حلبی گوید که ابو عبد الله ع فرمود که مشورت را حدود است پس کسی که حدود
آنرا نداند ضرر آن بر وی بیشتر است از نفعش اول آنست که مشورت با مرد عاقلی
دویم آنکه مردی آزاد و متدین باشد سیم آنکه دوستی باشد که برادرانه با کسی سلوک نماید
چهارم آنکه مطلع گردانی او را بر سر خود تا دانش او بان باشد دانش تو باشد بعد از آن
بعضی فرمود این را پس فرمود که هر گاه مستشیر عاقل باشد آن مشورت فایده دارد و
هر گاه حر و متدین باشد سعی خواهد کرد در نصیحت تو و کامل گردد مشورت و چنین
دوست برادرانه باشد پنهان میدارد سر ترا و هر گاه مطلع ساختی او را علم او
همان علم تست عثمان بن عیسی روایت کند که از امام جعفر صادق ع پرسیدند که دوستترین
خلق بسوی خدای تعالی چه کسست فرمود آنکه فرمان بردار باشد مر خدایرا گفتند که
دشمن ترین خلق بسوی خدای تعالی کیست فرمود آنکه خدایرا متهم دارد گفتند کسی
باشد اینچنین فرمود بلی کسیکه استخاره کند حق سبحانه و تعالی را پس آنچه بیابد که نه روا
مدعای او باشد او خشم کند از آن و خدایرا متهم داشته حماد بن عثمان روایت
کند از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که هر گاه که قصد کاری کنید شش پاره کاغذ بردارید

ودر پارهای کاغذ بنویسید که بسم الله الرحمن الرحیم من الله العزیز الحکیم
و نام خود را و نام پدر خود را انجا بنویسید در سه پاره از ان کاغذ و در سه دیگر همان
بنویسید و بجای افعل لا تفعل بنویسید در زیر جانماز بنهید و دو رکعت نماز بگزارید
و چون از نماز فارغ شوید سجده کنید و در ان سجده صد بار استخیر الله برحمته الله
خیرة فی عافیة بعد از ان راست بنشینید و بگویید اللهم خر لی فی جمیع اموری
فی یسر منک و عافیة بعد از ان دست بر ان کاغذها زنید و بهم بر آرید و هر
از ان بیرون آید بعد از ان یکی دیگر و همچنین اگر سه کاغذ از پی هم افعل بیرون آید
آن کار بکنید و اگر سه دیگر لا تفعل باشد ترک کنید اگر یکی افعل باشد و یکی نشد تا پنج را
بیرون آوردن بنیت حضرت امیر المؤمنین ع فرمود دو رکعت نماز میگزارد و در عقب
آن صد بار میگفت استخیر الله بعد از ان میفرمود که اللهم انی قد هممت بامر قد علمته
فان کنت تعلم انه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی وان کنت
تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ام احببت فانک
تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب بعد از ان او را عزیمت بران وجه که میبایست
مرویست که مردی آمد بخدمت ابی عبد الله ع و گفت فدای تو گردم بسیار میباشد
که در کتب حاجتی میباشم و بر ان پشیمانی میخورم فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفتم چگونه

استخاره کنم فرمود که چون نماز صبح بگذاری دستها را برداری برابر روی خود و بگو
اللهم انک تعلم ولا اعلم وانت علام الغیوب فصل علی محمد وآل محمد
وخر لی فی جمیع ما عزمت به من اموری خیار برکة وعافیة
بعد از آن سجده کن و در سجده صد بار بگو استخیر الله برحمته استخیر الله فی عافیة
بعد از آن حاجت خود را بخواه در آنچه تصرف داری در او حسن بن جهم
سؤال کرد از حضرت امام موسی ع از برای ابان که میخواهد چگونه استخاره کند
فرمود که بیاید وقت نماز فریضه مسجد دو رکعت نماز گزارد و صد بار بگو استخیر الله
بعد از آن نظر کند که چه چیز در دل او واقع میشود پس آن عمل کند حسن گوید که او متردد بود
که سفر دریا کند یا خشکی را آنجا خاطر افتاد که خشکی بهتر است او نیز گفت و خاطر جمعی او شد
روایة کند فرازم که ابو عبد الله ع فرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد پس باید که دو
رکعت نماز بگزارد و حمد و ثنای حق سبحانه وتعالی را بجای آرد و بعد از آن صلوات
بر محمد و آل او فرستد و بگوید اللهم ان کان الامر خیرا لی فی دینی
ودنیای فیسره لی وقدره وان کان الامر غیر ذلک فاصرفه عنی
پس پرسیدند که در آن دو رکعت چه بخوانند فرمود که هر چه میخواهند اگر قل هو الله احد
وقل یا ایها الکافرون بخوانند شاید   اسحق بن عمار روایت کند که گفتم مر ا

عبد الله را علیه السلام که بسیاری هست که میخواهم کاری پیش گیرم بعضی میگویند که بکن و دیگران
میگویند که مکن آنحضرت فرمود که هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز بگزار و صد بار بگو
استخیر الله بعد از آن نظر کن که این دو امر کدام استوارتر است آنرا بکن که در آن
خیر است ان شاء الله تعالی و میباید که استخاره تو در عافیت بوده باشد چه گاه باشد که
خیر مرد در بریدن دست او باشد یا در موت او یا در موت فرزندش یا تلف شدن
مالش   محمد بن یعقوب گوید که شخصی گفت یکی از ائمه علیهم السلام که کسی را نیابم
که با او مشورت کنم در امری که مرا واقع است پس چگونه کنم فرمود که با خدای تعالی
مشورت کن گفت چگونه مشورت کنم فرمود که قصد کن بجا حاجتی که داری و بنویس در کاغذ
که لا و در دیگری نعم و هر دو را در میان گلوله از گل بگذار بعد از آن دو رکعت نماز
بگزار و آن هر دو را در زیر دامن خود نگاه دار و بگو یا الله انی اشاورک فی امری
هذا وانت خیر مستشار ومشیر فاشر علی بما فیه خیر وصلاح وحسن
عاقبة بعد از آن یکی از آن هر دو بیرون آر پس اگر در آن نعم باشد بکن و اگر در آن
لا باشد مکن مشورت با خدا چنین باشد جابر بن عبد الله گوید که رسول صلعم میفرمود
که ما را استخاره همچنانکه تعلیم میفرمود ما را سوره از سوره قرآن و میفرمود هرگاه که یکی از
شما حاجتی باشد باید که دو رکعت نماز بگزارد و بعد از آن بگوید که اللهم انی استخیرک

بِعِلْمِكَ وَاسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا اَقْدِرُ
وَتَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ هٰذَا الْاَمْرَ الَّذِي
خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ اَمْرِي فَاقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ وَبَارِكْ لِي فِيهِ فَقَرِّبْهُ
مِنِّي وَقَرِّبْنِي مِنْهُ وَاِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ
اَمْرِي فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدِرْ لِيَ الْخَيْرَ حَيْثُ مَا كَانَ وَرَضِّنِي بِهِ
عمر بن حارث روایة کند که ابو عبد الله ع فرمود که هر که دو رکعت نماز بگذارد و
استخاره کند بجای آن بجد که تسبیح سلمانی بیارد که استخاره کند خدا برای او البته خیر
پیش او بیاید و چون خواهی که بکلام الله تعالی نمایی نماز امام جعفر ع بگذار و چون فارغ
شوی این دعا را بخوان که اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ فِي قَضَائِكَ وَقَدَرِكَ اَنْ تُخْرِجَ
عَنْ وَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ فِي عَامِنَا هٰذَا اَوْ فِي شَهْرِنَا هٰذَا فَاَخْرِجْ لَنَا آيَةً
آيَةً مِنْ كِتَابِكَ لِنَسْتَدِلَّ بِهَا عَلَى ذٰلِكَ بعد از ان مصحف ورق بشمرد و هفت
سطر از پشت ورق هفتم و نظر کند که چه آمده و بعد از ان یکبار دیگر جهت حاجت خود
بگشاید و همین طریق ورق و سطر بشمارد و حال خود دریابد و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود
که هر که بیرون آید از خانه خود و بگرداند نگین انگشتری را از پشت دست بکف دست و
سوره انا انزلناه بخواند و بعد از ان بگوید که آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ در آن روز مکروهی بوی نرسد
سماعة بن مهران گوید که ابو عبد الله ع فرمود که چون یکی از شما بیمار شود طبیب را بطلبد
و چیزی بوی عطا بکند و چون پادشاه و او را کاری و مهمی باشد در بازار عادت میکند
پس اگر کسی را بدرگاه الهی حاجتی باشد و طهارت کند و تصدق نماید بصدقه خواه اندک
و خواه بسیار بعد از ان بمسجد درآید و دو رکعت نماز بگذارد و خدای تعالی را حمد و ثنا
گوید و صلوات فرستد بر محمد و اهل بیتش و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنْ عَافَيْتَنِي مِمَّا اَخَافُ
مِنْ كَذَا وَكَذَا امکرکه حضرت حق سبحانه و تعالی حاجت او روا کند و این همین حکم
واجبست و حق جل و علا کرده باید آن را بود در شکر نماز و دیگر وقتی که همه شب درآید
غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله احد پانصد بار
بخواند و در رکعت دویم نیز مثل آن و چون از قرائت رکعت دویم فارغ شود آخر سوره
حشر یعنی هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ تا آخر سوره و شش آیه از اول سوره
حدید بخواند بعد از ان بگوید در حالی که ایستاده باشد اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
یکهزار بار پس رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و حمد الهی بگو پس اگر حاجت تو روا نشود در
نوبت دویم خواهد شد و الا در نوبت سیم نماز دیگر منقولست از ابی عبد الله ع که فرمود
که چون ترا حاجتی باشد بخدای تعالی خود داشته باشی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و در روز جمعه

غسل کن و جامهٔ نو پوش و بر جای بلندی بالا رو و دو رکعت نماز بگزار و دست‌ها را
بسوی آسمان بردار و بگو اللهم انی اخللت بساحتک لمعرفتی بوحدانیتک
وانک لا قادر علی حاجتی غیرک فقد علمت یا رب انه کلما تظاهرت نعمک
علیّ اشتدت فاقتی الیک وقد طرقنی هم کذا وکذا وانت بکشفه عالم غیر
معلم واسع غیر متکلف فاسئلک باسمک المکنون الذی وضعته علی الجبال
فنسفت وعلی السماء فانشقت وعلی النجوم فانتثرت وعلی الارض فسطحت واسئلک
بحق الذی جعلته عند محمد وعترته ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تقضی حاجتی
وان تیسر لی عسیرها وتکفینی مهمها فان فعلت فلک الحمد وان لم تفعل فلک الحمد
غیر جائر فی حکمک ولا متهم فی قضائک ولا حائف فی عدلک و روی خود
بر زمین نه و بگو اللهم ان یونس بن متی عبدک دعاک فی بطن الحوت فاستجبت
له وانا عبدک فاستجب لی ابوعبدالله علیه السلام فرمود که هر گاه مرا حاجتی
میبود پس این دعا را میخواندم و رجوع میکردم حاجت روا میشد نماز دیگر
منقولست از موسی بن جعفر علیهما السلام گفت وقتی که مرا امری عظیم پیش
می‌آید غسل میکنم بر نفقت مسکین تصدق میکنم بر مسکین نیم صاع [illegible]
از خرما و گندم و چون شب در می‌آید غسل میکنم و در دو دامن آنگاه پوشش از پای جامه.

عیال خود را پس دو رکعت نماز بگزار و در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد
یا قل یا ایها الکافرون یکبار و چون بسجده روی تهلیل و تقدیس و تعظیم و تمجید
خدای تعالی بتقدیم رسان و گناهان خود را بیاد آور پس آن گناهی که میدانی [illegible] آور
کن و آن گناهی را که نمیدانی مجملا بآن اعتراف نمای پس سر بردار و جبین بسجدهٔ
دویم روی استخاره کن بخدای تعالی و صد بار بگو اللهم انی استخیرک بعلمک
پس دعا کن خدا را بهر اسمی که میخواهی و بگو یا کائنا قبل کل شیء یا مکون
کل شیء یا کائنا بعد کل شیء افعل بی کذا و کذا و هر گاه که استخاره
کنی روان شو تا زانوها بسوی زمین و بردار ازار را تا آنکه کشف شود زانوها و از پس میان الیتین
و باطن ساقین که روان شدن حاجت انشاءالله تعالی و بسیار کن صلوات بر نبی
و اهل بیت او صلوات الله علیهم اجمعین نماز دیگر منقولست از امام رضا علیه السلام که هرگاه
ترا مهمی سختی پیش آید دو رکعت نماز بگزار در رکعت اول فاتحة الکتاب و آیة الکرسی بخوان
در رکعت دویم فاتحه و انا انزلناه پس مصحف را بردار و بر بالای سر خود بدار و بگو
اللهم بحق من ارسلته الی خلقک وبحق کل آیة فیه وبحق کل
من مدحته فیه علیک وبحقک منک یا الله یا الله ده نوبت بگو بحق محمد ده نوبت
بحق علی ده نوبت فاطمه زهرا پس هر امامی را ده نوبت بگو تا برسی صاحب الزمان [illegible]

[illegible]

هنوز از جای خود برنخاسته باشی که حاجت تو روا شود نماز دیگر مقاتل بن مقاتل
گوید که گفتم مر امام رضا را علیه السلام که جانم فدای تو باد تعلیم کن مرا دعایی جهت
گزاردن حاجتها فرمود که هرگاه حاجتی باشد بحق سبحانه و تعالی غسل کن و جامهٔ پاک
بپوش و قدری خوشبوی ببوی پس برو زیر آسمان و جایی که آسمان ظاهر باشد و دو رکعت
نماز بگزار و در رکعت اول فاتحة الکتاب یکبار و قل هو الله احد پانزده بار پس رکوع کن
و پانزده بار قل هو الله بخوان بر مثال نماز تسبیح لیکن در آن نماز قرائت پانزده
نوبتست در همه سجده کن و در سجده بگو اللهم ان کل معبود من لدن عرشک
الی قرار ارضک فهو باطل سواک فانک انت الله الحق المبین اقض لی حاجة
کذا و کذا الساعة الساعة و در رکعت دویم نیز انچنین و الحاح کن در دعا خود
و چون حاجت تو گزارده شود نماز شکر بگزار هارون بن خارجه روایت کند
که ابی عبد الله ع فرمود که نماز شکر بجای آر هرگاه خدای عز و جل بتو نعمتی
کرامت فرماید دو رکعت نماز بگزار در رکعت اول فاتحه و قل هو الله احد بخوان
و در رکعت دویم فاتحه و قل یا ایها الکافرون بخوان و در رکوع و سجود در رکعت
اول فاتحه الحمد لله شکرا شکرا و حمدا حمدا و در رکوع و سجود رکعت دویم
بگو الحمد لله الذی استجاب دعائی و اعطانی مسئلتی دیگر نماز عقوبتست هرگاه از دشمن خود

احساس ضعفی کنی در آن وقت نماز عقوبت بگزار و آن دو رکعت نمازست در هر
رکعتی الحمد و انا انزلناه یکبار و بعد از آن قرائت پانزده بار بگو رب عقوبتک
عقوبتک پس رکوع کن و ده بار این را بگو و نماز را تمام کن مثل نماز امام جعفر ع
دیگر نماز حدیث نفس است منقولست از امام جعفر صادق ع که فرمود که هیچ مؤمنی
نباشد که بر وی چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس خود سخن گوید پس باید که دو رکعت نماز
بگزارد و بخدای تعالی پناه برد که وارد است که آدم علیه السلام شکایت کرد بخدای
عز و جل از حدیث نفس پس جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت بگوی لا حول و لا قوة
الا بالله منقولست که امام محمد باقر علیه السلام فرمود مردی آمد پیش پیغمبر صلی الله علیه
و آله و سلم شکایت کرد از وسوسه و از حدیث نفس و از دین و عیال آن حضرت فرمود بگو
توکلت علی الله الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن
له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا پس
آن مرد چند بار تکرار کرد دیری نکشید که باز آمد بخدمت آن حضرت و گفت یا رسول الله
حق سبحانه و تعالی وسوسه را از من برد و دین من ادا شد و من غنی گشتم
نماز جهت استغفار و طلب روزی منقولست از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که هرگاه

که هر وقت تنگی یابی برکی باید ترک کنید استغفار را و آن نماز دو رکعت
و هر رکعتی فاتحه و انا انزلناه یکمرتبه بعد از قرارت پانزده بار بگوید استغفر
پس رکوع کنید و ده بار استغفر الله بر بقیات نماز امام جعفر الصادق علیه السلام که
کار شما بصلاح می آید نماز طلب روزی منقولست که امام جعفر صادق ع فرمود
که دو رکعت نماز بگزارد و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای خدای تعالی
بگوی و صلوات بر محمد و آل او بفرست و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل اکفیانی
مما انا فیه فانکما کافیان الحفظان باذن الله و کفانی انتما حافظان
روایتست که هر که بر قدح آب سی و پنج بار انا انزلناه بخواند و بر جامه خود افشاند
همیشه تن درست باشد تا آنکه جامه کهنه شود نماز جهت توانگری منقولست از امام
رضا ع فرمود که دو رکعت نماز بگزارد و هر رکعتی الحمد یکبار و انا انزلناه سیزده بار
چون فارغ شدی سجده کن و بگوی اللهم فارج الهم و کاشف الغم و مجیب
دعوة المضطرین یا رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صلی الله علی محمد و آل محمد
وارحمنی رحمة تطفئ بها عنی غضبک وتغنینی بها عن رحمة من سواک
پس گونه راست خود را بر زمین نه و بگو یا مذل کل جبار و معز

کل ذلیل

کل ذلیل وقدرتک بلغ المجهود منی فی امری کذا افرج عنی
پس گونه چپ بر زمین نه و مثل این بگوی پس عود کن و مثل این دعا بگوی حق سبحانه و
تعالی غم و اندوه ترا ببرد و حاجت ترا روا میکند نماز دیگر خلاصیت از مشقت
منقولست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود دو رکعت نماز بگزارد
و هر دو رکعت بعد الحمد یکبار و قل هو الله احد هزار بار و در رکعت دویم الحمد یکبار
و قل هو الله احد یکبار پس تشهد بخوان و سلام بده و دعای فرج بخوان که
اللهم یا من لا تراه العیون و لا تخالطه الظنون یا من لا یصفه الواصفون
یا من لا تغیره الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت یا من لا یخشی
الفوت یا من لا تضره الذنوب و لا تنقصه المغفرة یا من یعلم مثاقیل الجبال
و کیل البحور و عدد الامطار و ورق الاشجار و دبیب الذر و لا یواری
منه سماء سماء و لا ارض ارضا و لا بحر ما فی قعره و لا جبل ما فی وعره
یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و لا اظلم علیه اللیل اشرق عنه
النهار باسمک المخزون المکنون الذی فی علم الغیب عندک استخلصته
به لنفسک و اشتققت منه اسمک فانک انت الله لا اله الا انت وحدک
وحدک لا شریک لک الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به اعطیت

وأسألك بحق الأنبياء المرسلين وبحق حملة العرش وبحق الملائكة
المقربين وبحق جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وبحق محمد وعترته
صلواتك عليهم أن تصلي على محمد وأن تجعل خير عمري آخره
وخير أعمالي خواتمها وأسألك مغفرتك ورضوانك يا أرحم الراحمين دفع غم و الم
دو رکعت نماز بگذارد و مصحف را بالای سر دارد و بگوید اللهم إني أتوجه إليك
بما فيه وفيه اسمك الأكبر وأسماؤك الحسنى وما يخاف ويرجى أسألك أن
تصلي على محمد وآل محمد وتقضي حاجتي وتمام آن حاجت نیز نماز فرزند رسول
علیها السلام دو رکعت نماز بگزارد و پس سجده کند و صد بار بگوید یا فاطمه و گونهٔ راست
بر زمین نهد و مثل این بگوید و گونهٔ چپ را همچنین پس سجده کند و صد بار بگوید یا آمنا
من كل شيء وكل شيء منك خائف حذر أسألك بأمنك
من كل شيء وخوف كل شيء منك أن تصلي على محمد وآل محمد
وأن تعطيني أمانا لنفسي وأهلي ومالي وولدي حتى لا أخاف أحدا ولا
أحذر من شيء أبدا إنك على كل شيء قدير نماز استغاثه
در شب وقتی که قصد خواب کنی بنه بر بالین خود ظرف پاک که پر از آب پاک کرده
و سر آن را مخمر کرده پاک بپوش چون بیدار شوی بخشت نماز آخر شب از آن سه جرعه بخور

و باقی آن وضو بسازد و توجه بجانب قبله کن و بانگ و اقامت بگو و دو رکعت
نماز بگذار و بخوان آنچه میسر شود از قرآن و چون فارغ شوی از قراءت بگوی
در رکوع بیست و پنج بار که یا غیاث المستغیثین و سر بردار از رکوع و مثل
این بگو و در سجده همین بگو و در جلوس میان هر دو سجده و در سجده دویم و در نشستن
بعد از سجده دویم همین دستور چنانکه صد نوبت شود و سلام بده و سر به آسمان
بردار و سی نوبت بگو که من العبد الذليل إلى المولى الجليل دو رکعت نماز
نیکو بگذار و بعد از آن سجده کن و بگو که یا واحد یا أحد یا کریم أتوجه إليك
بنبيك نبي الرحمة يا رسول الله إني أتوجه بك إلى الله ربك وربي ورب
كل شيء أسألك يا الله أن تصلي على محمد وآل محمد وأسألك نفحة
من نفحاتك فتحا يسيرا ورزقا واسعا ولم به شعثي وأقضي به ديني
وأستعين به على عيالي دفع غم منقولست از ابی عبدالله علیه السلام
که فرمود که هر که را غمی پیش آید باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگزارد و [illegible]
چنانکه گونهٔ راست را بر گونهٔ چپ دست راست نهد و بگوید که یا معز
كل ذليل ويا مذل كل عزيز وحقك لقد شق علي كذا و

دفع ظالم

ومقصود خود را نام برد از امام صادق علیه السلام که وضوی تمام بساز
و هر وقت که خواهد پس دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود را تمام کند چون فارغ
شود سر و دو گونه خود را بر زمین نهد و چندان بگوید یا رباه که نفس منقطع شود
بعد از ان بگوید که یا من اهلک عادا الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح
من قبل انهم کانوا هم اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها
ما غشی ان کان فلان بن فلان ظالما فیما ان تکسر به فاجعل علیه
منک وقدا و لا تجعل فی عملک نصیبا یا اقرب الاقربین

جهت دفع ظلم

باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و سر خود را به سوی آسمان بردارد
و دستها را بگشاید و بگوید که اللهم رب محمد و اهلک عدوهم
اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنی و لا احد اصول به
غیرک فاستوف منه ظلامتی الساعة الساعة بحق من جعلت له علیک
له علیک و بحقک علیهم الا فعلت ذلک یا منزل الاحکام
و الاخذ به هو البطش یا مالک الفضل

جهت انتقام از ظالم

منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که از کسی ستم ظلمی رسد او را دعای بد

مکن

مکن زیرا که مرد مظلوم چنین همیشه دعای بد کند ظالم میکرد و لیکن چون ظالم کسی عزم کن
و دو رکعت نماز بگذار در موضعی که آسمان را ببینی بعد از ان بگو که اللهم ان فلان بن فلان
ظلمنی و لیس لی احد اصول به غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة
الساعة بالاسم الذی سألک به المضطر فکشفت ما به من ضر و مکنت له فی
الارض فاسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستوفی لی ظلامتی
الساعة الساعة پس چندان درنگ نکنی تا مقصود تو حاصل شود نماز دیگر
منقول است از یونس بن عمار که حکایت کردم پیش ابی عبدالله علیه السلام که مردی همیشه به من
ایذا میرساند فرمود که دعای بد مکنی او را گفتم بلی فرمود که چنین نیست که تو میکنی
و لیکن کار او را از خود بیرون کن و روزه بگیر و صدقه بده و چون آخر شب شود وضوی تمام
بساز و دو رکعت نماز بگذار و در حال سجده بگوی که اللهم اسقم بدنه و اقطع اثره
و انقص اجله و عجل له فی ذلک فی عامه هذا گفت چنین کردم در اندک زمانی هلاک شد
نماز جهت شکر معاش منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت
نماز بگذارد نزد زوال و بخواند در رکعت اول فاتحه و قل هو الله و انا فتحنا لک فتحا
مبینا تا انجا که و ینصرک الله نصرا عزیزا و در رکعت دویم فاتحه و قل هو الله و الم نشرح
که این مجرب است نماز جهت وصول مهمات منقول است از حسین بن علی علیه السلام باید که چهار رکعت نماز

بگذارد بروجهی که قنوت و ارکان او را بجای آورد و در رکعت اول الحمد یکبار
و حسبنا الله و نعم الوکیل صد بار و در رکعت دویم الحمد یکبار و ما شاء الله
لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منک مالا و ولدا صد بار و در رکعت سیم
الحمد یکبار و لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین صد بار و در رکعت
چهارم الحمد یکبار و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد صد بار پس حاجت
بخواهد که روا شود   دفع معصیت   چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت فاتحه یکبار
و قل هو الله صد بار و آیة الکرسی یکبار چون سلام بدهد بگوید صلی الله علی محمد النبی الامی و آله
علیهم السلام بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر حق سبحانه و تعالی بجای آورد پس حق جل و
علا آنچه وعده فرموده او را عطا فرماید   نماز فراخی روزی   نقل فرموده حضرت
رسول الله صلعم که دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول الحمد یکبار و انا اعطینا سه بار
و قل هو الله احد سه بار و در رکعت دویم الحمد یکبار و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق سه بار
و قل اعوذ برب الناس سه بار   نماز دفع فقر   روایت میکند میسر بن عبد العزیز که در خدمت
ابی عبد الله علیه السلام بودم که یکی از اصحاب او در آمد و گفت فدای تو شوم من محتاجم و از حضرت
فرمود روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بدارد و چون چاشت شود پس زیارت کنی و
رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را از جای بلند یا در صحرا جای که هیچکس ترا نه بیند پس در آنجا نماز

بگزارد

شود و گواهی دهند و روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
که کسی که نماز صبح بگذارد و در نیک کند تا آفتاب بر آید این بهتر است از آنکه ترک کند
در باب روزی بگاه و چون خواهی که از مسجد بیرون آیی پس بگو که اللهم دعوتنی
فاجبت دعوتک و صلیت مکتوبتک و انتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسئلک
من فضلک العمل بطاعتک و اجتناب معصیتک و الکفاف من الرزق
برحمتک   هر گاه که خواهی که چیزی از نماز صبح یا از نمازی دیگر پس بگو که
سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب
العالمین مرویست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که فرمود هر که خواهد چیزی
به پیمانه ی تمامتر پس باید که این آیات شریفه آخر اقول او باشد پس
بدرستی که مرویست هر صیلی بگوید و حسنه است و پیش [illegible] پای چپ را در وقت
بیرون آمدن از مسجد بگوید که اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح لنا باب
فضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین و جهد کن در آنکه سخن نگویی پیش از آمدن
آفتاب مگر آنکه مشغول باشی به دعا و تلاوت قرآن پس بدرستی که مرویست از حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم که آنحضرت فرمود که هر که بنشیند در مصلی خود از نماز
صبح تا طلوع آفتاب حق سبحانه و تعالی بپوشاند گناهان او را و بگاه دارد

مل

و را از آتش دوزخ و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده
ذکر خدای تعالی عز و جل بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب شتابنده تر است
در طلب روزی از زدن شمشیر در زمین جابر روایت کرده از امام محمد
باقر علیه السلام که ابلیس لشکر خود را پراکنده میکند در شب از وقت فرو
رفتن آفتاب تا وقت فرو رفتن شفق و در روز لشکر خود را پراکنده از هنگام
طلوع آفتاب تا برآمدن آفتاب فرموده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده که بسیار بگوئید ذکر خدای تعالی را درین دو وقت که آن دو وقت غفلت
اند و امام صادق علیه السلام فرموده که خواب صباح شومست و روزی را
میراند و زلک را زرد و زشت میسازد و تغیر خلق میکرد اند خواب شومست
بدرستی که حق سبحانه و تعالی روزی تقسیم میفرماید در میان طلوع صبح تا برآمدن
آفتاب پس بپرهیزید ازین خواب و امام رضا علیه السلام در تفسیر قول
تا برآمدن آفتاب الهی که فالمقسمات امرا پس هر که درین وقت خواب کند از
روزی خود خواب کرده گوید که معمر بن خلاد گوید که امام رضی علیه السلام در
خراسان نماز صبح را میفرمود و در آن سوال بود پس آن سوال میفرمود کی بعد
از آن مصحف آورده کند را پس میفرماید انرا و بعد از آن مشغول تلاوت قرآن

مجید

مجید مشغول میشد و استغفار و گریه و زاری بدرگاه
فصل سیم در ذکر درود پیغمبر صلعم
آفریدگار روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که روزی رسول صلعم التفات نمود بسوی
صحابش و فرمود که پناهی بخواهید که آن ملجئی شوید گفتند یا رسول الله این پناه از
دشمنست فرمود که نه ولیکن این پناهیست از آتش دوزخ و آن اینست که بگوئید که
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ و دیگر فرمود که بسیار
بگوئید این تسبیحات را در روز قیامت اینها خواهند آمد از جپ و راست
و از پیش و پس شما و اینهایند بَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتِ روایت کرده ابو بصیر
از ابو عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام که فرمود رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ روزی
مر اصحاب خود را که هیچ می بینید که اگر جمع کنید آنچه تر شماست از
جامها و ریاها بعد از آن بعضی را بر بالای بعضی دیگر هیچ تواند بود
که تا باسمان رسید اصحاب فرمودند که نه یا رسول الله آن حضرت فرمود
که آیا دلالت کنم شما را بچیزی که اصل آن در زمین است و فرع آن در آسمان گفتند بلی
یا رسول الله فرمود که هر گاه یکی از شما بگوید هرگاه که از نماز فریضه فارغ شدی که سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس بتحقیق که اصل این در زمین است
و فرعشان در آسمان و اینانند که دفع میکنند از افتادن و سوختن و از غرق

ودر چاه افتادن واز خوردن جانورهای درنده واز بدمردان واز بلاهای
که نازل شود از آسمان بر بنده در آن روز دانایان بآیات ودیگر فرمود که
رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که چهار چیزست که هر گاه که در یکی باشد حق
سبحانه وتعالی آنکس را از اهل بهشت منویسد یکی آنست که پناه داشت او شهادت
ان لا اله الا الله باشد دویم آنکه هر گاه حضرت عزت نعمتی بوی کرامت فرماید
او در مقابل آن نعمت الحمد لله بگوید سیم آنکه چون گناهی ازو سر زند در آن استغفار
کند چهارم آنکه چون بار مصیبتی بدو رسد بگوید که انا لله وانا الیه راجعون
ودیگر فرمود نقلست از آبای بزرگوار خود که جمعی فقیر آمدند بخدمت حضرت رسول
الله صلی الله علیه وآله وگفتند یا رسول الله اغنیا را بندگان هستند که آزاد
میکنند وما را نیست وایشان را مال هست که بر آن تصدق میکنند وما را
نیست بعد از آن فرمود که صد بار الله اکبر این افضل است از آزاد کردن این صد
بنده وهر که صد بار سبحان الله بگوید این بهتر است از قربان کردن صد
شتر وهر که صد بار بگوید که لا اله الا الله این افضل خلایق است آن روز
عمل مگر آنکه زیاد کنند این عمل را گفت که اغنیا رسیدند بآن وبجا آوردند آنرا
بعد از آن بازگشتند فقرا بخدمت وگفتند یا رسول الله بتحقیق رسیدند

بانچه که تو گفتی فرمود که این فضل حق تعالی است میدهد بهر که میخواهد
ودیگر حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که سخن گفتن سبحان
الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر دوست ترست پیش من از آنچیزهای
که آفتاب بران تابیده روایتست از بعضی ان ابی عبد الله علیه السلام
که رسول الله صلی الله علیه وآله میگفت خدا را در هر روزی سیصد وشصت
ابعد رگهای بجسد میفرمود که الحمد لله کثیرا علی کل حال ودر
حدیث آمده که چون شب میشد مثل این میگفت ودیگر آنحضرت فرمود
که اول کسی خوانده میشود بسوی بهشت آنانند که حمد خدای عز وجل کنند
در پنهان وآشکارا وسوال کردند از روضهای بهشت که کجاست آنحضرت
فرمود که ریاض بهشت مجالس ذکر است پس صباح ورواح کنید در ذکر
خدای عز وجل وامام جعفر صادق علیه السلام فرمود که شکر هر نعمت
اگر بزرگ باشد آنست که حمد کنی او را ودیگر فرمود که نداد حق سبحانه وتعالی
نعمت عظیم بر بنده مومن که حمد کند آن بنده خدای تعالی را برای نعمت
الا آنکه حمد او افضل است واعظم از آن نعمت آورده اند که روزی یکی غیبت
استر امام محمد باقر علیه السلام که روزی در مکه ومدینه آنحضرت فرمود

که اگر حق سبحانه وتعالی اسیر را بمن باز گرداند او را شکر عظیم بگویم
بعد از آن که اسیر را گرفت سه بار گفت الحمد لله رب العالمین
باز روایتست از ابی حمزه از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که خبر دهم ترا
از جمیع حمد من گفتم بلی یا رسول الله فرمود بگو اللهم لك الحمد كله
بدلك كلها على جميع نعمتك كلها حتى ينتهي الحمد الى ما تحب
ربنا وترضى روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که هر که چهار بار بگوید وقت
صبح الحمد لله رب العالمین بگوید بتحقیق ادا کرده شکر آن روز را واگر کسی در وقت
شام الحمد لله بگوید بتحقیق ادا کرده شکر آن شب را روایتست از زید شحام
از ابی عبدالله علیه السلام که فرموده که هر که الحمد لله بگوید مشغول میگرداند
کاتبان آسمان را گفتم چون مشغول میشوند کاتبان آسمان فرمود که میگویند که اللهم
انا لا نعلم الغيب یعنی بار خدایا ما غیب نمیدانیم پس حق سبحانه وتعالی
فرماید که بنویسید حمد او را همچنانکه گفت بنده من و بر منست ثواب آن
و دیگر روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که فرمود که حضرت رسول
صلی الله علیه السلام فرمود که هر گاه کسی بگوید این را که الحمد لله بمحامده كلها
ما علمنا منها وما لم نعلم على كل حال حمدا يوازي نعمه ويكافئ مزيده

عدد

علیّ وعلی جمیع خلقه حق سبحانه وتعالی فرماید که رسید بنده من برضای من برسانم
بنده خود را برضای او در بهشت وروایتست که مردی آمد بخدمت ابی عبدالله ع
و گفت فدای تو گردم من مردی پیرم تعلیم کن مرا دعائی که جامع باشد آنحضرت
فرمود که بگو حمد خدای تعالی را بتحقیق که چون حمد وی بر زبان رانی حق سبحانه وتعالی
نیز حمد ترا میفرماید یعنی گفته ایشان را که سمع الله لمن حمده روایتست از امیر
المومنین علی علیه السلام که فرمود که رسول صلعم فرمود که در فرزندان آدم
سیصد وشصت وشش رگست که صد وهشتاد متحرکست وصد وهشتاد ساکن اگر آنچه ساکنست
متحرک گردد آدمی باقی نماند واگر متحرک ساکن شود امر او بهلاک انجامد و فرمود
که حضرت پیغمبر صلعم هر روز چه بامداد وچه شب سیصد وشصت بار بسبیل شکرانه
میفرمود الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال
زراره گوید در تحمید که گفتم مر امام محمد باقر را علیه السلام که کدام عمل از عملها
دوسترست بسوی حق سبحانه وتعالی فرمود که تحمید حق روایتست از ابی عبدالله ع
که فرمود بدرستی که حق سبحانه وتعالی تحمید میفرماید نفس در هر شب آنرا روزی
سه نوبت پس هر کسی که تحمید خدای عز وجل را بآن وجه که خود را بآن تحمید فرموده
آنکس بگرداند از شقاوت بسعادت دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله

فرمود که هر دعایی که پیش از تحمید باشد پس او ابتر است یعنی مقطوع است پس
بدرستی که اول تحمید است و بعد از آن گفتم اقل آنچه کافیست از تحمید کدامست
فرمود که بگو اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء وانت الآخر فلیس بعدک
شیء وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت الباطن فلیس دونک
شیء وانت العزیز الحکیم یونس بن یعقوب گوید در باب تسبیح که گفتم را
ابی عبد الله را ع که هر که صد بار بگوید سبحان الله مانند کسی باشد که ذکر خدا بسیار
کرده. روایتست از امام محمد باقر ع که هر که سبحان الله بگوید بی تعجب بیافریند
حق سبحانه وتعالی از آن مرغی که مر او را باشد زبان و دو بال تا با آنها که تسبیح گوید
در میان تسبیح گویندگان تا قیامت قایم شود و ثواب این تسبیح آن کس باشد
و مانند آنست الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر در ثواب
روایتست از امیر المومنین علی ع که فرمود که تسبیح پر میگرداند میزان را و الحمد لله
پر میگرداند میزان را والله اکبر پر میسازد زمین و آسمانرا و دیگر فرمود که هر که
در شبانگاه سه بار بگوید که فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد
فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود از و چیزی که
در آن شب بوده باشد و بگرداند از و جمع شرّ آن روز و شب ابن عباس گوید در تهلیل که پیغمبر صلعم

فرمود

فرمود که هیچ کلمه دوستتر بسوی خدای عز وجل نیست از گفتن لا اله الا الله
و هیچ بنده که بگوید لا اله الا الله و آواز خود را برکشد و قطع کند مگر آنکه
فرو ریزد گناهان او را در زیر قدمهای او همچنانکه فرو میریزد برگهای درختان
سکونی روایت کند از ابی عبد الله ع و او از آبای بزرگوار خود که حضرت
رسول صلعم که بهترین عبادت گفتن لا اله الا الله است در کتاب عیون
الرضا آورده که حضرت رسول صلعم فرموده بدرستی که حق جل وعلا را ستونیست
در زیر عرش از یاقوت سرخ که سر او در زیر عرش است و پایین او در پشت ماهی است
در هفتم زمین پس چون بنده گفت لا اله الا الله عرش بلرزش درآید و ستون
متحرک و ماهی بجنبش درآید حق سبحانه فرماید که ساکن شو ای عرش من او گوید ای
پروردگار چگونه ساکن شوم حال آنکه نیامرزیدی گوینده آنرا حق سبحانه وتعالی
فرماید که گواه باشید که ای ساکنان ملأ الاعلی که من آمرزیدم گوینده لا اله الا الله
جابر از ابی طفیل گوید و او از امیر المومنین علی ع که فرمود که هیچ بنده مومنی
و مسلمانی نباشد که بگوید لا اله الا الله مگر که بالا رود و بدرد هفت سقف را
و نگذارد بهیچ چیزی از سیئات او مگر که محو کند آنرا تا منتهی شود بمثل آن از حسنات
پس باز ایستد دیگر فرمود که گفتن لا اله الا الله ثمن و بهای بهشت ماست [illegible]

از رسول صلعم که تلقین کنید مردکان خود را بکلمه طیبه لا اله الا الله که آن قلاع
کناهان را محو میسازد گفتند یا رسول الله پس کسی که در حال صحت بگوید چگونه است
فرمود که بیشتر و بیشتر محو میسازد و این کلمه ایمن میکرداند مومن را در حال حیات
و نزد ممات و هنگامی که از قبر برخیزد و امام صادق عم فرمود که هر که صد بار بگوید
لا اله الا الله او بهترین مردمانست در آن روز از روی عمل مگر کسی که بر آن زیاده بکند
زید بن ارقم روایت کند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که باخلاص کلمه لا اله
الا الله بگوید البته بهشت رود و اخلاص او آن کلمه آنست که گوینده کلمه
خود را از حرام نگاه دارد ابو سعید خدری گوید که حضرت رسول الله صلعم
فرمود که کسی نگفته پیش از من کلمه که افضل باشد از کلمه طیبه لا اله الا الله ابو عمران عجلی
گوید که نباشد هیچ مومنی که بگوید لا اله الا الله مگر که محو کند سیآت از نامه اعمال او
و مثل حسنات از ایجای او بنویسد ابو حمزه ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین ع
که در اول شب صد بار بگوید الله اکبر بمنزله آنست که صد بنده آزاد کرده حضرت
امام رضا علیه السلام فرموده که پدر بزرگوار من فرموده که هر که بگوید لا حول
ولا قوة الا بالله حق سبحانه و تعالی بگرداند از او نود و نه نوع از بلا که
آسانتر آن خناق باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که

صبح دو رکعت فریضه صبح نگاه دارد حق سبحانه و تعالی روی او را از گرمی
آتش دوزخ و هر که شب بار این تسبیح را بگوید که سبحان ربی العظیم و بحمده استغفر
الله ربی و اتوب الیه بنا کند حضرت عزت خانه به جهت او در جنت و هر که بیست
و یکبار قل هو الله احد بخواند همچنین باشد در بهشت خانه برای وی بسازد
و هر که چهل بار بخواند حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد بعد از آن بگوید اللهم
افتح لی یا رب الامر الذی فیه الیسر والعافیة اللهم هیئ سبیله و یسر لی
مخرجه فان قضیت لاحد من خلقک علی مقدرة بسوء فخذه عنی من
بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من تحت قدمیه و من
فوق رأسه و اکفنیه بما شئت و هفت بار بگوید این را که بسم الله الرحمن
الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و بعد از آن سجده کن
و بگو یا خیر المسئولین و یا اجود المعطین و صل علی محمد و آل محمد
و اغفر لی وارحمنی وارزقنی وارزق عیالی من فضلک انک ذو فضل
عظیم و سنت که دعا کند برای برادران مومن و در سجود خود بگوید اللهم
رب الفجر و اللیال العشر و الشفع و الوتر و اللیل اذا یسر و رب کل

شَيْءٍ وَإِلَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَعَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَ نَفْسِي وَبِغَلاَنِ وَأَمَانَةِ وَلاَ تَغْفُرْ بِنَا مَا نَحْنُ وَأَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ
التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وبعد ازین متوجه مسجد شود زیرا که نماز فریضه
افضل است در مسجد ونماز نافله درخانه افضل است وامام جعفر صادق
فرموده که هرکه پیاده بمسجد رود وپای ننهد بر هیچ تر وخشکی مگر که تسبیح
گویند اورا تا طبقه زمین هفتم ودر تورات مذکورست که بشارت روند
گان مسجد را در تاریکی شب درخشان در روز قیامت ورسول الله
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده که حق سبحانه وتعالی فرموده که مرا در زمین
خانهاست که آن ساجدات که روشنی اهل آسمان بآنست چنانچه
روشنی اهل زمین بستاره کانست خوشا حال انکه خانه او مسجد باشد
وخوشا حال بنده که درخانه خود وضو بسازد وبخانه من درآید یعنی
بمسجد که مرا در انجا یاد کند وبرمنست که اورا گرامی دارم پس چون به
مسجد درآیی وپای راست را پیش نه وبگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَإِلَى اللهِ
وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ كُلُّهَا لِلَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللهِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَأَغْلِقْ عَنِّي
أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَوَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّي
الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَجُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ بعد ازان آیة الکرسی و هر دو قل اعوذ
و سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ هریک هفت و
هفت بخوان بعد ازان بگو که اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ
عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا رَزَقْتَنِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلاَءٍ حَسَنٍ
ابْتَلَيْتَنِي اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَوَاتِي وَدُعَائِي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَاشْرَحْ صَدْرِي وَتُبْ
عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ وچون بمسجد درآیی تا دو رکعت نماز
تحیت مسجد بگذاری منشین واگر دو رکعت سنت صبح بگذاری مجزیست
از تحیت وچون روی بقبله آری بگو که اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَرِضَاكَ
طَلَبْتُ وَثَوَابَكَ ابْتَغَيْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ
نَبِيِّكَ وَلاَ تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ

انت الله الوهاب و چون مؤذن گفت الله اکبر مثل آن بگوید و چون گفت
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و اشهد ان علیا
ولی الله بگو اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و
اشهد ان علیا ولی الله اکتفی بها عن کل من ابی و جحد
و اعین بها من اقر و شهد و در روایت دیگر وارد است که مؤمن هر گاه گفت
اشهد ان لا اله الا الله بگو محمد صلی الله علیه و آله الطیبین الطاهرین اللهم
اجعل علیا برا و مودة آل محمد فی قلبی مستقرا و ادر علی الرزق درا و هر گاه
گفت حی علی الصلوة حی علی الفلاح پس بگو لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و مرویست که هر که شنید بانگ را بگوید آنچه مؤذن گفت در روزی
آدمی افزاید و چون صبح طالع شد و توان را دید به سوی آسمان کن بگو
که اللهم ربنا انت ولینا و صاحب افضل علی محمد و آل محمد و تفضل
علینا بما انت اهله و انقذنا مما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات
و فضل علی محمد و آل محمد و اتممها علینا پس سه بار بگو که عائذا بالله من
النار پس بگو یا فالق من حیث لا اری و مخرج من حیث اری صل

علی محمد

علی محمد و آل محمد و اجعل اول یومنا هذا صلاحا و اوسط
فلاحا و آخره نجاحا پس بگو که الحمد لله فالق الاصباح سبحان رب
المساء و الصباح اللهم صبح آل محمد ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین
و رزق واسع اللهم صبحنی و اهلی ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین
و رزق واسع اللهم انک تنزل فی اللیل و النهار ما تشاء فانزل
علی و علی اهل بیتی من برکات السموات و الارض رزقا واسعا تغنینی
به عن جمیع خلقک و چون خواهی بانگ بگوی بگو که اللهم انی اسئلک
باقبال نهارک و ادبار لیلک و حضور صلواتک و اصوات
دعائک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تتوب علی انک انت التواب
الرحیم و چون از بانگ فارغ شدی سجده کن و بگو لا اله الا انت ربی سجدت
لک خاشعا خاضعا ذلیلا فصل علی محمد و آل محمد و تب علی انک
انت التواب الرحیم دعای دیگر اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا و رزقی
دارا و عملی سارا و اجعل لی عند قبر نبیک و رسولک صلواتک علیه
و آله مستقرا و قرارا و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که دو ساعت

که درهای آسمان در آن اوقات گشاده است و کم باشد که دعا در آن وقت مستجاب
نشود نزدیک بانگ نماز وصف ثنای او در راه خدای تعالی و چون سر برداشتی از سجده
بگو که سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ سُبْحَانَ
مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُغْشَى وَلَا بَوَّابٌ يُرْشَى
وَلَا تَرْجُمَانٌ يُنَاجَى سُبْحَانَ مَنِ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ سُبْحَانَ
مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِمُوسَى سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الْعَطَاءِ إِلَّا
كَرَمًا وَجُودًا سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا غَيْرُهُ امام جعفر الصادق علیه السلام
روایت کرده در فضیلت نماز که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم
فرموده که هیچ نمازی نیست که حاضر شود وقت آن مگر ندا کند فرشته میان
مردمان که ای مردمان برخیزید و بشوید که آتشهای که افروخته اید بر پشتهای
خود فرونشانید آن را بنمازهای خود که ادا کنید ای بندگان خدای راجعه
کنید بسوی گناهان خود و یاد آرید و بترسید از گناهان خود که نماز دفع آن است
همچنانچه حق سبحانه تعالی فرموده است که إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ
السَّيِّئَاتِ ابو یعفور گوید که ابو عبدالله علیه السلام فرموده که چون نماز گذاری

چنان

چنان بگذار که گویا نماز کسیست که وداع میکند او و توجه تمام میکند او رو تو نیز
چنان بگذار که ترسی که دیگر نخواهی گذارد بعد از آن بگردان نظر خود را بموضع
سجود خود چنانچه ندانی که از راست و چپ تو کیست چنان کنی نیکو باشد
نماز تو و دفع بدیها کند و دیگر بدانکه تو پیش کسی و آنچه شده که او ترا می بیند
و تو نمی بینی و دیگر فرموده نمازگذار را سه خصلت چون برخیزد برای نماز خود
بریزد بر و نیکی از آسمان تا فرق سر او و گرد او بر آیند و فرشتگان از زیر قدم
او تا بالای آسمان و فرشته ندا کند که ای نمازگذار اگر بدانی که بگردد از
میگوی ملتفت بغیر نشوی و دیگر فرموده هر که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید
در آن دو رکعت و برگردد از آن میان او و میان حق جل و علا چیزی مگر آنکه گناهان
او را بیامرزد و روایت از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که دو رکعت نماز
شکر بهتر است از قیام تمام شب و حضرت صادق علیه السلام فرموده که هرگاه
بنده از بندگان شروع کند در نماز حق سبحانه و تعالی اقبال کند بروجه کریم و رو
کرد اند بر و فرشته تا بر دارد قرآن از دهان او بر داشتی بهم اگر اعراض کند بنده
از نماز خود اعراض کند حق سبحانه و تعالی نظر لطف بر دارد از و آن بنده را تفویض

فرماید بان فرشته وچون روی آرد بنده بسوی نماز خود حق سبحانه وتعالی
نیز روی آرد باو بوجه کریم تا نماز او کامل ومرتفع شود پس اگر سهو کند در آن نماز
یا غافل شود یا مشغول شود بغیر نماز برداشته شود از و نماز یعنی از ثواب
نمازش آنمقدار که توجه بغیر نماز کرده از و برداشته میشود و داده نمیشود از دل
غافل جزی از خیر و دیگر فرموده که فضل اول نماز بر آخرش بهمرتبت مومن را
از فرزند آن و مال او و دیگر فرموده که فضل اول وقت بر آخر وقت مثل آخرت
بر دنیا و امام حسن بن علی علیهما السلام روایت کند از بزرگوار
خود که آنحضرت فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود
که مرد مسلمانی که بنشیند در مصلی خود که در آن نماز صبح بگذارد و بذکر الهی تا آفتاب
بر آید باشد مر او را مزد مثل وی آنکه حج کند خانه خدا است وخدای تعالی او را
بیامرزد و اگر بنشیند در مصلی تا ساعتی بگذرد که حلال باشد در آن ساعت
نماز بگذارد دو رکعت نماز یا چهار رکعت نماز بگذارد گناهان گذشته او و مر او را
باشد از مزد مانند حج کننده خانه خدا جابر گوید که امام جعفر صادق علیهم
السلام روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرموده که حق سبحانه

میفرماید

میفرماید که ای پسر آدم یاد کن مرا بعد از نماز صبح ساعتی و بعد از عصر
ساعتی تا من مهم ترا کفایت کنم و حاجت ترا بر آورم پس چون
سلام دادی فریضه صبح را سه بار الله اکبر بگو بعد از آن بگو که لا اله الا الله
الهاً واحداً ونحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد الا ایاه
مخلصین له الدین ولو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا ورب
آبائنا الاولین لا اله الا الله وحده وحده وحده له الملك وله الحمد
یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر
اللهم اهدنی لما اختلف فیه من الحق باذنك انك تهدی من تشاء
الی صراط مستقیم پس سه بار بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه ده بار بگوید اللهم اهدنی
من عندك وافض علی من فضلك وانشر علی من رحمتك وانزل
علی من برکاتك سبحانك لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها
جمیعاً فانه لا یغفر الذنوب کلها الا انت بعد از آن تسبیح
فاطمه زهرا صلوات الله علیها بگوید و چهار بار الله اکبر است [illegible]

سبحان الله بدین ترتیب امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که هر که
تسبیح زهرا علیهما السلام بگوید در هر روز در عقب هر نماز از ان دوست تر است
نزد من از هزار رکعت نماز در هر روزی و دیگر فرموده هر که تسبیح زهرا علیها
السلام بگوید در عقب هر نماز فریضه لا اله الا الله در پی ان در ارد البت
گناهان او آمرزیده شود و سزاوار آنست که بعدد آن تسبیح خاک پاک
امام حسین علیهما السلام باشد و مرویست از ابی عبد الله علیه السلام
که هر که بگرداند تسبیح امام حسین را علیه السلام یکبار استغفار یا غیر
استغفار نوشته شود از برای او ثواب هفتاد بار و سجده بر ان میدرد
حجاب هفت آسمان را دعائی که روایت کرده معاویه بن عمار از ابی عبد الله ع
السلام که بسم الله الرحمن الرحیم وصلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرین
الاخیار الانقیاء الابرار الذین اذهب الله الرجس وطهرهم تطهیرا
و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد وما توفیقی الا بالله علیه
توکلت ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا ما شاء الله کان حسبنا الله ونعم الوکیل واعوذ بالله السمیع

العلیم

العلیم واعوذ بک رب ان یحضرون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
الحمد لله رب العالمین کثیرا هو اهله ومستحقه وکما ینبغی لکرم
وجهه وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال النهار الحمد لله الذی
اذهب اللیل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جدیدا
ونحن فی عافیة وسلامة وستره وکفایته وجمیل صنعه مرحبا
بخلق الله الجدید والیوم العتید والملک الشهید مرحبا بکما من ملکین کریمین
وحیاکما الله من کاتبین وحافظین اشهدکما اشهد انی واکتباها
شهادتی هذه معکما حتی القاه بها ربی انی اشهد ان لا اله الا الله و
حده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدی
ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون وان الدین
کما شرع والاسلام کما وصف والقول کما حدث وان
الله هو الحق ورسوله حق والقران حق والموت حق ومسالة
منکر ونکیر فی القبر حق والبعث حق والصراط حق والمیزان
حق والجنة حق والنار حق وان الساعة آتیة لا ریب فیها

وان الله يبعث من في القبور حق فصل على محمد وآل محمد واكتب
اللهم شهادتي عندك مع شهادة اولي العلم بك يا رب ومن ابى ان يشهد
لك بهذه الشهادة وزعم ان لك ندا او ان لك ولدا او لك صاحبة او لك
شريك او معك خالقا او لك رازقا وانا بريء منه لا اله الا انت تعاليت
عما يقول الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم شهادتي مكان شهادته
واحيني على ذلك وامتني عليه وابعثني عليه وادخلني برحمتك
في عبادك الصالحين اللهم صل على محمد وآل محمد وصبحني منك
صباحا صالحا مباركا ميمونا لا خائبا ولا فاضحا اللهم صل على محمد وآ
وآل محمد واجعل اول يومي هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا
واعوذ بك من يوم اوله فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم صل على
محمد وآل محمد وارزقني خير يومي هذا وخير ما فيه وخير ما قبله وخير
ما بعده واعوذ بك من شرها فيه ومن شر ما قبله وشر ما بعده اللهم صل على
محمد وآل محمد وافتح لي باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير ولا تغلقه
على ابدا واغلق علي باب كل شر فتحته على احد من اهله ولا تفتحه

علي ابدا اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني مع محمد وآل محمد في كل
موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل وفي كل شدة ورخاء وفي كل
عافية وبلاء اللهم صل على محمد وآله واغفر لي مغفرة جزما لا تغادر
لي ذنبا ولا خطيئة ولا اثما اللهم صل على محمد وآل محمد
اللهم اني استغفرك من كل ذنب تبت اليك منه ثم عدت
فيه واستغفرك لما اعطيتك من نفسي ولم اوف لك به واستغفرك
لما اردت به وجهك فخالطه ما ليس لك فصل على محمد وآل محمد
واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدوا من
المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات ولاخواننا الذين
سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف
رحيم الحمد لله الذي قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا
ولا يجعلني من الغافلين پس بگوید چهار بار بعد تعقیب نماز صبح پیش از آن
که تکلم کنی الحمد لله الذي بملاء الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضا وزنة
العرش والله اكبر ملء الميزان ومبلغ الرضا وزنة العرش پس بگو اللهم
اني اسالك مسألة العبد الذليل ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا

الآخرة

ذنوبنا وتقضي لنا حوائجنا في الدنيا وفي الآخرة في يسر منك وعافية چون
فارغ شدي از تعقيب فجر صد بار قل هو الله احد وصد بار بگو استغفر الله واتوب
اليه وصد بار بگو لا اله الا الله الملك الحق المبين وصد بار بگو سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر وصد بار بگو بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصد بار بگو اسئلك العافية وصد بار بگو
استجير بالله من النار وصد بار اسأل الله الجنة وصد بار بگو اسأل الله الحور
والعين وصد بار بگو اللهم قد رضيت بقضائك وسلمت امرك اللهم
اقض لي بالحسنى واكفني ما اهمني وصد بار بگو اللهم اوسع علي رزقي وامدد لي
في عمري واغفر لي ذنبي واجعلني ممن تنتصر به لدينك ولا تستبدل بي صد بار بگو پس
هر که این ده بار بگو بعد از ان پانزده بار بگو لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله
ايمانا وصدقا لا اله الا الله عبودية ورقا و آنچه ممکنست ذکر این را که
سبحان ربي العظيم وبحمده استغفر الله واسأله من فضله پس بدرستی
که ان میگشاید روزی را حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود
زنان مهاجرات ذکر بر شماست که التزام نمایند بتسبیح وتهلیل وتقدیس
وغافل نشوید تا آنکه رحمت فراموش نکند شما را وبانگشتان بشمارید تا آنکه برای شما

بگواهی

وان من شيء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم هل يسمعونكم اذ تدعون
او ينفعونكم او يضرون ومنقولست از امام رضا عليه السلام که حرز من فرزند باشد
فالج می آورد دفع برص و جذام بخوانند بر وی و بنویسند براو بندند بسم الله الرحمن الرحيم
يمحو الله ما يشاء ويثبت وعنده ام الكتاب الحمد لله فاطر السموات والارض
جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع بسم
خلاد بن فلان مرویست که شخصی نزد ابی عبد الله ع آمد واز برص شکایت کرد فرمود
از گل قبر امام حسین ع با آب باران بخور چنین کرد نافع بود و مرویست که شخصی از
اصحاب گفت که در من اثر سفیدی برص پیدا شده بود ابو عبد الله ع فرمود مرا که سوره یس بعسل بر
جامی بنویس و بنوش پس تمام چنین کردم اثر آن تمام برطرف شد و مرویست که امام موسی کاظم ع فرمود که
شوربای گوشت گاو از آن خشک دفع برص میکند یونس بن عمار شکایت کرد آنحضرت از
سفیدی که در بدن او پیدا شده بود فرمود که موبز را در آب بخیسان و آن آب را بیاشام چنین کردم نافع بود
دفع دانها که در بدن ظاهر شود یک پاره نمک و یک دانه بر آن سه نوبت بخوان لو انزلنا هذا القرآن
تا آخر سوره و در تعویذ بندند علی الفور باز گردد و دفع آن زحمت بشود انشاء الله تعالی
منقولست که بر سه جو بخوانند و مثل كلمة خبيثة كشجرة خبيثة اجتثت من فوق الارض
ما لها من قرار و آن سه جو را بران دانها بگردانند بعد از ان در محلی دفن کنند در آخر هر ماه که

آن جو پاک کند نخود آن زحمت بطرف شود و همچنین روایت که شخصی از امام رضا علیه السلام التماس کرد
که چیزی بدو تعلیم فرماید که دفع دانهای عضا کند که آزار تو کل کرده فرمود که از برای
هریک از آن یک جو بردار و بخوان بر هر جو از ان هفت نوبت سوره اذا وقعت الواقعة را
الا کانت هباء منبثا و بعد از آن بخوان که ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا بعد از آن یک یک از آن جوها را
بران دانهای عضا بمال و در پارچه کرباس نو بپیچ و بند و سنگی بران بیاویزد و در چاه انداز دو
گفت چنان کردم روز هفتم ایشم تمام خوب شد و همچو کف دست پاک شده سزاوار آن است که این

جهت دفع عرق مدنی بر چوب بران در وقت خارش آن قبل از بیرون آمدن ویسئلونک عن
الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا
و سیر بران طلا کند و این آیه نیز بر چوب او کالذی مر علی قریة وهی خاویة علی عروشها
قال انی یحیی هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام

جهت دفع صرع وما لنا الا
نتوکل علی الله وقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله
فلیتوکل المتوکلون

دفع چشم زخم سوره اذا زلزلت تا آخر سوره لقد جاءکم تا آخر سوره
ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره نافع باشد و همچنین روایت کرده میر بن
علا که من با حضرت امام رضا ع بودم در خراسان پس یکی شکر کرد که غایبه جهت او بازم پس چیزی غالیه

ساختم نظر کرد در آن و تعجب فرمود و گفت یا عمر عین حق است بنویس در رقعه الحمد و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و در شیشه بگذار و همچنین روایت از
عبد الله که عین حق است و ایمن نیست از چشم زخم تو بر تو و از چشم زخم بر غیر تو هر گاه چیزی سی نظر از
بسیار بگو که ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم و دیگر فرمود که هر گاه کسی آن را که
مرتب و مهیا شود به نوعی که از آن تعجب کند باید که وقتی که از خانه بیرون می آید معوذتین بخواند
که هیچ مضرت باو نرسد باذن الله تعالی و همچنین فرموده که هر که از برادر مومن چیزی بیند که او را
تعجب اندازد که بار کالله بگوید که عین حق است و حضرت رسول صلعم فرموده که چشم زخم مرد در ابر گرفته
و شتر در دیگ [illegible] و همچنین فرموده که افسون نیست مگر در زهر گزدم و چشم زخم

دفع خواب این آیه بخواند
این آیه بخواند ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک
قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی
ربه للجبل جعله دکا وخر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک
وانا اول المؤمنین بخواند بر آب بر روی و سر و دستهای خود بمالد

جهت شفا و رفع صداع و جهت که چشم زخم شد
روایت از امام رضا ع که اگر چیزی از تو گم شود وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم
ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین
بعد از آن بگو [illegible] یهدی من الضلالة و ینجی من العمی و یرد الضالة صلی علی محمد
و آل محمد

وَاغْفِرْ لِي وَرُدَّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ **شفای مرضها** مروی است از رسول صلعم که
فرمود که جبرئیل ع بمن دوایی تعلیم کرد که بدوای دیگر محتاج نیستم گفتند یا رسول الله آن دوا
کدام است فرمود که آب باران را پیش از آنکه بزمین برسد بگیرند و در ظرف پاک کنند
و سوره الحمد بران هفتاد بار بخوانند و قل هو الله احد و معوذتین هر یک هفتاد بار بعد
از آن قدحی از آن در صباح و قدحی در وقت شب بیاشامند بحق الله الکریم الحق
بخلق فرستاده که حق سبحانه و تعالی آن زحمت را از بدن و استخوان و رگهای
او بیرون کند و همچنین [illegible] و هفت دانه سیاه تخمه و هفت دانه [illegible] و کل فرمود امام حسن ع
و هفت قطره عسل در آب یا در روغن کنند و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و اول سوره حدید و لله
ترجع الامور و آخر سوره حشر بران بخوانند نافع باشد مروی است از امام محمد باقر ع
که نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ
مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ همه دردها را شفا است و حضرت رسول صلعم
فرمود که [illegible] هر زخمی را شفا است مگر از مرگ و ما میگوییم بعضی که فه
قبری است که هیچ صاحب زخمی نیاشامد مگر آنکه پناه برد به خدای تعالی ببرکت این دوا شفا
دهد و آن قبر اطهر حضرت امیر المؤمنین علی است صلوات الله علیه و آله **فصل**

ننزل

در طلب کردن شفای بیماران و صدقه دادن و دعا کردن و نماز گزاردن برای جمیع
امراض مروی است از امام جعفر الصادق ع که آنحضرت از پدر بزرگوار خود روایت
کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که صدقه مانع مردن بد است و همچنین فرموده
که صدقه و صله رحم آبادان میکند دیار را و زیاده میکند اعمار را و دیگر فرمود که هر که
روز یا در شب صدقه بدهد ببرکت آن صدقه نماند در زیر دیوار و خانه که فرود آید
و از درندها ایمن گردد و بمردن بد نمیرد و همچنین برکت آن صدقه در آن شب از بلا ایمن
باشد منقول است از امام محمد باقر ع که نیکویی و صدقه درویشی را میبرد و عمر را زیاده میکند
و هفتاد علت را از او دفع میکند مروی است از معاذ بن مسلم که من نزد ابی عبد الله ع بودم که
جمعی نزد آنحضرت گفتند که مردم را دردها پیدا شده آنحضرت فرمود که بیماران خود را
علاج کنید بصدقه و نیست بر شما که چه قدرت روز خود را که مالک ما شد بصدقه و بدرستی
که راه قبض روح شخصی ملک الموت داده میشود چون آن شخص صدقه دهد آن برات را باز میگرداند
و اموال خود را نگاه دارید بزکوة دادن که هر که زکوة مال خود را داده باشد [illegible] خاک
یا بدریا رود من ضامن میشوم آن مال را از تلف مروی است از امام موسی کاظم ع که صدقه
بلای مبرم را که از آسمان متوجه باشد مانع میشود مروی است از داود بن زربی که گفت
[illegible] تب شدتی پیدا شد خبر به امام جعفر ع رسید مکتوبی نوشت بمضمون اگر

بمن رسید که تراثی پیدا شده بمعالجه گندم بخور بعد از آن برکت ... و آن گندم را در سه شنبه
جو دو سنسان ... که باشد و بگو اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سألک
به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تعافینی من علتی و بعد از آن بنشین و گندم را به مسکین بده صدقه
کن و همین دعا بخوان ابن داود گفت چنین کردم گویی که از بند خلاص شدم و بسیاری از دوستان
این عمل کردند نافع بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر
دعا و امام جعفر الصادق ع فرموده که دعا بلا را رد میکند اگر بلای مبرم باشد و منقولست
از امام ابوالحسن بن موسی علیه السلام فرموده که بر شما باد که دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از حضرت
حق تعالی رد بلا میکند و بلا بر شخصی مقرر گشته و باقی نمانده الا جاری شدن هر گاه آن شخص دعا کرد
رد آن بلا از ان میشود منقولست که سلمان فارسی علیه الرحمه نقل کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که آنحضرت
فرمود که هیچ چیز عمر را زیاده نمیکند مگر نیکویی و هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و حضرت امام محمد باقر ع
فرمود بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام هر کس پوشاند از خلق بلایی را که از مردم بدو رسیده
باشد و بحق جل و علا شکایت کند از ان بر حضرت حق سبحانه و تعالی لازمست که او را از ان بلا
خلاص کند و منقولست از امام ابی عبد الله ع که هر کس پیش از نزول بلا دعا کند چون بلا نازل شود
دعای او مستجاب میشود و ملایکه میگویند این آوازیست که میشناسیم که دعای او از آسمان

بخواهید و ابو ایوب گوید که روزی بحضرت ابی عبد الله ع رسیدم و گفتم بسفری
میرویم فرمود که گویا داعیه سفری داری در روز دوشنبه گفتم بلی فرمود که
کدام روز باشد که شوم تر از دوشنبه باشد زیرا که درین روز حضرت رسول الله صلعم
از دنیا رحلت فرمود و وحی منقطع شد پس بیرون مروید درین روز و در روز سه شنبه
بیرون روید و دیگر فرمود که احتراز کنید از ... سیم و چهارم و بیست و یکم و بیست و پنجم
و بیست و پنجم ماه که آنها روز نحس است و امام رضا ع گفته موده که روز یکشنبه
روز نکر و نو بیست و روز یکشنبه روز غرس است و بنا نهادن و در روز دوشنبه سفر است و طلب
حاجات و در روز سه شنبه روز جنگ است و خونریزی و در روز چهارشنبه روز شوم است
که مردم در فال بد بگیرند و در روز پنجشنبه روز دیدن امرا و ساختن کارهاست و در روز جمعه
روز خطبه و نکاح است و روایتست از امام جعفر ع که هر که سفر کند و قمر در عقرب
باشد نیکویی نبیند و شخصی آن حضرت گفت که من بسیاری علم گرفتارم هر گاه که کاری
میخواهم که بکنم در طالع نظر میکنم اگر خوبست ان کار میکنم و اگر بدست ترک میکنم
فرمود که آن کار بر می آید گفتم بلی گفت کتابهای خود را بسوزان و امیرالمومنین علی ع گفته
سفر کردن و نکاح کردن را مکروه میدانست در حالی که قمر در محاق بود یعنی روز
بیست و هشتم و بیست و نهم و سیام و امام موسی علیه السلام فرموده که پنج چیز در راه سفر

کلاغی که از دست راست آواز کند و مرکبی که برود دم خود را بردارد و کرکی که در
برابر مرد نشسته آواز کند و سه نوبت برخیزد و بنشیند و آهویی که از دست
راست بیاید و بجانب چپ رود و جغدی که آواز و [illegible] زنی که [illegible] خود را
نمایان سازد و ماده [illegible] گوشت بریده را که به پنجه [illegible] کرد دل او از بینا بیدا
شود باید این دعا بخواند اِعْتَصَمْتُ بِكَ یا رَبِّ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ فی نَفْسی
فَاعْصِمْنی مِنْ ذلِكَ از شر آن خلاص شود حلبی گوید که شخصی پرسید از امام الصادق ع
که آیا مکروه است سفر کردن در یکی از روزهای مکروهه مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود
که پیش از سفر صدقه کن و آیة الکرسی بخوان هرگاه که سفر پیش آید [illegible] و دیگر گفت
که امام زین العابدین ع فرمود که حج بکنید و عمره بگذارید تا تن درست شوید
و رزق بر شما گشاده گردد و معاش خود و عیالان بیابید و ممنوع شوند مردمان
شما از عذاب الهی و دیگر فرمود که هر که پیاده حج کند و سوره انا انزلناه بخواند پیاده [illegible]
در یابد و دیگر فرمود که هر کس انا انزلناه بخواند در هنگامی که سوار میشود الا که خدای تع
او را سالم دارد [illegible] بمنزل رساند و شتری چون [illegible] بار بح رفت میکرد و از جا
بهشت و دیگر فرمود اگر چیزی بر تقدیر خدای تع مقدم می بود من میگفتم که [illegible]
انا انزلناه است که هر که سفر کند یا از منزل بیرون رود و زود بمنزل آید زود بمنزل خود باز

گردد انشاء الله تع فصل دویم در ابتدا کردن سفر بصدقه دادن و حذر کردن و غیر آن
عبد الرحمن بن حجاج گوید که امام جعفر الصادق ع فرمود که صدقه کن بهر روزی
که میخواهی سفر کنی ابو عمر گوید که من نظر میکردم در نجوم و ملاحظه طالع مینمودم
و مرا از آن وغدغه در خاطر می افتاد شکایت کردم بخدمت موسی علیه السلام
او فرمود که هرگاه که در خاطر از این چیزی پیدا شود صدقه کن بهر مسکین که اول بتو رسد
بعد از آن خاطر جمع دار و بسفر بیرون رو که خدای تع آن را از تو دفع میکند
روایتست از امام الصادق علیه السلام که هر که در صباح صدقه بدهد حق سبحانه و تع
دفع کند از و بدیهای آن روز را و دیگر فرمود که پدر بزرگوار من روز چهارشنبه
یا روزی دیگر از روزها سفر میکرد و صدقه میداد و بعد از آن بیرون میرفت و میفرمود
محمد بن مسلم روایت کند از آنحضرت که هرگاه که بجانب اموال خود بیرون
میرفت سلامتی را از حضرت عزت بآنچه میسر بود ادا [illegible] صدقه میداد بآنچه
دست رس بود و این صدقه وقتی میداد که پای بر [illegible] رکاب میمنت انتساب
مینهاد و چون بسلامت مراجعت مینمود حمد و شکر الهی بتقدیم میرسانید و بآنچه
میسر بود صدقه میداد و همچنین میفرمود که چون خواهی سفر کنی از پروردگار خود

سلامتی بخیر با همقدار که لعنت آن حرکتش باشد و بگو یا رب خدایا میخواهم که فلان
سفر کنم و از تو سلامتی میخواهم در این سفر با این مبلغ یعنی چیزی صدقه کن و در حال
صدقه کردن این عبارت را بگوی دیگر فرموده که هرگاه که مراجعت کردی چیزی
صدقه کن به شکرانه سلامتی خودت در بیان فضیلت عصا امیر المؤمنین علی علیه السلام
روایت میکند که رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که آیا عاجزست یکی از شما از اینکه
عصایی بردارد که در پایان او سر نیزه باشد که بدیهای آن را از او دفع میکند و جانوران
موذی را بکشد و دیگر فرموده که در عصا چهار خصلت است که سنت انبیاست و سیرت
صلحاست و قوت ضعفاست و دفع اعداست و دیگر فرموده که با عصا راه رفتن علامت
مومنست و تواضع و فروتنی است هر که با عصا راه رود در هر قدمی برای او نیکویی
بنویسند و هزار درجه پایه او را بلند بگردانند و دیگر فرموده که هر که بسفری بیرون رود
باید که با او باشد عصایی از چوب بادام تلخ و این آیه را بخواند و لما توجه
تلقاء مدین قال عسى ربي أن يهديني سواء السبيل ولما ورد ماء مدين وجد
عليه أمة من الناس يسقون ووجد من دونهم امرأتين تذودان قال
ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وأبونا شيخ كبير

فسقی

فسقى لهما ثم تولى إلى الظل فقال رب إني لما أنزلت إلي من خير فقير فجاءته إحداهما
تمشي على استحياء قالت إن أبي يدعوك ليجزيك أجر ما سقيت لنا فلما
جاءه وقص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين قالت إحداهما
يا أبت استأجره إن خير من استأجرت القوي الأمين قال إني أريد أن أنكحك
إحدى ابنتي هاتين على أن تأجرني ثماني حجج فإن أتممت عشرا فمن عندك
وما أريد أن أشق عليك ستجدني إن شاء الله من الصالحين قال ذلك
بيني وبينك أيما الأجلين قضيت فلا عدوان علي والله على ما نقول وكيل
حق سبحانه وتعالی او را ایمن گرداند از هر جانور ایذا رساننده و از دزد و ظالم و جانور
و جانور زهردار مثل مار نگهدارد تا هنگامی که باهل خود پیوندد و با او هفتاد و هفت فرشته
باشند که جای او را آمرزش کنند تا باز گردد و امیر المؤمنین علی علیه السلام همچنین روایت
کرده از آن حضرت که عصا فقر را میبرد و شیطان را دور میکند و دیگر فرموده است که هر که
خواهد که راه زمین از پیش او بپیچد عصای چوب بادام تلخ با خود نگاه دارد و دیگر فرموده
که عصا بردارید که آن از سنن برادران منست که پیغمبرانند یعنی بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ
بعصا راه میرفتند تا فنادی در رفتن ایشان نشود و در ثواب الاعمال روایت میکند از

امام الصادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که هرکه بسفر بیرون رود و تحت الحنک بسته
من ضامنم که با سلامت بخانه باز آید و هم از آن حضرت روایتست که هرکه از خانه بیرون
رود و برای سفر تحت الحنک نه بندد و برسد بلایی او را باید ملامت نکند مگر نفس
خود را یعنی آن را از خود پند دهد که در روایت دیگر وارد است که هرکه تحت الحنک ببندد
در سفر امام موسی علیه السلام فرمود که من ضامنم که نرسد با آفتی درد گلو و کزیدن و غرق
شدن و سوختن فصل در بیرون آمدن از خانه و عمل کردن بچیزی که مستحبست
بر آن حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هرکه بدر سوی بیرون رود و هیچ
قائم مقامی در آن خانه بهتر از دو رکعت نیست که در وقت بیرون رفتن بگذارد و در وقت
وداع این دعا بخواند که اللهم انی استودعک الیوم نفسی و مالی و اهلی و ولدی
و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد منا و الغایب و جمیع ما انعمت به علی اللهم اجعلنا
فی کنفک و منعک و عیاذک و عزک عز جارک و جل ثناؤک و امتنع عائذک
و لا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له
شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا الله اکبر و الحمد
لله کثیرا سبحان الله بکرة و اصیلا و امام محمد باقر علیه السلام هر گاه که میخواست

که بفرزند

که بفرزند و عیال ان خود را در خانه جمع میفرمود و همین دعا که مذکور شده میخواند
صباح بن خذا گوید که شنیدم از امام موسی علیه السلام که میفرمود که چون کسی
خواهد که بسفر بیرون رود در خانه بایستد روی بآن جانب که روانه است فاتحة الکتاب
بخواند پیش رو و جانب راست خود و چپ خود و آیة الکرسی نیز بخواند بهمین
طریق و بعد از آن این دعا بخواند که اللهم احفظنی و احفظ ما معی و بلغنی
و بلغ ما معی ببلاغک الحسن حق سبحانه و تعالی او را نگاه دارد و هرچه با او
دارد و آنچه با اوست بسلامت بمنزل برساند و امام جعفر الصادق علیه السلام
فرموده است که هرگاه که کسی بیرون رفتن میخواهد این دعا بخواند که اللهم خل سبیلنا و احسن
مسیرنا و اعظم عافیتنا و روایت از امام رضا علیه السلام که میفرمود بشخصی که هرگاه
از منزل خود بیرون میروی خواه بجانب سفر و خواه بجای دیگر حضر این دعا بخوان که بسم الله
آمنت بالله و توکلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم هرکه این دعا بخواند
و هر شیطانی که پیش او آید فرشتگان بر روی ایشان میزنند که با این شخص مباشید
که او خدای تعالی یاد کرده و توکل بر او کرده روایت است از امام محمد باقر علیه السلام
که فرمود آنکس که از خانه بیرون می آید بگوید که اعوذ بالله مما عاذت منه ملائکة الله
من شر هذا الیوم و من شر الشیطان و من شر من نصب لاولیاء الله و من شر الجن

والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر ركوب المحارم كلها اجير
نفسي بالله من كل شيء حق سبحانه وتعالى او را بيامرزد و برحمت باز گردد
ومهم او را كفايت كند ونگاه دارد او را از يهودي و آفتي وامام جعفر عليه السلم
هرگاه كه از خانه بيرون ميفرمود براي سفر اين دعا ميخواند كه اللهم احفظني
واحفظ ما معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك الحسن بالله استفتح وبالله استنجح
وبمحمد صلى الله عليه السلام اتوجه اللهم سهل لي كل حزونة وذلل لي كل
صعوبة واعطني من الخير كله اكثر مما ارجو واصرف عني من الشر اكثر
مما احذر في عافية يا ارحم الراحمين اسأل الذي بيده ما دق وجل بيده
اقوات الملائكة ان يهب لي في سفري امنا وايمانا وسلامة واسلاما
وفقها وتوفيقا وبركة وهدى وشكرا وعافية ومغفرة [illegible] لا تغادر ذنبا
وچون از منزل بيرون ميفرمود ميگفت كه الله اكبر الله اكبر الله اكبر بسم الله دخلت
وبسم الله خرجت وعلى الله توكلت ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وصلى الله عليه وآله وسلم اللهم افتح لي في وجهي هذا الخير اللهم اني اعوذ بك
من شر نفسي ومن شر غيري ومن شر كل دابة ربي انت آخذ بناصيتها ان ربي
على صراط مستقيم توكلت على الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اللهم اني

اسألك

اسألك خير ما خرجت له واعوذ بك من شر ما خرجت له اللهم
اوسع علي من فضلك واتمم علي نعمتك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في
سبيلك على ملتك وملة رسولك وبعد از آن آية الكرسي ميفرمود [illegible] واخلاص
سه نوبت ميخواند از پيش خود [illegible] در وقت سواري روايت از ابي عبد الله
عليه السلم كه چون آنحضرت پاي مبارك بركاب مينهاد ميفرمود كه سبحان
الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وبعد از آن هفت بار سبحان الله ميفرمود
وهفت بار الحمد لله وهفت بار لا اله الا الله اصبغ بن نباته گويد كه من ركاب
امير المؤمنين علي عليه السلم گرفته بودم وقتي كه سوار ميشد سر مبارك بآسمان كرد
وتبسم فرمود گفتم يا امير المؤمنين ديدم ترا كه سر سوي آسمان كردي وتبسم فرمودي
فرمود كه بلي يا اصبغ همچنانكه تو ركاب من گرفته ومن ركاب حضرت رسالت
پناه صلى الله عليه وآله گرفتم آن حضرت سر سوي آسمان كرد وتبسم فرمود همچنانكه
تو از من پرسيدي من از آن حضرت پرسيدم فرمود كه يا علي هر كه سوار شود وشكر
نعمت خداي تعالى بوي انعام فرموده كه هر كه آية سخره سه نوبت بخواند
يعني ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض تا آنجا كه ان رحمت الله قريب
من المحسنين بعد از آن بگويد كه استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

واتوب الیه اللهم اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت حق سبحانه
فرماید ای ملائکه من بنده من میداند که گناه را بغیر از من کسی نمی‌آمرزد گواه
باشید که من آمرزیدم اورا امام رضا علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله علیه
وآله وسلم فرمود که هرگاه کسی سوار شود بداند که نام خدای تعالی فرشته اورا
بار ونصیب شود وحفظ او کند تا فرود آمد پس اگر سوار شود ونام خدای تعالی نبرد شیطان
اورا ردیف شود گوید اورا تغنی کند واورا وسوسه دهد بچیزهای نا ملایم تا شایست
تا فرود آید ودیگر فرمود که چون کسی بر مرکبی سوار شود ونام خدای برد وبگوید بسم الله
ولا قوة الا بالله والحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین خدای تعالی
نگاه دارد اورا ومرکب اورا تا فرود آید ودر روایت دیگر وارد است که در محل سوار شدن
این دعا بخواند الحمد لله الذی هدینا للاسلام وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد
صلی الله علیه وآله وسلم سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین
وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر
والمستعان علی الامر وانت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل والمال
والولد اللهم عضدی وناصری هرگاه که قافله رفت وتو باز ماندی
بگو در راه خودت که میروی خرجت بحول الله وقوته بغیر حول والقوة اللهم

ابی

انی اسئلک برکة سفری هذا وبرکة اهلی اللهم اسئلک من فضلک الواسع
رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خافض فی عافیة بقوتک وقدرتک
اللهم انی امرت فی سفری هذا بلا ثقة منی بغیرک ولا رجاء لسواک
فارزقنی فی ذلک شکرک وعافیتک ووفقنی لطاعتک وعبادتک حتی
ترضی وبعد الرضا [illegible] روایتست که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
وآله طیار را بجانب حبشه فرستاد پاره راه متابعت کرده همراه او رفت واین دعا را
زاد راه ساخت که اللهم الطف به فی تیسیر کل عسیر فان تیسیر العسیر علیک
یسیر اسئلک الیسر والعافیة والمعافاة الدائمة فی الدین والدنیا والآخرة
ووداع فرمود روزی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مردی را فرمود زودک
التقوی وغفر ذنبک ولقاک الخیر حیث کنت وحضرت امیر المؤمنین وامام حسن
وامام حسین صلوات الله علیهم وعقیل وعبد الله وجعفر طیار وعمار بن یاسر
رضی الله عنهم متابعت ابوذر فرمودند وآن حضرت فرمود که وداع کنید برادر خود را
که او ناچارست از رفتن وشما از برگشتن وهر کدام از ایشان تکلم فرمودند بچیزی در
باب وی از آن جمله امام حسین صلوات الله علیه فرمود که یا ابوذر قوم را اخراج
کردند که تو منع میکردی ایشان را از ناشایست وترغیب مینمودی بدین خودت وایشان

قبول نمیکردند ترا از دنیا پس چون حاجت ایشانرا بایشان تو منع کردی و چیزی نیاز کرداند ترا
از آنچه منع میکردند ترا ابوذر گفت رحم الله کم او در یعنی در زندان دنیا و اینک نیست و شما
اهل بیت پیغمبرید من گاه یاد میکنم آنحضرت را و شمارا نیز با وی یاد میکنم و مرا از حق
کفش جامه نیست علت این گشت و دیگر گفت که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه مومنی را
وداع میفرمود این کلمات میفرمود که زوّدکم الله التقوی و وجّهکم الی کلّ
خیرٍ وقضی حاجتٍ وسلّم لکم دینکم ودنیاکم وردّکم الی اهلیکم سالمین غانمین و در خبر
دیگر وارد است از امام محمد باقر علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله چون
وداع میفرمود مسافر را دست او را میگرفت و میگفت احسن الله لک الصحابة و اکمل
لک المعونة وسهّل لک الحزونة وقرّب لک البعید وکفاک المهمّ وحفظ لک دینک
وامانتک وخواتیم عملک ووجّهک لکلّ خیرٍ علیک بتقوی الله استودع الله
نفسک من علی برکة الله عزّ وجلّ و در روایت دیگر آمده و در وداع از ائمه است بگو
که مرافقت و مصاحبت نیکو کند در سفر و هم در مواکلت و موافقت و غیر آن و مخالفت
که هر که خواهد کسی را وداع کند بگوید استودع الله دینک وامانتک وخواتیم عملک
احسن الله لک الصحابة واعظم لک العافیة وقضی لک الحاجة وزوّدک التقوی ووجّهک
الی الخیر حیثما توجّهت وردّک سالماً غانماً فصل [illegible] در مکارم اخلاق در سفر

ابو ربیع

ابو ربیع شامی روایت کند که ما در خدمت امام جعفر الصادق علیه السلام بودیم و خانه آنحضرت پر بود
از مردمان فرمود که نه از ماست که مرافقت و مصاحبت نیکو کند در سفر و هم در مواکلت و موافقت
و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم میفرمود که هرکه در وی سه خصلت نباشد اعتمادی بر وی نیست
در سفر یکی خلق که نیکویی کند با مصاحبان و دیگر حلمی داشته باشد که بسبب آن مالک غضب
خود تواند شد و زهدی که مانع شود او را از حرام و دیگر فرمود که از مروت
نیست مردی که حدیث کند در سفر در چیزی که کلال و ملال آرد عمار بن مروان گوید که
آنحضرت میفرمود در وصیت مرا بتقوی و برادای امانت و با رفقا نیکوئی و مصاحبت
امام محمد باقر علیه السلام فرموده که آنکس را که با وی مصاحبت میکنی اگر توانایی داری که
دست تو بالا باشد آنرا از دست مگذار و در روایتست از حضرت رسول الله صلعم
که اول رفیق است و بعد از آن طریق و آنحضرت صلعم همچنین که دو کس که با هم مصاحبت
میکنند بزرگتر ایشان پیش خدای تعالی دوستتر ایشان از روی او ثواب و ثواب
آنکس است که در مصاحبت بهتر باشد و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرموده که مصاحبت مکنید
در سفر که ترا بهتر از خود دانند همچنانکه تو او را بهتر از خود دانی یعنی مصاحبان می باید
که هر یک از ایشان دیگری را بهتر از خود دانند و دیگر آنحضرت فرمود که چنین سفر بیرون

روند نفقهٔ خود را همراه ببرند که آن موجب خوشحالی آنکس است و نیکویی خلق او
و امام الصادق علیه السلام فرموده که مصاحبت کن با کسی که او مزین شود بتو شهاب بن
عبد ربه گوید که گفتم مر ابی عبد الله علیه السلام که تو معلوم داری حال مرا و جود و بخشش مرا بر
برادران دینی من مصاحب شدم جماعتی را از ایشان در راه مکه و رعایت بسیار
کردم ایشان را فرمود که چنین مکن ای شهاب چه اگر ایشان را رعایة کردی و ایشان
در مقابل آن توانایی نداشته باشند ایذا می یابند پس نگاه داری خواری
ایشان را و با امثال خود مصاحبت کن در دارایی و امام محمد باقر علیه السلام
فرموده که مصاحبت با مثل خود کن و با کسی که رعایت حال تو کند و منت ترا ده
مصاحبت مکن که این سبب خواری تو است و حضرت رسالت پناه صلعم فرموده که بهترین
مصاحبان این کس نزد خدای تعالی چهار کس اند و از هشت که در گذرد همت سبب
پریشانی است و امام جعفر الصادق علیه السلام فرموده که مسافر بپاید که تا سه روز جهة مصاحبت
خود توقف کند و گمان که آن مصاحبت بیمار باشد و نیز فرموده که حضرت رسول علیه السلام
فرمود که هیچکس پیش خدای تعالی بهتر از آن نیست که کرم میانه رو باشد و اسراف در اعطای
نکند که خدای تعالی او را دوست نمیدارد مگر در حج و عمره و دیگر فرموده که باید کرم خلق

همراه ما سفر نکند و دیگر فرمود که بهترین مردم آنکس است در سفر که خدمت یاران کند و دیگر
فرموده امام صادق علیه السلام که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که در سفری که گوسفندی
بکشتند مردی گفت من میکشم این گوسفند را دیگری گفت که من پوستش میکنم دیگری گفت
که من می پزم آنحضرت فرمود من هیزم را جمع میکنم یاران گفتند یا رسول الله شما زحمت
نکشید جان ما فدای تو باد ما اینها را بجای می آوریم آنحضرت فرمود که من میدانم که شما
این خدمت میکنید اما خدای تعالی مکروه میدارد بنده را که در میان مصاحبان بیکار باشد
و کار خود را در گردن ایشان اندازد پس برپای خواست و هیمه را جمع فرمود و آنحضرت
هرگاه که بسفر میرفت سفره و شانه دان و مسواک همراه میبرد و امام جعفر صادق علیه السلام
فرموده که لقمان حکیم با پسر خود گفت هرگاه با جمعی که سفر کنی باید که در کارها با ایشان
مشورت کنی و در روی ایشان شادان و خندان باشی و در توشه خود با ایشان
کرم کنی و با ایشان در میان نهی و هرگاه که ترا خواستند اجابت نمایی و اگر از تو یاری
طلبند یاری کنی و خاموشی را پیشه خود سازی و نماز بسیار گزاری و با مال خود سخاوت
بسیار بجای آوری و آنچه داری از الاغ و آب و توشه دریغ از ایشان
مضایقه نکنی هرگاه که از تو گواهی خواهند بدهی گاهی که پیاده روند با ایشان پیاده روی

وچون سوار شوند تو هم با ایشان سوار شوی و هر گاه که صدقه یا قرض دهند تو نیز
با ایشان اتفاق کنی و سخن گویی که در حسب از من بزرگتر باشد بشنوی و هر گاه که ترا
امر کنند بچیزی یا از چیزی طلبند تو قبول کنی و جواب ندهی که جواب بد خلعت
و هر گاه که در راه متحیر شوید فرود آیید و مشورت کنید و هر گاه کسی را ببینید راه را
از وی سوال مکنید چون تنها بود که جاسوس دزدان باشد یا شیطان که خواهد
شما را حیران و سرگردان کند و از دو کس بپرسید و دیدید بپرهیزید اگر از قول
ایشان در یابید که از زبان دغلی هست و همچنین گفت لقمان با پسر خود
که ای پسر هر گاه که وقت نماز در آید ادا کن و در آخر وقت مبند از بعد ازان
استراحت کن ازان زیرا که آن دینی است بر تو و نماز را بجماعت بگذار
و در هر جا که ممکن باشد و بر بالای مرکب خواب مکن که مجروح سازد او را که آن
از فعل حکمایست مگر آنکه در محفه باشی که ممکن باشد نزاعد و بجهة استرخا
و مفاصل و چون بمنزل نزدیک شدی از مرکب فرود آی و او را به علف بگذار
و غم او بخور پیش از خود چه او ترا ایکشد و چون خواهی که فرود آیی جایی
اختیار کن که خاکش نرم باشد و علفش بسیار و چون فرود آیی دو رکعت نماز

بگذار

بگذار پس بزانوی در آی و بر زانو بر زمین سوار شو در حالتی که روی بقبله باشی و دست راست
تو بر بالای دست چپ بود و بگوید که اللهم انت انت الذی تقطع الرجاء الامانی
وخائب الآمال الا فيك نعوذ من لا تشغل لي عمرها اجعل لي من امري فرجا ومخرجا
وارزقني من حيث احتسب ومن لا احتسب پس سجده کن بر زمین و بگوی اثبت
اجعل لي رزقا من فضلك پس هرگز دو شب بر تو طلوع نکند که بر روزی جدید بغیر اصلح
چون سختی پیش آمدی با اهل خود ندا کردی که یا اهل اهله صلوا صلوا نماز برای فرزند
چهار رکعت رکعت اول الحمد یکبار و ده بار ربنا واجعلنا مسلمين لك ومن ذريتنا
امة مسلمة لك وارنا مناسكنا وتب علينا انك انت التواب الرحيم
و در رکعت دویم الحمد یکبار و ده بار رب اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي ربنا وتقبل
دعاء ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب و در رکعت سیم یکبار
الحمد و ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين
اماما و در رکعت چهارم الحمد یکبار و ده بار رب اوزعني ان اشكر نعمتك
التي انعمت علي وعلى والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي
اني تبت اليك واني من المسلمين و چون سلام بدهد بگوید ربنا هب لنا
تا آخر نماز برای پدر و مادر دو رکعت در رکعت اول الحمد یکبار و ده بار رب اغفر لي

وَلِوَالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ و در رکعت دویم فاتحه یکبار و ده بار
رَبِّ اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
و بعد از سلام ده بار بگوید رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِیرًا نماز دیگر دو رکعت
و در هر رکعتی فاتحه یکبار و بیست بار رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیَانِی صَغِیرًا و چون فارغ
شود سجده کند و این آیت را ده بار بگوید نماز جهت توانگری دو رکعت است
و در هر رکعتی فاتحه یکبار و ده نوبت قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشَاءُ
وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلَىٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
و چون سلام بدهد ده بار بگوید رَبِّ اغْفِرْ لِی وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمِینَ
و ده بار بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس سجده کند و بگوید رَبِّ
اغْفِرْ لِی وَهَبْ لِی مُلْکًا لَا یَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِی إِنَّکَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ نماز دیگر دو رکعت و در هر رکعتی فاتحه یکبار و پانزده بار سوره
قریش بعد از آن سلام بدهد و ده بار صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد پس سجده
کند و ده بار بگوید اللّٰهُمَّ أَغْنِنِی بِفَضْلِکَ عَنْ خَلْقِکَ نماز جهت ادای قرض
چهار رکعت در رکعت اول فاتحه یکبار و سوره یٰس ده بار و قل هو الله ده بار
و در رکعت دویم فاتحه یکبار و آیة الکرسی ده بار و قل یا ایها الکافرون ده بار

(margin: وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشَاءُ)

و دیگر

مستجیر الهی العفو العفو حضرت امام الصادق علیه السلام فرموده که هر که آیت
از قرآن بخواند بعد از آن بگوید یا الله اکبر و اگر در سنگهای ریزک خواند از زمین
برکند دعایی مشتمل بر اسم اعظم منقولست از معاذ بن جبل که گفت روزی
بخدمت رسول صلعم عبد المطلب عبد الله سلام فرستاد پس حاضر شد نزد آنحضرت
جمعی از اصحاب آنجا حاضر بودند فرمود که یا عبد الله خبر ده مرا از دو کلمه
خدای تعلیم ابراهیم علیه السلام کرد روزی که او را در آتش می انداختند آیا تو
آنرا در توریة یافته عبد الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد آیا تو در باب
این کلمات چیزی نازل شده که من در توریة ثواب آنرا یافته‌ام و آن
کلمات را یافتم و آن دعاست که در آن اسم اعظمست بعد از آن آنحضرت
فرمود که آیا آن کلمات را خدای تعالی بجز کلیم تعلیم فرموده است بعد از آن
عبد الله گفت که بغیر از ابراهیم خلیل دیگری را تعلیم نکرده بعد از آن آنحضرت
فرمود که چه یافتی ثواب آن کلمات را در توریت عبد الله گفت یا رسول الله کرا
توانایی آن باشد که ثواب آن برسد لیکن در توریة نوشته یافتم که
هیچ بنده نیست که حق سبحانه و تعالی بر وی ثبت کرده باشد این کلمات را در
دل او نهاده باشد مگر آنکه نور او در دیده و یقین را در سویدای دل او جای کرده

باشد و سینهٔ او را به نور ایمان گشاده و از برای او نور از عرش تا فرش تابان گردانیده و مباهات کنند با او فرشتگان در هر روز دو بار و حکمت را در زبان او جاری گردانیده و حفظ کلام را روزی او سازد اگرچه پیران حریص باشد و او را در علم دین عالم گردانند و محبت او در دل بندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از عذاب قبر و فتنه و جلال بزرگترین فزعی در روز قیامت و او را از زمرهٔ شهیدان حشر کنند و کرامت فرماید حق سبحانه و تعالی و عطا فرماید آنچه کرامت فرموده با نبیا و ترسند گاهی که مردم ترسند و محزون نمی شوند و از صدیقان نویسند و چون حشر کنند دل او مطمئن شده باشد و از جملهٔ کسانی شود که با ابراهیم خلیل حلّه پوشیده باشد و هرچه با این دعوت از خدای تعالی خواهد او را عطا فرماید و هر که بخندد و بخورد آن را راست سازد و همسایهٔ خدای تعالی باشد در خانهٔ جلال و او را او هم شهید بدهد که از روز اقسر بدین دنیا شهید شده باشد آنحضرت فرمود که با این سلام خانهٔ جلال کدام است گفت جنات عدن که موضع رحمت است گفت یا رسول الله ما را تعلیم کن دیر مانت نه چنانکه خدای تعالی بر تو منت نهاده پس آنحضرت فرمود که خدا را آنچه گفتند پس به سجده کرده . . . .

وامن الرسول تا آخر ده بار چون سلام بدهد و در رکعت اول ده بار بگوید سبحان الله الابد الابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد سبحان الذی رفع السموات بغیر عمد المنفرد بلا صاحبة ولا ولدا و در رکعت سیم فاتحه یکبار و التکاثر سه بار چون فارغ شود هفت بار در سجده بگوید که اللهم انی اسئلك التیسیر فی کل عسیر فان تیسیر العسیر علیك یسیر بعد از آن سر بالا کند و بگوید الحمد لله رب السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم نماز دفع گرسنگی

منقولست از ابی عبدالله علیه السلام که هر که گرسنه شود و دو رکعت نماز بگذارد و بگوید رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر حق سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد و دیگر فرمود مردی که دعا کند برای برادر دینی خود غایبانه میگشاید روزی او را دفع میکند از و بلاها را و دیگر فرمود که فاطمهٔ زهرا علیها السلام آمد بحضرت پیغمبر گوارش و از گرسنگی شکایت کرد فرمود که مر او را بگو یا مشبع الجوعة و یا رافع الوضعة لا تجیع فاطمة بنت محمد و او را فرمود که دعا کن باین دعا نماز جهت حاجت منقولست که ابی عبدالله علیه السلام فرمود که چون مطلبی از شب بگذرد و برخیزد و دو رکعت نماز بگزارد و در رکعت اول فاتحه و سورهٔ الملك

بخواند و در رکعت دوم بعد از الحمد الم سجده و این دعا بخواند یا رب قد نامت
العیون و غارت النجوم و انت الحی القیوم لا تأخذک سنة و لا نوم
لن یواری عنک لیل داج و لا سماء ذات البروج و لا ارض ذات
مهاد و لا بحر و لا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار و یا غیاث
المستغیثین برحمتک ما شئت فصل علی محمد و آل محمد و اقض لی
حاجة کذا و کذا و لا تردنی خائبا و لا محروما یا ارحم الراحمین
دعای رؤیت ماه یونس و بر دست چپ انگشت سبابه دست راست
محمد علی الحسن و الحسین تا آخر ائمه المعصوم علیهم الصلوة و السلام و بنویسد
قل هو الله احد تا آخر بعد از آن بگوید اللهم الناس اذا نظروا و انظر بعدهم
اذا وجوه بعضهم و نظر بعضهم ببعض و انی نظرت الی اسمائک
و اسم نبیک و ولیک و اولیائک علیهم الصلوة و السلام و الی آیاتک
فاعطنی کل الذی احب من الخیر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
بنویسد بر قلمی که هیچ بر وی نیافته از مداد و در میان سطور کتاب یا رقعه که مشتمل
باشد بر حاجت جائی که هیچ سطری در آن اجسر از این حروف خالی باشد
محمد و علی و ابوتراب بسم الله الرحمن الرحیم الملک الحق المبین

ان الله

ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون و الرزق من حیث لا یحتسبون
ان الله هو السمیع العلیم جعلنا الله و ایاکم ممن الذین لا خوف
علیکم و لا انتم تحزنون اللهم انی اسئلک بحق محمد و علی و فاطمة
و الحسن و الحسین تا آخر و الحجة القائم المنتظر صلوات الله علیه و آله و سلم
تسلیما ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجیر اموری و تسهله و تقلبه لی
و ترزقنی خیره و تصرف عنی شره برحمتک یا ارحم الراحمین منقولست
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که گفت مرا امر کرد حبیب من رسول الله صلعم که تا در ختم قرآن
این دعا کنم اللهم انی اسئلک اخبات المخبتین و موافقة الابرار و استحقاق
حقایق الایمان و الغنیمة من کل بر و السلامة من کل اثم و وجوب
رحمتک و عزائم مغفرتک و الفوز بالجنة و النجاة من النار فصل پنجم
دعاهای بر آمدن حاجات و دعا در گرفتن مصحف روایتست که ابو عبد الله علیه السلام
چون قصد قرآن خواندن کردی پیش از آنکه مصحف بردارد این دعا خواندی که
اللهم انی اشهد ان هذا کتابک المنزل من عندک علی رسولک
محمد بن عبد الله علیه و کلامک الناطق علی لسان نبیک جعلته هادیا
منک الی خلقک حبلا فیما بینک و بین عبادک اللهم انی نشرت عهدک

اللهم فاجعل نظري فيه عبادة وقراءتي فيه فكراً وفكري فيه
اعتباراً واجعلني ممن اتعظ ببيان مواعظك واجتنب معاصيك
ولا تطبع عند قراءتي على قلبي ولا على سمعي ولا تجعل على بصري
غشاوة ولا تجعل قراءتي قراءة من لا تدبر فيها بل اجعلني اتدبر
آياته واحكامه اخذاً بشرائع دينك ولا تجعل فيه نظري
غفلة ولا قراءتي هذراً انك انت التواب الرحيم دعای بعد از تلاوت
قرآن اللهم اني قد قرأت ما قضيت من كتابك الذي
انزلت على نبيك الصادق صلعم فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني
ممن يحل حلاله ويحرم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله
انساً في قبري انساً في حشري واجعلني ممن ترقاه بكل آية قرأها
درجة في اعلى عليين آمين يا رب العالمين دعای تلاوت سجدهٔ قرآن
بگوید سجدهٔ تلاوت قرآن حکیم واجب چهار سوره که واجبست و بایست
جایی که سنت است توبه بخدا و دعا اینست که لا اله الا الله حقاً
حقاً لا اله الا الله صدقاً وايماناً لا اله الا الله تعبداً ورقاً سجدت لك
يا رب تعبداً ورقاً لا مستنكفاً بل انا عبد ذليل ضعيف خائف

مستجير

چون سر از سجده برداشته شد و موکد کرده بگوید یا الله یا الله یا الله انت
محجوب منك جميع خلقك يا نور النور انت الذي احتجبت دون
خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله يا الله يا الله انت الرفيع الذي
ارتفعت فوق عرشك من فوقك سمائك فلا يصف عظمتك
احد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء
بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت يا الله الذي لا اله
غيرك تعاليت عن ان يكون لك شريك وتعظمت عن يكون ولد
وتكرمت عن ان يكون شبيه وتجبرت عن ان يكون لك ضد فانت الله
المحمود بكل لسان وانت المعبود في كل مكان وانت المذكور
في كل اوان وزمان يا نور النور كل نور خامد لنورك يا مالك
كل ملك تفنى غيرك يا دائم كل حي يموت غيرك يا الله يا الله
يا الله الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفي بها غضبك وتكف بها
عذابك وترزقني بها سعادة من عندك وتحلني بها دارك التي
تسكنها خيرتك من خلقك يا ارحم الراحمين روایت کرده عمرو بن
شعیب از پدر خود و او از حضرت پیغمبر صلعم که جبرئیل ع نازل شد بر وی این دعا

در حالی که متبشر و شادان بود گفت السلام علیکم یا محمد فرمود که علیک السلام
یا جبرئیل فرمود که حق سبحانه وتعالی فرستاده مرا بسوی تو هدیه فرمود که این
هدیه کدامست گفت کلمهٔ چندست از گنجهای عرش و گرامی فرماید ترا بآن
فرمود که کلمات کدامست ای جبرئیل گفت بگو یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیْلَ وَسَتَرَ الْقَبِیْحَ
یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَرِیْرَةِ وَلَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ یا عَظِیْمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ
یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یا صاحِبَ کُلِّ نَجْوَی
وَمُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی یا کَرِیْمَ الصَّفْحِ یا عَظِیْمَ الْمَنِّ یا مُبْتَدِأً بِالنِّعَمِ
قَبْلَ اسْتِحْقاقِها یا رَبَّنا یا سَیِّدَنا وَیا مَوْلانا وَیا غایَةَ رَغْبَتِنا یا اللهُ اَنْ
لا تَشْوِیَ خَلْقِی بِالنّارِ وَاَنْ تَغْفِرَلِی وَلِوالِدَیَّ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمِیْنَ
وَاَنْ تُعْطِیَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ اِنَّكَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ
وَصَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِیْنَ آنحضرت صلعم فرمود
مر جبرئیل را علیه السلام که ثواب این کلمات چیست گفت هیهات هیهات
منقطع شود و عمل اگر اجتماع نمایند فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین
بر آنکه وصف کنند ثواب این کلمات را تا روز قیامت وصف نتوانند کرد
از هزار جزو یک جزو هر گاه بنده گفت که یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمِیْلَ وَسَتَرَ الْقَبِیْحَ بپوشاند

ولکن

حق سبحانه وتعالی قبایح و گناهان او را و رحمت کند برو در دنیا و آخرت
و هر گاه گفت یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَرِیْرَةِ وَلَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ حق سبحانه وتعالی حساب
او را نکند در روز قیامت و پردهٔ او را ندرد در روزی که پردهها دریده شود
و هر گاه که یا عَظِیْمَ الْعَفْوِ گفت می آمرزد حق سبحانه وتعالی جمیع گناهان او را
اگر چه مثل کف دریا باشد و هر گاه که گفت یا حَسَنَ التَّجاوُزِ حق سبحانه وتعالی
تجاوز میکند از زشتیهای از دزدی و خمر خوردن و اهوال دنیا و غیر آن
از کبایر و هر گاه گفت یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ حق سبحانه وتعالی بگشاید هفتاد در از
رحمت پس او غرق گردد در رحمت الهی تا از دنیا بیرون رود و هر گاه گفت که
یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ بگستراند حق سبحانه وتعالی بقدرت خود دست رحمت را بر وی
و هر گاه گفت یا صاحِبَ کُلِّ نَجْوَی وَمُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی عطا میفرماید حق جل وعلا
او را از هر اجر ثواب هر مصیبت زده و هر سالم و هر مریض و هر مسکین و هر فقیر
و هر صاحب مصیبت تا روز قیامت و هر گاه گفت یا کَرِیْمَ الصَّفْحِ حق سبحانه وتعالی
او را بکرامت خود مخصوص گرداند چنانچه انبیای کرام را مخصوص گردانید و
هر گاه گفت یا مُبْتَدِأً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها عطا میفرماید حضرت عزت او را

از بعد و بعد از آنکه شکر نعمتهای او بجای آورد و هر گاه گفت یا ربّنا و سیّدنا و
مولینا حق سبحانه و تعالی فرماید ای فرشتگان من گواه باشید که من او را آمرزیدم
و دادم او را بعدد آنچه آفریده‌ام او را از بهشت و دوزخ و هفت آسمان
و هفت زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و قطره‌های باران انواع
خلق و کوهها و سنگ ریزه‌ها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی و افلاک
و هر گاه گفت یا مولینا پر کند حضرت شان دل آن را از ایمان و هر گاه
یا غایة رغبتنا بدهد او را خدای تعالی رغبت مثل رغبت همه خلایق و هر گاه
گفت اسئلک بالله ان لا تشوه خلقی بالنار حضرت عزت فرماید
که بنده من طلب خلاصی و آزادی مینماید از دوزخ گواه باشید ای فرشتگان من
که من آزاد کردم او را از آتش دوزخ و آزاد ساختم پدر و مادر و همسایگان
او را و پذیرفتم شفاعت او را در هزار کس از آنانی که واجب گشته بود بر ایشان
در دوزخ و امان دادم او را از نار جهنم پس ای محمد باین دعا مومنان و متقیان را
و میاموزان منافقان را که این دعوت مستجابست هر دعا کنندگان را
است ان شاء الله تعالی این دعا اهل بیت است که خوانند آنانکه برگزیده ایشان کرده‌اند

وطلب

و طلب حاجت هر که خواهد از خانه بیرون آید پس باید که بگوید نزد بیرون آمدن که
بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله و الحمد و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند از پیش و پس و از راست
و چپ و بالا و زیر خود چون باز آید بخانه بگوید بسم الله و بالله و اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله پس سلام کند بر اهل
خانه اگر کسی باشد و اگر کسی نباشد بگوید بعد از شهادتین السلام علی محمد
بن عبد الله خاتم النبیین السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علی
عباد الله الصالحین و هر گاه در آید ببازار از برای حاجتی پس باید که بگوید لا اله
الا الله وحده لا شریک له العلی العظیم الحمد لله الذی بنعمته تتم الصالحات
یا هو یا من هو یا من لیس هو الا هو یا من لا اله الا هو و نیز در طلب حاجت
مرویست از ابی عبد الله ع که فرمود پدر بزرگوار من فرمود که هر گاه کسی را حاجتی باشد
سجده کند بی قراءت در رکوع و در سجده هفت بار بگوید یا ارحم الراحمین بگوید بعد از فراغ
این دعا را مگر که حق تعالی فرماید که لبیک ارحم الراحمین هم طلب کن حاجت خود را
روایتست از ابی عبد الله ع هر گاه مردی غنی و املی و دردی برسد باید که زانوهای
خود را یا دستهای خود را برهنه کند و بچسباند بر زمین و سینه خود را نیز بر زمین بزند

و بعد از ان دعا کند که مستجابست حضرت امیر المؤمنین علی علیه الصلوة والسلام فرموده
هر اینه خود را هر گاه که فرود آید بتو امری بزرگ یا در دین یا در دنیا پس وضو بساز و دستها بردار
بدرگاه خدای تعالی و هفت بار بگو که یا الله که دعای تو مستجابست و دیگر فرمود که چون کسی را حاجتی
باشد صباح روز پنجشنبه در طلب آن یار شود و چون از خانه بیرون آید آخر سوره آل عمران و آیة
الکرسی و انا انزلناه و فاتحة الکتاب بخواند که حوایج دنیا و آخرت او روا شود و منقولست
از ابی الحسن ع که هیچکس را نیست که غمی یا کربی باو رسد پس سر خود را با آسمان بردارد و سه بار
بگوید که بسم الله الرحمن الرحیم مگر آنکه غم و کرب او زایل گرداند الله تعالی و دعا در
جهة ادای قرض منقولست از حسین بن خالد که گفت مرا در بغداد سیصد هزار درهم دین بود و چهار
صد هزار درهم از مال خود داشتم نزد مردم و در خواستن مجال نمیدادند که از زبان بستانم و دین
خود را ادا کنم و ما در بودم که نزد ابو الحسن ع روم و احوال خود را باز نمایم پس کتابتی در ان وصف
حال کردم که مرا قرض چندست و مال چندست جواب نوشت که در پس هر نماز این دعا بخوان
که اللهم انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان ترحمنی یا لا اله
الا انت بحق لا اله الا انت ان تعفو عنی یا لا اله الا انت اللهم
انی اسئلک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لی یا لا اله الا انت
سه نوبت دعا کن بعد از هر نماز فریضه که حاجت تو روا شود ان شاء الله تعالی

راو

راوی گوید که بدین دعا مداومت کردم بخدا اگر چهار ماه بگذشت که دین من تمام ادا شد و صد
هزار درم دیگر فاضل آمد ورد عابد ظالم منقولست از رسول صلعم که چون ترسی از کسی و خواهی
که دفع شر او کنی طلب حلال کن و چیز حلال بابه بپز پس راست بایست بر قدمهای خود و بر جهه
حطاب حلال بگو ایود احدکم ان یکون له جنة من نخیل و اعناب تجری من
تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات و اصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها
اعصار فیه نار فاحترقت پس ایما و اشارت کن باین کلمات بجانب خانه آن کس که از و میترسی
و سه بار بگوی فاحترقت اللهم طمه بالبلاء طما وغمه بالغماء غما وارمه بحجارة من سجیل
نفرك الابابیل یا علی یا عظیم پس در شب دوم سیم ماه مثل این بگو و چنین در ماه اول مراد
حاصل نشود در ماه دویم و سیم مثل این عمل کن البته در ماه چهارم احتیاج باین عمل نخواهد بود ان شاء الله
و دیگر روایت مردی نزد صادق ع شکایت کرد از ظالمی که بر وی ظلم کرده بود فرمود که مرا در بگو یا
ناصر المظلوم المبغی علیه ان کان فلان بن فلان ظلمنی و بغی علی فابتله بفقر لا یجبره
و بلاء لا یستره هر کس سه نوبت که بر ظالم خود این دعا کند در شبانه روز علامت بلا ظاهر شود
و بعد از ان بفقر مبتلا گردد و دیگر فرمود که هر گاه نزد پادشاهی روی بگوی که اللهم اطرقه بلیلة لا اخت
لها و بحجر یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء و صلی الله علی محمد و آل محمد
واکفنی مؤنة بلا مؤنة و دیگر چون از کسی بترسی بگوی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

رب العرش العظیم استجرت بالله وقوته من حولهم وقوتهم واستعنت برب الفلق
ومن شر ما خلق ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله در طلب روزی از حضرت
صادق ع منقولست که کسی شکایت کرد نزد آنحضرت از فقر فرمود که این را بگوی ان کان
رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاظهره وان کان قریبا
فاعطنیه وان کان قد اعطیتنه فبارک لی فیه وجنبنی علیه المعاصی والردی
منقولست از حضرت امام رضا علیه السلام که کسی نزد ابو عبد الله آمد وشکایه کرد از فقر
فرمود که بانگ نماز بگوی چنانکه موذن گوید وجمع کرد او از بانگ شنوایی در خوف منقولست
از امام صادق ع که چون در سفر وصحرا باشی از جن وآدمی ترسی دست را بسر نه وبآواز
بلند بخوان که افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا وکرها والیه ترجعون مرویست که چون چارپایی بدلجام باشد این آیه را
در گوش او بخوانند ودیگر بگوید اللهم سخرها وبارک فیها بحق محمد وآله وبعد از آن
سوره انا انزلناه بخوانند حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که هرگز چارپای من
سر در پا مدر پرسیدند که سبب چیست فرمود زیرا که او را هرگز در زراعت نراندم
منقولست از ابی عبد الله ع که چون از شیر ترسند که عزت ایشان وگوسفندان ایشان
رساند پس دایره در آنجا بکشند واین دعا بخوانند که اللهم رب دانیال

والجب

والجب ورب کل اسد من اسد احفظنی واحفظ علی غنمی هر گاه نرسد از مکان
وو ان باید که بگوید قل للذین امنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی قوما
بما کانوا یکسبون واذا قرات القران جعلنا بینک وبین الذین لا یومنون بالاخرة
حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان
وان یروا کل ایة لا یومنوا بها حتی اذا جاءوک یجادلونک یقول الذین
کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین منقولست که حضرت رسول الله صلعم فرمود
که ای علی هر گاه شیری را ببینی وکار بر تو سخت گردد سه بار تکبیر بگوی ودیگر بگوی
الله اکبر واجل واعز واعظم من کل شیء واکبر واعز من خلقه واقدر
اعوذ بالله من شر ما اخاف واحذر شر شیر کفایة شر وی منقولست که رسول صلعم
فال خوش را دوست داشتی وفال بد را مکروه انگاشتی وامر فرمودی کسی را که چیزی ببیند
وشوم دارد بگوید اللهم لا یاتی بالخیر الا انت ولا یدفع السیئات الا
انت ولا حول ولا قوة الا بک منقولست که امام صادق ع در وقتی که منصور
دوانقی رفت واو را غضبناک یافت این دعا خواند غضب او نشسته شد یا عدتی
عند شدتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام واکفنی برکنک
الذی لا یرام بحق محمد وآله
دفع ترس از د   بر قفل وبند کر قل اعوذ الله

او ادعوا الرحمن ایّاما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا
تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن
له شریک فی الملک ولم یکن له ولیّ من الذلّ وکبّره تکبیرا رفع غضب
منقولست از امام صادق ع که چون کسی را غضب آید و ایستاده باشد چون بنشیند غضب
او زایل گردد و اگر کسی را غضب مستولی شود و روی رحم او را دست بمالد غضب او در
باید دیم از آنحضرت منقولست که در وقت غضب این دعا بخواند اللهم اذهب عنّی
غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلّات الفتن اسألک رضاک
واعوذ بک من سخطک واسألک جنّتک واعوذ بک من نارک واسألک الخیر
کلّه واعوذ بک من الشرّ کلّه اللهم ثبّتنی علی الهدی والصواب و
اجعلنی راضیا مرضیا غیر ضالّ ولا مضلّ در حدیث قدسی وارد است ابن آدم
اذکرنی حین تغضب اذکرک حین اغضب فلا امحقک فیمن امحق
یعنی ای فرزند آدم یاد کن مرا چون ترا غضب آید که ترا یاد کنم چون مرا غضب آید
پس محو کنم در میان کسانی اینها از غضب محو میکنم و ابو عبدالله ع فرموده که هر که
غضب خود را از مردم باز دارد حق سبحانه و تعالی غضب خود را از و باز دارد و نیز در غضب
باید که صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و بگوید ویذهب غیظ قلوبهم اللهم اغفر لی

ذبح

